

# حقوق شخصروندی



محمد مهدی داداشی چکان

**مقدمه:** «حقوق شهروندی» حقوقی است فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که یک شهروند به واسطه زندگی در یک قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه‌ای میان او و دولت حاکمه از آن برخوردار می‌شود. به تعبیری دیگر «حقوق شهروندی» مجموعه مقررات و قوانینی که در ابعاد حقوقی، مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جهت اتباع یک کشور به طور یکسان در نظر گرفته شده است و این افراد در مقابل مکلف به مساعدت مسئولانه در برابر جامعه سیاسی خود (دولت) هستند.

صیانت از حقوق شهروندی از مهم‌ترین اموری است که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به آن توجه لازم شده است. با اتکاء به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بوده و با الهام از فقه زنده و پویای شیعه و اجتهاد مستمر فقهای آگاه و بصیر و رهبری بی نظیر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) قانون اساسی در فصل سوم (حقوق ملت) اصل ۱۹ تا ۴۲ به تدوین حقوق ملت که همان حقوق شهروندی است پرداخته و آن مشتمل بر اصولی است که از آغاز اسلام و تمدن اسلامی و قرن‌ها قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر از سرچشمه اصیل منابع اسلامی و سیره عملی پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد ابن عبدالله (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت علیهم السلام استخراج و به آن‌ها تصریح شده است اصلی‌ترین بحث در حیطه حقوق شهروندی، آشنائی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری می‌باشد. قانون اساسی مهم‌ترین قانونی است که اصول اساسی حقوق یک ملت در آن تبیین گردیده است و تشکیلات و روابط بین قوای مختلف و قدرت‌های عمومی را بیان می‌کند و متضمن قواعد کلی در خصوص جنبه‌های حمایتی و پیش‌گیرانه در مورد حقوق شهروندی است. هنگامی که ما از شهروند و حقوق او سخن می‌گوئیم، مراد از مجموعه‌ای از حقوق عمومی و حقوق خصوصی او است که بر روابط اجتماعی حاکم است. اهمیت حقوق شهروندی نیز به حدی است که رابطه نزدیکی با جایگاه حاکمیت پیدا می‌کند و حتی می‌توان گفت در جامعه‌ای که حقوق شهروندان نهادینه نشده باشد، رابطه مردم و حاکمیت دچار تزلزل می‌شود. حقوق شهروندی بر روابط شهرنشینان با یکدیگر و روابط آنها با نهادهای دولتی دلالت دارد. وقتی دایره کلان و وسیع حقوق شهروندی مطرح می‌شود باید این واقعیت را در نظر بگیریم که محافظت و حراست از حقوق تک تک شهروندان بر دوش همه مسئولین قوای کشور و سازمان‌های دولتی است که باید در این زمینه اقدامات لازم و ضروری را برای صیانت از حقوق شهروندان در کلیه نهادها، دستگاه‌های اداری و سازمان‌های خود عملیاتی کنند تا حقوق مردم در پیچ و خم تشریفات اداری و اجرایی و حتی قانونی پایمال نگردد.

در حال حاضر نقش بی بدیل رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جهت تبلیغ حقوق شهروندی در سند چشم‌انداز بیست ساله و در ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری کشور برای حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، پاسخگوئی و تکریم ارباب رجوع و ارتقاء سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی... انعکاس یافته است و مسئولین نظام را برای تحقق آن فرمان داده است.

# فصل اول

## مفاهیم حقوق شهروندی

تعریف حقوق شهروندی

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قراردادی برای انسانها لحاظ شده است و در اصطلاح، اصول، قواعد و مقرراتی است که روابط انسان‌ها را با هم در حقوق خصوصی و روابط فرمانروایان و فرمانبران را در حقوق عمومی و اساسی تنظیم می‌کند. در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌شوند و نیز اطلاقی عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. دارنده این حقوق یعنی شهروند، به تک تک افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، اطلاق می‌شود، فراتر از مفهومی تحت عنوان تابعیت، بدون اعتنای به سلسله مراتب، موقعیت‌هایی متمایز برای افراد، وجود شرایطی برای به رسمیت شناخته شدن، حاکمانی خاص و حکومت‌شوندگان خاص و در مقابل مبتنی بر رابطه‌ای چندسویه بین دولت، جامعه و شهروندان و وجود یک اخلاق مشارکت و موقعیتی فعالانه. به عبارتی دیگر مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض، برای فراهم سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می‌گیرد، حقوق شهروندی نام دارد.

شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت‌الحمایه حکومتی باشد و قوانین و مقررات آن حکومت را به رسمیت بشناسد و جزو جامعه‌ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید.

«حقوق شهروندی» مجموعه حقوقی است مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است.

بنابراین تعریف «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می‌باشد. اصولاً «حقوق شهروندی» را می‌توان مجموعه قواعدی که بر روابط اشخاص در جامعه و حاکمیت تعریف نمود.

حقوق شهروندی ناظر به حقوق فطری انسان بوده و سلب ناشدنی، غیر قابل تخلف و ازلی و ابدی است. لذا در تعریف حقوق شهروندی پارامترهای ذیل را می‌توان مدنظر گرفت:

۱- چیزی است که فرد با داشتن تکلیف در قبال دیگری مستحق برخورداری از آن است.

۲- شخص به خاطر مصونیت از قانون مستحق آن است.

۳- امتیازی است که انسان در زندگی اجتماعی دارد.

۴- قدرتی است با هدف ایجاد رابطه حقوقی. (جعفری، ۱۳۸۲، ص ۱)

در یک عبارت کلی می‌توان چنین تعریفی را برای ماهیت حقوق شهروندی ارائه داد گر چه واضح و مبرهن است که این تعریف جامع و کامل نیست.

(( شهروندی موقعیتی است اجتماعی و انسانی که افراد جامعه بابرخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف درقبال حکومت انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود بویژه دربعد خدمات دارند ))

«چند تعریف دیگر از حقوق شهروندی»

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که درچارچوب قانون، شرع، عرف و برای تنظیم روابط بین انسان‌ها با یکدیگر وانسان‌ها با دولت وضع شده است گاهی حق عنوان عامی است که شامل همه مجعولات شارع مقدس می‌شود؛ خواه جعل تاسیسی باشد یا امضایی. حق به این اطلاق عبارت است از تحقق و ثبوت. بنابراین می‌توان گفت حقوق اسلامی دستورات شریعت است که برای تمشیت امور فردی و اجتماعی وضع شده است. (محقق داماد، ۱۳۷۶، ص ۴۷)

در اصطلاح فقه، حق نوعی مالکیت است که به نحو خاصی بین مالک و مملوک وجود دارد.

گاهی واژه حق در مقابل ملک قرار می‌گیرد و گاه مترادف با آن و در هر دو معنا قدرتی است که برای انسان نسبت به غیر خودش جعل شده و این پایین‌ترین مرتبه ملکیت است. (آل بحرالعلوم، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱، ص ۱۴)

اما حق در اصطلاح حقوق موضوعه امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق منع دیگران از تجاوز را می‌دهد. واژه «حق» به طور معمول به معنای فردی یا شخصی به کار می‌رود؛ در برابر «حقوق» که به معنای احکام است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۷۰ و ۳۷۲)

بنابراین حق اختیاری است که قانون برای فرد به رسمیت شناخته تا بتواند عملی را انجام یا آن را ترک نماید؛ چنان که گفته می‌شود: حق مالکیت، حق تصرف.

کاربرد واژه حق در این معنا در حقوق اسلامی سابقه دارد. (امامی، ۱۳۴۲، ج ۲، ص ۲)

بعضی از حقوق دانان حفظ نظم در جامعه را مهم‌ترین مصلحت‌ها برشمرده و قواعد حقوق را مقرراتی می‌دانند که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است.

حقوق شهروندی درواقع مجموعه حقوقی که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌باشند و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند گفته می‌شود. بنابراین تعریف

«حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می‌باشد. که چگونگی روابط مردم و دولت و موسسات شهری و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می‌نماید که منشعب از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است و به منظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است

از طرف دیگر شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت‌الحمايه حکومت بوده و قوانین و مقررات آن را به رسمیت بشناسد و جزو جامعه‌ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید. واژه شهروند را می‌توان معادل واژه citizen غربی آن دانست: شهروندی موقعیتی است اجتماعی و انسانی که افراد جامعه با برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در قبال حکومت انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود بویژه در بعد خدمات دارند

لذا هدف غایی از برپایی نظام شهروندی تامین سعادت برای همه مراحل زندگی می‌باشد بدیهی است که تعدادی از این حقوق فطری و ذاتی بوده و بعضی دیگر قراردادی و عرفی هستند. مثلاً **حق حیات و آزادی** از جمله حقوقی هستند که همیشه همراه انسان بوده و منحصر به دیروز و امروز نبوده و نیست اما مواردی مانند **حقوق کارگر و کارفرما یا حقوق تجارت و حق تعلیم و تربیت و...** از جمله امور **قراردادی و عرفی** هستند که در هر دوره زمانی بنا به اقتضایات روز تغییر می‌یابد؛ اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که از لحاظ رعایت و اجرای حقوق نمی‌توان فرقی بین هیچ کدام از آنان قایل شد و باید تمامی حقوق بطور یکسان محترم شمرده شود. جوامع بشری در سیر تحول خودناگزیر شده‌اند حداقل حقوق را به عنوان کف مطالبات حق شهروندی پذیرفته و هر جامعه‌ای به اقتضاء خود تلاش کند تا این مطالب را هرچه بیشتر و با گسترش کمی و کیفی به نقطه مطلوب برسانند.

## ویژگی‌های حقوق شهروندی

ویژگی‌های حقوق شهروندی عبارت است از:

۱- جهانی است؛ زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر انسانی در هر کجا که باشد و از هر نژاد، زبان، جنس یا دین، مستحق آن است.

۲- غیر قابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست؛ چراکه بدون آن نمی‌توان فرد را بشر نامید.

۳- تقسیم پذیر نیست.

۴- عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر و متمم و مکمل هم هستند.

۵- هدیه‌ای الهی است و هیچ مقام بشری این حقوق را اعطا نمی‌کند.

۶- حقوق ذاتی و فطری انسان است و از آن به صفات شخصیتی بشر تعبیر نمی‌شود و به هیچ

قراردادی وابسته نیست. (نصر، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵)

### اهداف حقوق شهروندی

**هدف کلان:** هدف کلان، تامین سعادت شهروندان و مدیران شهری از طریق ایجاد محیط شهری مناسب، برخوردار، هدفمند و یکپارچه برپاشده بر اساس قوانین الهی می‌باشد.

#### **اهداف :**

۱. بسط و گسترش توانائیهای شهروندان

۲. تقویت حس تعلق اجتماعی

۳. تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری
۴. ایجاد عدالت در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات
۵. ساماندهی و یک‌پارچه سازی امور شهروندان
۶. شناسایی و سنجش شاخص‌های مرتبط با شهروندی
۷. بهبود و ارتقای شاخص‌های مثبت شهروندی
۸. توسعه و تعمیم دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مثبت و سازنده شهروندان
۹. تقویت ساختار شهروندی از طریق استقرار نظام حقوق، تکالیف بین شهروندان و مدیران شهری
۱۰. مشارکت جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور شهر
۱۱. تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی
۱۲. بسترسازی تعاملات هدفمند اجتماعی به منظور تثبیت حاکمیت

### مراحل دستیابی به حقوق و تکالیف شهروندی به ترتیب اجرا

۱. رده بندی شهروندان بر اساس سن، جنس و گروه‌های ویژه
۲. رده بندی نیازهای هر گروه با معیار (نیازهای جسمی، نیازهای روحی، نیازهای اجتماعی و نیازهای الهی)
۳. تعیین و سنجش وضعیت موجود و ترسیم وضعیت مطلوب
۴. تعیین اهداف کوتاه مدت، میان مدت، بلندمدت
۵. استخراج راه کارها و سیاست‌های اجرایی
۶. آموزش و تقسیم وظایف و پی‌گیری اجرای آنها
۷. تولید ابزارها و محتواهای متناسب موردنیاز

### محورها و اصول مد نظر

۱. تاکید بر تقویت محله‌ها به عنوان هسته های فعالیت شهروندی
۲. تاکید بر توزیع عادلانه خدمات و فرصت‌ها بین شهروندان
۳. تاکید بر شناسایی و برنامه ریزی جهت بهره‌برداری حداکثر از امکانات



۴. تاکید بر توان افزایی شهروندان برای مشارکت در امور شهری
۵. تاکید بر نگاه به شهروندان به عنوان ولی نعمت و صاحبان حق
۶. تاکید بر حقوق و وظایف توأمان
۷. تاکید بر شناسایی به روز و مستمر رویدادها و تحولات به منظور تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها
۸. تاکید بر ضرورت نهادینه کردن رفتارها و بینش‌ها در دو حیطه شهروند و مدیر شهری
۹. تاکید بر ضرورت اعتمادسازی میان شهروندان و مدیران شهری به عنوان موثرترین راه کار تعامل

### شاخص‌های حقوق شهروندی

شاخص‌ها یا ملاک‌ها مهم‌ترین ابزار سنجش وضعیت یک جامعه آماری است این شاخص‌ها در علوم زیستی، ریاضی و فیزیک تنها شاخص‌های کمی هستند در حالی که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نیازمند تعریف نوع دیگری از شاخص‌ها به عنوان شاخص‌های توصیفی برای سنجش پارامترهای غیرعددی می‌باشیم که در مبحث شهروندی مورد تحقیق، سنجش و پیمایش قرار گیرد. استخراج شاخص‌ها نیازمند تحقیق میدانی و نیازسنجی در همه سطوح شهروندان است، لذا عنوان کردن تمامی آنها در این نوشته مقدور نمی‌باشد. تنها برخی از این شاخص‌ها به عنوان نمونه ارائه شده است:

#### شاخص‌های کمی.

- توزیع خدمات شهری (رفاهی، ورزشی، عمرانی و ...)

- آلودگی صوتی و آلودگی هوا

- متوسط سرعت ترافیک
- میزان بهره‌مندی داوطلبانه شهروندان از مراکز خدمات شهری
- میزان شکایات از مدیران شهری
- میزان حضور شهروندان در موقعیت‌های اجتماعی ویژه
- میزان مرگ و میر ناشی از تصادفات
- نرخ زاد و ولد و پیری جمعیت

### شاخص‌های توصیفی

- میزان اعتماد عمومی به متولیان امور شهری
- میزان آشنایی شهروندان به حقوق خود
- میزان رعایت قوانین شهری از سوی شهروندان
- میزان احساس تعلق شهروندان به شهر و محله خود
- میزان حساسیت جامعه شهروندان نسبت به فرهنگ‌های مخرب و دفاع از اصلاح فرهنگ
- میزان تعامل و مشارکت هدفمند در عرصه خدمات شهری
- میزان حضور فرهیختگان اجتماعی در عرصه تولید اندیشه
- میزان جمع‌گرایی و ترجیح سود جمع بر گروه توسط صنوف و گروه‌ها

### ویژگی‌های شهروند مطلوب

#### ۱۳/۱. در حیطة دانش

- آگاهی از ساختار حکومت در سطح محلی و ملی
- آگاهی از دیدگاه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی
- آگاهی از مقررات و قوانین اجتماعی و مدنی
- آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه
- آگاهی از چگونگی کسب اطلاعات
- آگاهی از توانایی‌های خود و جامعه

- آگاهی از نیازهای خود و جامعه
- آگاهی از تکالیف خود نسبت به خود
- آگاهی از تکالیف خود نسبت به خدا
- آگاهی از تکالیف خود نسبت به مردم
- آگاهی از تکالیف خود نسبت به محیط

### ۱۳/۲. در حیطة نگرش

- پذیرش تنوع سلیقه‌ها و احترام به آنها
- تمایل به انجام اعمال درست
- تمایل به یادگیری
- تمایل به رعایت حقوق دیگران
- تمایل به انجام امور به نفع مردم
- تمایل به همکاری با دیگران
- تمایل به افزایش توانایی‌های فردی و اجتماعی
- تمایل به پیشرفت خود و جامعه
- تمایل و نگرانی نسبت به آسایش و رفاه خود و دیگران
- داشتن روحیه بردباری و تحمل
- داشتن روحیه قدرشناسی
- تمایل به حضور در عرصه‌های مختلف شهروندی
- داشتن افق روشن و امیدوار نسبت به فردای جامعه
- تمایل به عقل‌گرایی در عرصه‌های تحلیل و استنباط
- جامعه شهری خود را مستحق یک جامعه نمونه دانستن

### ۱۳/۳. در حیطة مهارت

- داشتن مهارت‌های ارتباط موثر نظیر تفاهم، تبادل نظر، همدردی

- داشتن مهارت مشارکت با دیگران
- داشتن مهارت حل مسئله
- ۱. توانایی تعیین نیازها
- ۲. تشخیص مسئله
- ۳. توصیف مسئله
- ۴. یافتن راه حل
- مهارت عمل مستقل و بدون اتکا به دیگران
- مهارت مسولیت پذیری
- مهارت التزام عملی به قانون
- مهارت دفاع از حقوق خود و دیگران
- مهارت تصمیم گیری
- مهارت واکنش نسبت به موقعیت‌ها و چالش‌های اجتماعی
- مهارت به کار بردن دانش کسب شده
- مهارت بهره گیری از فرصت‌ها
- مهارت کارگروهی
- مهارت ایفای نقش‌های هم زمان (خود، خانه، جامعه)

## رفتارهای شهروندی

### رفتارهای شهروندی شامل:

الف- رفتارهای شهروندی در سازمان

ب- ابعاد رفتار شهروندی

ج- سیاست‌های تشویق رفتار شهروندی می‌باشد.

الف- رفتارهای شهروندی در سازمان بر سه نوع می‌باشند:

#### ۱. اطاعت سازمانی

این واژه توصیف کننده رفتارهایی است که ضرورت و مطلوبیتشان شناسایی و در ساختار معقولی از نظم و مقررات پذیرفته شده‌اند. شاخص‌های اطاعت سازمانی رفتارهایی نظیر احترام به قوانین سازمانی، انجام وظایف به طور کامل و انجام دادن مسوولیت‌ها با توجه به منابع سازمانی است.

#### ۲. وفاداری سازمانی

این وفاداری به سازمان از وفاداری به خود، سایر افراد و واحدها و بخش‌های سازمانی متفاوت است و بیان کننده میزان فداکاری کارکنان در راه منافع سازمانی و حمایت و دفاع از سازمان است.

### ۳. مشارکت سازمانی

این واژه با درگیر بودن در اداره سازمان ظهور می‌یابد که از آن جمله می‌توان به حضور در جلسات، به اشتراک گذاشتن عقاید خود با دیگران و آگاهی به مسائل جاری سازمان، اشاره کرد.

با انجام این دسته بندی از رفتار شهروندی، این رفتارها مستقیماً تحت تاثیر حقوقی قرار دارد که از طرف سازمان به فرد داده می‌شود. در این چارچوب حقوق شهروندی سازمانی شامل عدالت استخدامی، ارزیابی و رسیدگی به شکایات کارکنان است. بر این اساس وقتی که کارکنان می‌بینند که دارای حقوق شهروندی سازمانی هستند به احتمال بسیار زیاد از خود، رفتار شهروندی (از نوع اطاعت) نشان می‌دهند. در بعد دیگر حقوقی یعنی تاثیر حقوق اجتماعی سازمان - که دربرگیرنده رفتارهای منصفانه با کارکنان نظیر افزایش حقوق و مزایا و موقعیت‌های اجتماعی است - بر رفتار کارکنان نیز قضیه به همین صورت است. کارکنان وقتی می‌بینند که دارای حقوق اجتماعی سازمانی هستند به سازمان وفادار خواهند بود و رفتار شهروندی (از نوع وفاداری) از خود بروز می‌دهند و سرانجام وقتی که کارکنان می‌بینند به حقوق سیاسی آنها در سازمان احترام گذاشته می‌شود و به آنها حق مشارکت و تصمیم‌گیری در حوزه‌های سیاست‌گذاری سازمان داده می‌شود، باز هم رفتار شهروندی (از نوع مشارکت) از خود نشان می‌دهند.

#### ب- ابعاد رفتار شهروندی

بنابراین پنج بعد رفتار شهروندی اینگونه می‌باشند:

##### ۱. وظیفه‌شناسی

##### ۲. نوع دوستی

##### ۳. فضیلت شهروندی

##### ۴. جوانمردی

##### ۵. احترام و تکریم

بعد وظیفه‌شناسی نمونه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد و در آن اعضای سازمان رفتارهای خاصی را انجام می‌دهند که فراتر از حداقل سطح وظیفه‌ای مورد نیاز برای انجام آن کار است.

هم‌چنین افرادی که دارای رفتار شهروندی مترقی هستند در بدترین شرایط و حتی در حالت بیماری و ناتوانی هم به کار ادامه می‌دهند، که این نشان دهنده وظیفه‌شناسی بالای آنهاست.

دومین بعد رفتار شهروندی یعنی نوع دوستی به رفتارهای مفید و سودبخشی از قبیل ایجاد صمیمیت، همدلی و دلسوزی میان همکاران اشاره دارد که خواه به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم به کارکنانی

که دارای مشکلات کاری هستند کمک می کند. البته برخی از صاحب نظران رفتار شهروندی مانند پودساکف، ابعاد نوع دوستی و وظیفه شناسی را در یک طبقه قرار می دهند و از آنها به عنوان "رفتارهای کمکی" نام می برند.

بعد سوم رفتار شهروندی که فضیلت مدنی نام دارد، شامل رفتارهایی از قبیل حضور در فعالیتهای فوق برنامه و اضافی، آن هم زمانی که این حضور لازم نباشد، حمایت از توسعه و تغییرات ارایه شده توسط مدیران سازمان و تمایل به مطالعه کتاب، مجلات و افزایش اطلاعات عمومی و اهمیت دادن به نصب پوستر و اطلاعیه در سازمان برای آگاهی دیگران، می شود. بر این اساس گراهام معتقد است که یک شهروند سازمانی خوب نه تنها باید از مباحث روز سازمان آگاه باشد بلکه باید درباره آنها اظهار نظر کند و در حل آنها نیز مشارکت فعالانه داشته باشد.

جوانمردی یا تحمل پذیری چهارمین بُعد رفتار شهروندی است که به شکیبایی در برابر موقعیت های مطلوب و مساعد، بدون اعتراض، نارضایتی و گلایه مندی، اشاره می کند.

و آخرین بعد رفتار شهروندی سازمان احترام و تکریم است. این بعد بیان کننده نحوه رفتار افراد با همکاران، سرپرستان و مخاطبان سازمان است. افرادی که در سازمان با احترام و تکریم با دیگران رفتار می کنند دارای رفتار شهروندی مترقی هستند.

البته هر پنج بعد رفتار شهروندی ممکن است همزمان ظهور پیدا نکنند، مثلاً افرادی که ما فکر می کنیم دارای بعد وظیفه شناسی هستند ممکن است همیشه نوع دوست و فداکار نباشند و یا این که برخی از این ابعاد، مانند نوع دوستی و وظیفه شناسی تاکتیکی برای تحت فشار قرار دادن مدیران سازمان باشد. یعنی کارکنان سعی می کنند تا با انجام این اعمال بر روند تصمیم گیری مدیران سازمان برای ارتقا و یا اعطای پاداش به آنها، تاثیر گذارند. در این حالت کارکنان سازمان از "سرباز خوب" بودن به "هنرپیشه خوب" برای سازمان تبدیل می شوند.

### پیشینه حقوق شهروندی

## الف: تاریخ حقوق شهروندی در ایران

ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته اند. منشور صادر شده از سوی کوروش، که به منشور حقوق بشر معروف گردیده، بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تاکید قرار داده است. فرمان هایی مثل منع برده داری و به اسارت گرفتن، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی (در حمله به بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و... در اسناد به دست آمده از تخت جمشید قابل مشاهده است. اما در تاریخ معاصر ایران چندان نمی توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران چندان توجهی به

آرا و حقوق مردم نداشته است. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم در ایران توسط نظام منحط شاهنشاهی بوده است. در ادبیات فارسی نیز چندان نمی توان ریشه های حقوق انسان را جز در ادبیاتی پراکنده و نامدون نظیر "بنی آدم اعضای یکدیگرند... " یافت. و چون ضمانت اجراهای چندانی نداشته است، به صورت اندرزهای اخلاقی و حکمت باقی مانده است. یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر اعلام شده است که در آن به رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تاکید شده است. متن این سند به شرح ذیل است:

در این وقت از قرار شکایاتی که مقرون سمع همایونی افتاد، حکام ولایات، مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می شوند و خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده به شکنجه می گذارده اند. چنین حرکتی منافی مروت و احکام شرع و خلاف رای اقدس شهریاری است. لهذا قدغن می فرماییم که به هیچ وجه متهمان را به شکنجه نگذارند. پس از آن که تقصیر متهمین ثابت و محقق گردید، به اندازه تقصیرشان گرفتار همان سزای شرعی و عرفی می گردند. حکام ولایات مزبور به هیچ وجه کسی را به شکنجه آسیب نرسانند و مراقب باشند که اگر احدی مرتکب چنین عملی گردد مورد مواخذه و سیاست خواهد شد. می باید حسب المقرر معمول داشته تخلف و تجاوز از مدلول حکم قضا شمول نمایند. ( ۲۵ شهریور ۴۱- ربیع الثانی ۱۲۶۶ )

در این فرمان، شکنجه و هرگونه اقدام رذیلانه دیگری علیه متهمان ممنوع دانسته شده و حکام را از تعدی به حقوق رعایا بر حذر داشته است. اما این قانون و امثال آن در مسیر اجرا چندان پایدار نماندند. چرا که معمولاً وابستگی ها و روابط بر ضوابط و قواعد برتری می یافتند. عدم رعایت این قوانین در سال های حکومت خاندان پهلوی در ایران بسط یافت و در تمام شئون حقوق مردم نفی و مورد انکار قرار گرفت. وجود شکنجه گاه های مخوف و دادگاه های بی دادگر از بارزترین مصادیق نقض حقوق شهروندی در این دوران است. خاطرات مبارزان پیش از انقلاب گواه این مدعاست هرچند مقوله هایی از جمله شهروند، فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی، سیاسی و جامعه شناسی ایران واژه هایی جدید به شمار می آیند ولی از نظر مفهومی کاملاً شناخته شده هستند. با پیروزی انقلاب اسلامی، تاکید بر اجرای قوانین شرع، منع شکنجه، تشکیل دادگاه های عادلانه و روند منصفانه دادرسی ها از اقدامات اولیه در اصلاح و تاسیس نهادهای قضایی و جزایی در ایران بوده است. که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی و حتی در فرمان هشت ماده ای امام در سال ۶۰ حقوق مردم و حقوق عمومی این معنا تصریح شده است. اصطلاح و واژه «حقوق شهروندی» برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با صدور بخشنامه رییس وقت قوه قضاییه در ۲۰ فروردین سال ۱۳۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد. در مقدمه این بخشنامه ۱۴ بندی، خطاب به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور اینگونه به



حقوق شهروندی اشاره شد: «از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می باشد، توجه کلیه قضات شریف، ضابطین و بازجویان و ناظران زندان ها و بازداشتگاه های سراسر کشور را به نکات ذیل [منظور ۱۴ بند ذیل بخشنامه] جلب می نماید.»

مفاد بخشنامه مذکور ناظر به رعایت برخی از حقوق شهروندان در بعد قضایی است. امتیاز مهم دیگر بخشنامه در این است که به رعایت جزئیات حقوق شهروندان در مرحله های مختلف قضایی از تعقیب تا صدور حکم تاکید شده است اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت های اضافی بدون ضرورت، فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهمان، رعایت اخلاق و موازین اسلامی در مورد اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم، در جریان قرار گرفتن خانواده دستگیرشدگان، اجتناب از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان در جریان دستگیری و بازجویی، منع از بردن متهمان به اماکن نامعلوم، عدم تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد، ممنوعیت افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی و پرهیز از هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار، احتراز از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و اجتناب از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توفیقی متهمان» را نام برد. پس از این بخشنامه بود که **مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۵، بخشنامه مذکور را عینا به عنوان قانون «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» تصویب کرد.**

بنابراین نخستین قانون مربوط به حقوق شهروندی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانون مذکور بود که صرفا در گستره قضایی، حقوق شهروندی را مورد حمایت قرار داد. با توجه به اهمیت این قانون، نسبت به مواردی که مستقیما مربوط به بخشی از حقوق شهروندی بود، قانونگذار با فاصله نزدیکی یعنی ۵ ماه پس از تصویب قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اقدام به وضع مقرراتی درباره حقوق شهروندی با تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کرد. نکته حایز اهمیت در قانون برنامه چهارم توسعه این بود که دامنه شمول حقوق شهروندی علاوه بر گستره قضایی به سایر گستره های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز تعمیم یافت و مورد حمایت و توجه قرار گرفت.

به نظر می رسد منظور اساسی و اصلی قانونگذار از این که دولت را به موجب ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه موظف به تهیه منشور حقوق شهروندی با تاکید بر محورهای ذیل آن کرده است،

ایجاد، توسعه و نهادینه کردن فرهنگ شهروندی و مقدمه‌ای برای تصویب قوانین مربوط به حقوق شهروندی است.

## ب- تاریخ حقوق شهروندی در اروپا

### ۱/ب- دوره کلاسیک

اصول حقوق بشر و شهروندی تا قرن هجدهم میلادی، به صورت مکتوب، مدون و جامع نبوده است. حقوق باستان، به شدت فلسفی بوده است. از همین رو ارسطو بنیانگذار و نظریه پرداز حقوق مردمان سرزمین یونان است. در یونان و رم باستان، شهروندان در مقابل بیگانگان و بردگان قرار می‌گرفته است. شهروندان افراد آزاد آن سرزمین بوده اند که از حقوق کامل برخوردار بوده اند.

ارسطو برای توجیه برده داری به طبیعت و نتیجه طبیعی اعمال و رفتارها اشاره می‌کند و آن را نتیجه طبیعی اسارت در جنگ می‌گوید. وی می‌گوید همانگونه که ارث بدون وصیت به واسطه نسب به وارث می‌رسد، بردگی نیز از والدین به فرزند انتقال خواهد یافت. امر دیگری که در اندیشه حاکم بر یونان از افکار ارسطو اجرا می‌شده است، تناسب کیفر و مجازات است. آنها "کیفر متقارن" را نیز ملهم از طبیعت می‌دانستند.

اما از سوی دیگر افکار یونانی‌ها (یا بهتر است بگوئیم آتنی‌ها) با مفهوم آزادی در برابر قانون بیگانه بود. افکار آنها به شدت اشرافی زده و طبقاتی بود و برابری در آن معنایی نداشت.

### ۲/ب: قرون وسطی

در این دوران، همراهی روحانیون مسیحی با حکام ظالم و فئودال‌ها، بدترین حقه‌کشی‌ها رخ داد. دادگاه‌های انگیزاسیون و نظام قضایی اتهامی، شکنجه و انواع حق‌کشی‌های غیرانسانی، کرامت انسانی را لگدمال میکردند.

در این نظام قضایی، اصل کرامت انسانی و نیز بی‌گناهی او فراموش شده بود و کسی نمی‌توانست با تمسک به تفسیر مضیق از اعمال مجرمانه، تبری خود را از گناه اثبات کند.

هم چنین مجازات‌های غیر انسانی و شکنجه‌های ترضیلی در نظام قضایی اتهامی انگیزاسیون به وفور دیده می‌شد و به عنوان یک امر معمول تلقی شده بود.

### ۳/ب: دوره رنسانس

نقطه عطف در تحول مفهوم حقوق شهروندی را باید در تحولات اروپا پس از قرون وسطی جستجو کرد. عدم رعایت حقوق بشر و اصول اولیه انسانی در آن دوران، باعث شد تا اروپائیان به فکر نگارش و اعلام آن بیافتند. اعلامیه "حقوق بشر و شهروندی" فرانسه در سال ۱۷۸۹ از اولین اسنادی است که در آن این موضوع توجه قرار گرفته است.

پس از آن کشورهای دیگر نیز قوانینی را برای حفظ حقوق شهروندان آن سرزمین ها وضع کردند. در این دوره با تغییرات در جوامع و گسترش حدود طبقات متوسط جامعه که خواهان حقوقی متناسب بودند، زمینه تدوین حقوق متضمن منافع اکثریت جامعه فراهم شد. انقلاب فرانسه، صنعتی شدن و نیز استقلال آمریکا این روند تدوین را سرعت بخشید و به جوامع دیگر نیز بسط داد. پذیرش حقوق ذاتی انسان و آزادی همه انسان ها از بدو تولد، از آثار این دوره است.

نسل دوم این حمایت ها، روند جهانی شدن حقوق بشر است. این دوره، با حمایت از اقلیت ها و گروه های خاص و نیز حمایت های کاپیتولاسیونی در کشورهای ناقض حقوق بشر شروع شد و کم کم به تدوین برخی اسناد بین المللی درباره برخی اقشار (همچون کارگران) و برخی اقلیت های دینی و ملی انجامید. اما در نسل سوم این حمایت ها تاکید بر جامعیت اسناد بین المللی در حمایت از حقوق بشر و شهروندی است که در آن اعلامیه ها، اسناد و معاهداتی امضا شد و ملل و دول آن را تصویب کردند.

به طور کلی سه دیدگاه اساسی درباره مفاهیم حقوق بشر و شهروندی وجود دارد: دیدگاه نخست که مربوط به هانتینگتون منسوب است، بر این نظر است که نگاه عمومی یک کشور بر کل کشورها غالب شود. از این منظر، الگوی آمریکایی حقوق بشر باید بر همه کشورها حاکم گردد.

دیدگاه دیگر را مدرنیست ها دارند. آنها بر این عقیده اند که اصول حقوق شهروندی جهان شمول است و نمی توان از حقوق بشر مربوط به یک کشور یا جامعه سخن گفت. در مقابل این دیدگاه نیز پست مدرن ها با تاکید بر مسائل منطقه ای و ویژگی های فرهنگی هر اجتماع، برای هرکس و هر جامعه ای نسخه خاص خود می پیچند.

### الف: حقوق شهروندی در اسلام

در دین مبین اسلام برای شهروند به عنوان عنصری از جامعه اسلامی حقوق و تکالیفی برشمرده شده است. شهروندی مفهومی است مستقر بر قوانین فطری، قوانین الهی و قوانین اجتماعی که مجموعه روابط شهری و شهروندی را سامان می دهد. این قوانین گاه به صورت نوشته شده «قانون» و گاه قوانین نوشته نشده مورد وثوق اکثریت «عرف» می باشند. اما حق در اصطلاح حقوق موضوعه امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می کند و به او توان تصرف در موضوع حق منع دیگران از تجاوز را می دهد. واژه «حق» به طور معمول به معنای فردی یا شخصی به کار می رود؛ در برابر «حقوق» که به معنای احکام است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۷۰ و ۳۷۲)

بنابراین حق اختیاری است که قانون برای فرد به رسمیت شناخته تا بتواند عملی را انجام یا آن را ترک نماید؛ چنان که گفته می شود: حق مالکیت، حق تصرف.

کاربرد واژه حق در این معنا در حقوق اسلامی سابقه دارد. (امامی، ۱۳۴۲، ج ۲، ص ۲)

هدف قواعد حقوقی براساس آن که کدام مکتب حقوقی مورد توجه قرار گرفته باشد، یکی از این سه موضوع است:

۱- بعضی از حقوق دانان حفظ نظم در جامعه را مهم ترین مصلحت ها برشمرده و قواعد حقوق را مقرراتی می دانند که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است.

۲- پیروان برخی مکاتب که برای حقوق مبنای ذهنی و برتر از اراده حکومت قائل هستند، هدف حقوق را تامین عدالت می دانند. به نظر آنها مهم ترین منبع حقوق، افکار و نظریات دانشمندان است.

۳- در نظراتی که منبع اصلی حقوق، عرف و عادت است، هدف حقوق پیشرفت تمدن و فرهنگ ملت هاست. (کاتوزیان، ۱۳۶۵، ص ۴۱۷-۴۱۹).

مبنای حقوق در اسلام، اندیشه‌های انسان‌شناسانه و جهان‌بینی خاص است. پذیرش مسوولیت انسان در برابر خداوند و رابطه‌ی عبودیت در تعیین حدود حقوق انسان بسیار موثر است. اما در اصطلاح فقه، حق نوعی مالکیت است که به‌نحو خاصی بین مالک و مملوک وجود دارد.

گاهی واژه حق در مقابل ملک قرار می‌گیرد و گاه مترادف با آن و در هر دو معنا قدرتی است که برای انسان نسبت به غیر خودش جعل شده و این پایین‌ترین مرتبه مالکیت است. (آل بحرالعلوم، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱، ص ۱۴)

از طرف دیگر اثبات قدر مشترک انسان‌ها چندان ساده نیست و نمی‌توان برای همگان حقوق برابر و شامل تصویب کرد. مفهوم فطرت در اسلام، معنای کاملی را در بیان قدر مشترک انسان‌ها دارد. فطرت در معنای خاص در برابر طبیعت قرار می‌گیرد. اسلام با پذیرش دو بعد طبیعی و روحانی برای انسان، اصالت را به روح می‌دهد. فطرت در این معنا، حاکی از روح مجرد و ملکوتی انسان دارد که از دمیده شدن روحی الهی ارزشمند و متعالی شده است.

فطرت حقیقتی یکسان و همگانی در میان انسان‌هاست که آنها را به سمت کمال و حقیقت سوق می‌دهد و جامع حقیقت انسانی است. براساس نظریه‌ی فطرت، انسان دارای ادراکات و گرایش‌های فطری است. بر این اساس نمی‌توان انسان‌ها را صرفاً ظروفی خالی تصور کرد. فطرت ویژگی‌های عمده‌ای دارد که برای اثبات حقوق بشر و شهروندی ما را به مطلوب می‌رساند:

یکم: همگانی است. یعنی همه‌ی افراد، فارغ از دین و دولت، از آن برخوردار هستند.

دوم: موهبتی و غیر اکتسابی است. و همه‌ی انسان‌ها از بدو تولد از آن برخوردارند. از این رو برای اثبات وجودش نیازی به احراز شرایط و مقدمات خاصی نیست.

سوم: دارای حق آزادی، تعالی خواهی و کمال‌جویی همگانی است. چرا که هماهنگی تشریح و تکوین طلب می‌کند که انسان‌ها بتوانند به غایت مطلوب از خلقت جهان که همان کمال و تعالی است، دست یابند و این امر میسر نمی‌شود جز با اختیار و آزادی انسان‌ها در انتخاب راه و حرکت به سوی کمال.

با توجه به آن چه گفته شد، منشاء حقوق در اسلام یا فطرت است یا طبیعت. البته سهم این عناصر در تکوین حقوق بشر به یک اندازه نیست و در تعارض میان این ریشه‌ها، فطرت دارای ارزش بالاتر است و هموست که انسان را به هدف غایی‌اش یعنی کمال رهنمون می‌شود. برای تداوم حیات انسان در زمین و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی انسانها، شناخت حقوق و رعایت آن ضروری است. بدون رعایت حقوق همدیگر زندگی تبدیل به جهنمی می‌گردد که بشریت در لابه لای شعله‌هایش می‌سوزد. مجموعه‌ای از حقوق محوری شهروندی از دیدگاه اسلام به صورت مختصر عبارت است از:

## (۱) حق حیات:

اولین حقوق شهروندی که در اسلام مطرح و حائز اهمیت است حق حیات می باشد، چون تمام حقوق، به حیات انسان تعلق دارد. جان انسان محترم و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد. انسان آن چنان محترم و ارزشمند است که فلسفه وجود هستی را بخاطر انسان دانسته است.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا». سوره بقره/۲۹

«خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده های روی زمین را برای شما آفریده...».

این مخلوق با کرامت، حق حیات از مسلم ترین حقوق اوست، و سلب حق حیات از او جایز نیست؛ مگر در مواردی که قانون اسلام تشخیص بدهد آن هم در محکمه ای که بر اساس عدالت حکم صادر گردد. سلب حق حیات یک فرد بدون جرم (قصاص، فساد) همانند قتل تمام بشریت است. یعنی مرگ شخصی در جامعه انسانی مرگ همه است؛ و حیات فردی همانند زنده کردن و حیات بخشیدن به جامعه است.

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». سوره مائده/۳۲.

«از این رو بر فرزندان اسرائیل مقرر نمودیم که هر کس، کسی را جز به قصاص و قتل، یا کیفر فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همه ی مردم را کشته باشد، و هر کس، کسی را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را زندگی داده باشد».

از دیدگاه علمای اصولی، مقاصد شریعت بر پنج اصل اساسی استوار است. که مجموع حقوق شهروندی و حقوق بشر صادره از اعلامیه حقوق بشر، در راستای حفظ موارد پنج گانه است. و نادیده گرفتن حقوق انسانی و نقض حقوق، تعدی به یکی از این حقوق است و آنها عبارتند از:

(۱) حفظ دین

(۲) حفظ جان

(۳) حفظ عقل

(۴) حفظ مال

(۵) حفظ حرمت و شرافت

(۲) آزادی عقیده :

شاید یکی از حقوق شهروندان در نظام اسلامی که بیشتر مورد توجه قرار گیرد، موضوع آزادی عقیده است. عقیده در اسلام آزاد است و کسی را به جرم عقیده نباید مورد آزار و اذیت قرار داد. و از نظر اسلام اکراهی در پذیرش عقیده نیست، دعوت به سوی اسلام به معنی اجبار به پذیرش اسلام نیست، اصولاً فراخوان و دعوت امری طبیعی و هر فکر و اندیشه چنین حقی را دارا می باشد.

و از بیان روش دعوت اسلامی بر می آید که هیچ اکراهی در پذیرش نیست و عدم پذیرش هم تهدیدی متوجه فرد دعوت شونده نمی باشد.

«ادع الی سبیل ربک بال حکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» نحل/۱۲۰.

«ای پیغمبر! مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه هر چه نیکوتر و بهتر گفتگو کن...».

چون در کار دین و پذیرش دین اکراه و اجباری نیست. انتخاب و پذیرش و عدم پذیرش بیانگر آزادی در اسلام است.

«لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» بقره/۲۵۶.

«در کار دین اکراه روا نیست، چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است.»

### ۳ آزادی بیان:

در مورد آزادی بیان، نظام اسلامی برای ابراز اندیشه و بیان؛ حق ویژه ای قایل است. خالق انسان همزمان با خلقت انسان یکی از نعمت‌های مورد توجه بعد از خلقت انسان را نام ببرید و آن هم «بیان» است. «الرحمن \* علم القرآن \* خلق الإنسان \* علمه البیان».

«خداوند مهربان، قرآن را یاد داد، انسان را آفرید \* به او بیان آموخت.»

بیان، سخن گفتن برای ابراز آنچه در دل دارد. می باشد موضوع بیان موضوعی صوری و نمایشی نیست؛ بلکه خداوند تمام نعمت‌های وجودی را به انسان بخشیده تا در حد اعلا و در مسیر صحیح، از آنها به نفع خودش و جامعه بهره گیرد بیان و اندیشه اگر در سایه قرآن باشد، برای انسان مفید است. بیان اندیشه را آزاد گذاشته است، و شنیدن اندیشه دیگران و انتخاب صحیح را هم آزاد گذاشته و انسان را مختار کرده است. چون در نظام اسلامی فضای گفتگو آزاد است؛ اما به شرطی که بر اساس «حکمت و موعظه حسنه» باشد و حدود و مرز دیگران، اندیشه و عقیده دیگران را مورد تجاوز و تعدی قرار نگیرد. نص صریح قرآن محدوده آزادی بیان و گفت و گو را مشخص و معلوم نموده است.

«فبشر عباد، الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه، اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الألباب». سوره زمر/۱۸.

«مژده بده به بند گانم، آن کسانی که به همه سخنان گوش فرا می دهند، و از نیکوترین و زیباترین آنها پیروی می کنند. آنان کسانیند که خدا هدایت شان بخشیده است و ایشان واقعا خردمندند».

▪ در این آیه چند نکته اساسی به چشم می خورد:

(الف) آزادی بیان برای تمام بندگان خدا، چون در آیه کلمه «قول» مراد هرگونه سخن و گفتاری است.

(ب) گفتار و آزادی بیان و اندیشه یک طرفه نیست، فرد مسلمان هم اظهار نظر می کند، و هم به نظر دیگران گوش می دهد؛ و آثار دیگران را مطالعه می کند سپس قول احسن را برمیگزیند

(ج) عباد هدایت یافته و فرزانه، کسانی هستند که برای آراء و نظرات و اندیشه و قول دیگران گوش فرا می دهند. و در صورت برتری قول و نظر او بر قول خویش، آن را بپذیرد. این نهایت آزادی بیان و اندیشه در اسلام است، و تمام انسانها را شامل می شود به شرط این که حقوق و حدود دیگران را رعایت نمایند.

#### ۴- اصل کرامت

در قرآن کریم حقوق انسانها بسیار محترم است آنجا که خداوند می فرماید: "لقد کرما بنی آدم ؛ ما به فرزندان انسان کرامت بخشیدیم" (۶).

خداوند انسان را در این آیه شریفه مورد احترام قرار داده و لفظ کرامت را برای او بکار می برد

یکی از مهم ترین آموزه های وحیانی محور مشترک ادیان الهی، اثبات کرامت انسانی است ؛ چرا که این امر، انسان را از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران باز می دارد. آرمان همه انبیا و اولیاء الهی رهانیدن بشر از یوغ ظلم و ستم طواغیت و حکام جور و ظالم در طول تاریخ بوده است. در روایات اسلامی نیز آمده از دست کسی که در وجود خود احساس کرامت نمی کند، مصون نیستید. یا در جای دیگر گفته شده است که کسی که در وجود خود احساس کرامت می کند، آن را به گناه نمی آلود. مبنای حقوق در اسلام، اندیشه های انسان شناسانه و جهان بینی خاصی است که تا به آنها توجه نشود، نه فلسفه احکام شناخته شده و حدود اجتهاد معلوم می شود و نه شناخت و اجرای حکم میسر خواهد شد. پذیرش مسوولیت انسان در برابر خداوند و رابطه عبودیت در تعیین حدود حقوق انسان بسیار موثر است.



در تعلیمات دینی تنها انسان است که سروری موجودات زمین و آسمان برای او مطرح می باشد، و در قرآن تصریح شده که روح خدا در او دمیده شده و او شایسته تکریم و تعظیم و حتی مسجود فرشتگان و مقام خلیفه الهی قرار گرفته است .

هم چنین در قرآن کریم آمده است :

"همانا ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر دریا و خشکی مسلط نمودیم و از چیزهای پاک روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان دادیم ." (۱)

و نیز می فرماید:

(... فتبارک الله احسن الخالقین) (۲)

در این آیه شریفه پس از اشاره به مراحل تکون و رشد جنین و دمیده شدن روح در آن، خداوند از خود به عنوان "احسن الخالقین" نام برده و خلق چنین موجودی به نام انسان را به خود تبریک گفته است . بدیهی است صفت "احسن الخالقین" برای خداوند متناسب با صفت "احسن المخلوقین" برای انسان خواهد بود، و نیز تبریک خداوند جز با کرامت ذاتی انسان سازگار نخواهد بود.

و حضرت امیر(ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر در مورد حقوق مردم و برخورد با آنان فرموده اند: "... فانهم صنفان : اما اخ لك في الدين او نظير لك في الخلق ... (۵) ؛ "همانا مردم دو صنف می باشند: یا برادران دینی و یا همنوعان تو می باشند."

آن حضرت اخوت در دین یعنی عقیده را در عرض و مساوی با انسانیت و هم نوع بودن دانسته و هیچ ترجیحی از نظر حقوق برای صرف عقیده قائل نشده اند.

علاوه بر آنچه ذکر شد می توان برای اثبات حرمت و کرامت ذاتی انسان بدون ملاحظه عقیده و فکر او به چند دسته از روایات تمسک نمود:

(۱) روایاتی که به طور مطلق دلالت می کند بر توصیه به حسن برخورد و حسن خلق با تمام مردم دنیا، اعم از مسلمان و غیرمسلمان).

بدیهی است هنگامی که حسن برخورد و خوش رفتاری با تمام مردم مطلوب شارع مقدس می باشد، به طریق اولی هتک حرمت آنان نیز مطلقا مذموم و مردود است، و قهرا بر کرامت ذاتی هر انسانی از جهت انسانیت دلالت خواهد کرد

(۲) روایاتی که دلالت بر مدارا کردن با مردم می کند بدون اینکه دلالتی بر تفاوت بین مسلمان و غیرمسلمان داشته باشند در بعضی از این روایات مدارا با مردم نصف ایمان شمرده شده ، و در

بعضی از آنها آمده : "خداوند به حضرت موسی (ع) خطاب کرد و گفت : سر خود را در دل مخفی نما و در ظاهر حتی با دشمن من و دشمن خودت مدارا کن ...".  
این روایات نیز به طریق اولی دلالت بر قبح هتک حرمت مردم و حتی دشمنان حق می کند، و قهرا کرامت ذاتی هر انسانی از آنها به دست می آید.

۳) **روایاتی که به طور مطلق دلالت بر محبت ورزی و دوستی با مردم میکند** . این گونه روایات هم از پیامبر(ص) و هم از ائمه معصومین (ع) نقل شده است . دلالت این گونه روایات بر کرامت ذاتی مردم از جهت انسانیت آنان واضح است .

۴) **روایاتی که دلالت می کند سلام کردن بر یهود و نصارا و دعا به آنان مطلوب و ممدوح است** ; از جمله : در روایتی از امام رضا(ع) نقل شده است که از امام صادق (ع) سوال شد چگونه به یهودی و نصرانی دعا کنیم؟ فرمودند: "بگویید خدا برای تو مبارک نماید دنیا را."

از این روایات نیز به خوبی نهی شدید هتک حرمت غیرمسلمانان و حرمت و کرامت همه انسانها فهمیده می شود.

بنابراین همه انسانها صرف نظر از دین و مذهب و اعتقادات و اعمال و رفتار، دارای کرامت ذاتی هستند؛ هرچند انسان باتقوا در نزد خداوند دارای فضیلت و کرامتی بیشتر است و در حقیقت هرانسانی دارای کرامت ذاتی است ؛ اما انسان باتقوا علاوه بر کرامت ذاتی دارای کرامت ارزشی که با اکتساب به دست می آید نیز می باشد :

(ان اکرمکم عندالله اتقیکم) (۱۱)

" بارزش ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما هستند."

ولی این کرامت ارزشی هیچ تاثیری در حقوق اجتماعی ندارد و در حقوق اجتماعی، همه انسانها صرف نظر از درجه ایمان و تقوای آنها از این گونه حقوق بهره مند هستند. حق کرامت انسانی یکی از حقوق اساسی و زیربنایی برای دیگر حقوق موضوعه بشری است

کرامت ذاتی انسان که از قرآن و روایات استفاده می شود، نمی تواند بدون حقوق ذاتی برای حقیقت انسان بدون ملاحظه عقیده او تصور شود؛ زیرا کرامت نوعی ارزش دادن و ترجیح انسان از جهت انسانیت است و این معنا مستلزم آن است که انسان دارای حقوق فطری، طبیعی و اجتماعی از قبیل : حق حیات، حق آزادی اندیشه و بیان و نظایر آن باشد.

بر همین اساس نمی توان صرف داشتن عقیده خاص را گرچه حق باشد دلیل بر امتیازدهی در اعطای حقوق اجتماعی و شهروندی دانست . هم چنین در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (ع) می خوانیم که آن حضرت به خدای متعال عرض کرد:

(رب اجعل هذا بلدا آمنا و ارزق اهله من الثمرات

من آمن منهم بالله و اليوم الآخر) (۱۲) "پروردگار من! این سرزمین (مکه) را سرزمین امنی قرار ده، و مردم آن را آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند از ثمرات آن بهره مند فرما." اما خدای متعال در پاسخ به تقاضای ابراهیم (ع) فرمود: (و من كفر فامتعه قليلا ثم اضطره الى عذاب النار و بسئ المصير) (۱۳) "هر آن کس را که کافر شود (در این دنیای فانی و زودگذر از نعمت های خود) در زمان کوتاهی بهره مند سازم و سپس (در روز جزا) به عذاب آتش می کشانم و چه بد سرانجامی است." قید (قلیلا) در آیه شریفه یا به معنای زمان کوتاه است یعنی دنیا در برابر آخرت، و یا به معنای نعمت های کم می باشد یعنی نعمت های دنیوی در برابر نعمت های اخروی؛ و در هر دو حالت اشاره به دنیای فانی و زودگذر است. در حقیقت ابراهیم (ع) از خدای متعال خواسته بود که فقط مومنان را از حقوق طبیعی بهره مند سازد، اما خداوند بهره مندی از مواهب طبیعی در این دنیا را بر همه انسان ها صرف نظر از ایمان و اعتقاد آنان مقرر می فرماید و اندیشه برتری مومنان در بهره گیری از حقوق طبیعی در این جهان را مردود می شمارد. با توجه به آنچه گفتیم، کرامت، کاری خارق العاده و خلاف عادت نظام موجود (علی و معلولی) است که هرگز احدی از مرتاض ها و نابغه های جهان نمی توانند آن را انجام دهند. کسی نمی تواند اثر کرامت را نابود کند یا مانع تحقق آن شود، چون کرامت متصل به قدرت بیکران خداوند است.

انسان؛ موضوع حقوق شهروندی

انسان خلیفه الله در جهتی زندگی می کند که هم مبدا کلی دارد و هم مرکز کلی. وی با علم به این مبدا می کوشد تا کمال و تمامیت اولیه اش را احراز کند و انتقال دهد. مرکز کلی هستی بر محیط و پژواک مبدا کلی در دوره های بعدی زمانی است. از دیدگاه معنوی، قلمرو حاکمیت زمینی انسان مشروط به تداوم آگاهی وی از طبیعت ناپایدار است و حقوق فطری بشر قابل انفکاک از او نیست. انگیزه تدوین حقوق بشر اگر بر مبنای «اصالت انسان» هم باشد، مطابق سنت الهی است و آحاد جامعه بشری از این حقوق برخوردار هستند؛ مگر این که به حکم شرع یا قانون - البته قانونی که مطابق با آموزه های حقوق شهروندی است - و در جهت حفظ حقوق دیگر شهروندان، از بخشی از این حقوق منع شده باشند.

به هر حال، مناط اعتبار قوانین، اراده تشریحی خداوند است و در سنت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) حقوق فطری بشر مورد تاکید و عنایت اسلام واقع بوده است؛ برای نمونه در قرآن کریم آمده است:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج / ۳۹)

در این آیه، خداوند «مظلومیت» را علت اذن جهاد دانسته است.

و در این آیه: «وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّن سَبِيلٍ. إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (شوری / ۴۱ و ۴۲) مجازات ستمکاران را روا می‌داند.

نخستین حق هر شهروندی ایجاد زمینه های رشد اوست و محیط اجتماع باید فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنابراین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید / ۲۵)

کرامت نوعی عنایت لطیف از خالق به مخلوق است که محدودیت زمانی یا مکانی ندارد، چون بر قدرت نامحدود خداوند متکی است و این قدرت در هر زمان می‌تواند جاری شود و عطیه‌ای الهی است که خاص کریم به سوی بندگان می‌باشد. انواع رفتار شهروندی در سازمان .

### حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت امیر المومنین علی(ع)

اولین امام شیعیان، حضرت امیر المومنین علی(ع) حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر را بزرگ‌ترین حق در میان حقوق الهی ذکر فرموده (دشتی، ۱۳۷۸، خ ۲۱۶) و اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح هر دو دانسته‌اند؛ چنان که اگر رهبر و مردم، هر دو به وظایف خویش عمل نمایند و حقوق طرف مقابل را پاس دارند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین پدیدار شده و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر(ص) پایدار می‌گردد. در این صورت، مردم بر تداوم حکومت امیدوار می‌شوند و دشمن از آرزویش مایوس می‌گردد.

از سوی دیگر، اگر مردم و حکومت حقوق یکدیگر را پاس ندارند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار می‌شود، نیرنگ‌بازی در دین فراوان می‌گردد. .

امام علی(ع) در نامه خودشان به مالک می‌فرمایند: "قلب خود را از مهربانی و دوستی و لطف بر مردمان لبریز ساز و مبدا نسبت به آنان چون جانور درنده آزار کننده باشی که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا مردم دودسته‌اند، دسته ای برادر دینی تواند و گروهی دیگر در آفرینش با تو همانند" با دقت می‌توان تمام حقوق شهروند را از این جمله امام علی(ع) استخراج کرد که مردم یا با تو برادر دینی هستند یا در آفرینش با تو یکسانند و باید پذیرفت عین حقوق بشر را آن حضرت ترسیم نموده است. استاد شهید مطهری در این باره می‌نویسد: "در نهج البلاغه از حقوق واقعی توده مردم و موقع شایسته و ممتاز آنها در برابر حکمران و این که مقام واقعی حکمران، امانت داری و نگهبانی حقوق مردم است غفلت نشده ؛ بلکه سخت بدان توجه شده است. در منطق این کتاب شریف، امام و حکمران «امین و پاسبان حقوق مردم» و مسوول در برابر آنهاست. واژه رعیت مفهوم زیبا و انسانی داشته است.

استعمال کلمه راعی را در مورد حکمران و کلمه رعیت را در مورد توده مردم اولین مرتبه در کلمات حضرت رسول اکرم (ص) و سپس به وفور در کلمات امام علی (ع) می بینیم. این لغت از ماده «رعی» است که به معنی حفظ و نگهداری است، به مردم از آن جهت کلمه «رعیت» اطلاق شده است که حکمران عهده دار حفظ و نگهداری جان و مال و حقوق و آزادی‌های آنهاست " سراسر زندگی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین علی ابن ابیطالب (ع) گواه روشن و آشکار بر حفظ حقوق شهروندی و حمایت از حقوق شهروندی و نظارت بر حقوق بشر است. و دلایل بسیار از پشتیبانی آن دو بزرگوار از ضعفا، بردگان، کودکان و زنان خواه قبل از بعثت خواه بعد از بعثت در دست است که قابل انکار نیست، مگر او نبود که از زنده به گور کردن دختران بر عرب آشفت و مگر سراسر زندگی علی حمایت از مستضعفان و ستم‌دیدگان نبوده است. سنت و ائمه اطهار(ع) نیز گواه آن است، بارها حضور امیرالمومنین علی (ع) در دادگاه در دعوی یهودی بر مالکیت زره در دادگاه و قبول ادعای یهودی را در محضر قاضی خوانده‌ایم. نامه حضرت به مالک اشترگواه آشکار بر اهمیت حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام است. مجرای فتح مکه و اعلام آن روز به عنوان " یوم المرحمة " از طرف نبی اکرم (ص) و خانه ابوسفیان را مصون از هرگونه تعرض اعلام نمودن و نیز ماجرای آزاد ساختن اسیران به ازاء سوادآموزی در برخورد با کفار حربی از مصادیق بسیار بارز و روشن رعایت حقوق شهروندی است که در ۱۴۰۰ سال قبل توسط اسلام به بشریت عرضه گردید.

از از نحوه حکمرانی امام علی (ع) می‌توان شاهد خوبی برای جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی نشان داد. نقل گردیده است که: امام به قنبر دستور دادند بر مردی حد جاری کند، قنبر به سبب ناراحتی ۳ ضربه بیشتر از مجازات معینه بر مجرم وارد کرد. امام ۳ ضربه بر قنبر به خاطر تعدی از حد جاری ساختند.

سخن و عمل امام دقیقاً بیانگر جلوگیری از اعمال سلیقه در برخورد با شهروندان و مجرمان است.

حضرت علی (ع) به عنوان خلف صالح پیامبر و جانشین ایشان و بهترین و والاترین مفسر قرآن و اسلام، در خصوص دین، الهیات و ابعاد گوناگون زندگی مادی و معنوی مورد نیاز انسان ها سخنان گهرباری در نهج البلاغه دارند که می‌تواند راهنمای ما در جهت شناخت بهترین و روشن ترین راه باشد.

ویژگی‌های حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی(ع)

موضوع حقوق اجتماعی، عدالت، مساوات و مبارزه با ظلم و ستمگری و تجاوز، از مسائلی است که در نهج البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در فرامین حضرت علی (ع) بحث‌های بسیاری در خصوص انواع حقوق در جامعه بشری مطرح شده است.

خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه درباره حقوق اجتماعی است. آن حضرت در این خطبه به بیان حقوق متقابل رهبری و مردم می پردازند. در نخستین بخش این خطبه آمده است: «فقد جعل الله سبحانه لي عليكم حقاً بولايه امرکم، ولکم علیّ من الحق»؛ خداوند سبحان برای من بر شما به جهت سرپرستی و حکومت حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است.

بنابراین از نظر ایشان تعیین حقوق از جانب پروردگار است.

امیرالمومنین(ع) سپس می افزایند: «حق گسترده تر از آن است که قابل وصف باشد؛ اما در هنگام عمل تنگنایی بی مانند است.»

آن حضرت سپس به ارتباط میان حق و تکلیف اشاره می فرماید: «حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز به کار می رود و تنها حق خداوند سبحان یک طرفه است.»

بنابر این چنین نیست که بعضی تنها بر عهده دیگران حقوقی داشته باشند؛ بدون این که خود عهده دار تعهدی باشند.

#### حقوق سیاسی شهروندان

بدیهی است که هرگاه اجتماعی از افراد تشکیل شود، ایجاد قدرتی که بتواند قوانین حاکم بر آن را اجرا کند، ضروری است؛ زیرا قانون - که وجود لفظی یا کتبی تفکری خاص است - توان تاثیر بر روابط خارجی را ندارد. بنابراین درباره این موضوع که وجود یک حکومت برای نظام بخشیدن به امور اجتماعی لازم است، بحثی نیست. مولای متقیان(ع) نیز به ضرورت وجود یک حکومت مقتدر تصریح فرموده و با تفکر خوارج که در آغاز مدعی بودند با وجود قرآن از حکومت بی نیاز هستیم، مبارزه کردند.

اما در دیدگاه آن حضرت، حاکمیت از آن مردم است و آنان صاحبان اصلی حکومت می باشند. حضرت علی(ع) می فرمایند که به واسطه بیعت مردم، حکومت را قبول کرده اند.

ایشان در این باره می فرمایند: «لَمْ تَكُنْ بِيَعْتِكُمْ إِتْيَايَ فِلْتَةً، وَ لَيْسَ أَمْرِي وَ أَمْرُكُمْ وَاحِدًا. إِيَّيْ أُرِيدُكُمْ لِلَّهِ وَ أَنْتُمْ تُرِيدُونَ لِي أَنْفُسِكُمْ، أَعَيْنُونِي عَلَى أَنْفُسِكُمْ»؛ بیعت شما مردم با من بی مطالعه و ناگهانی نبود. کار من و شما یکسان نیست. من شما را برای خدا می خواهم و شما مرا برای خود می خواهید. ای مردم، برای اصلاح خود، مرا یاری کنید.» (خطبه ۱۳۶)

نکته اساسی و مبنایی که از فرمایش حضرت علی (ع) روشن می‌شود، این است که هم انگیزه و هم هدف الهی است. حضرت در بخش دیگری از سخنان خود، مسوولیت سرنوشت غم‌انگیز مردم را به دلیل انتخاب فرماندار نالایق به آنها گوشزد می‌فرماید. (خطبه ۱۵۸)

از دیگر حقوق سیاسی شهروندان، برابری در مقابل قانون است؛ به طوری که همه از حقوق مساوی برخوردار هستند و قانون از همه یکسان حمایت می‌نماید. این مطلب از فحوای بیانات حضرت علی (ع) در موارد بسیار به دست می‌آید که ایشان امر به عدالت و عدم تبعیض می‌فرمودند. از جمله فرمایش‌های ایشان است که: «العدل یضع الامور مواضعها، و الجود یخرجها من جهتها، و العدل سائس عامّ و الجود عارض خاصّ، و العدل اشرفهما و افضلهما»؛ عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود. پس عدالت شریف‌تر و برتر است. (خطبه ۴۳۷)

آن حضرت خطاب به "زیاد بن ابیه"، فرماندار فارس، فرموده است: «استعمل العدل و احذر العسف و الحیف، فانّ العسف یعودُ بالجلّاء و الحیف یدعوا الی السیف»؛ عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر انجامد. (دشتی، ۱۳۷۸، خطبه ۴۷۶)

امیرالمومنین (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: «مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی طلب نمایی.»

ملاک ایشان برای انتخاب افراد در پست‌های مختلف حکومتی، تعهد، تخصص و تقوای آنها بود. هر کس که چنین شرایطی داشت، از طرف آن حضرت گزینش می‌شد و هرگز روابط جانشین ضوابط نبود؛ چنان که حضرت در نامه‌ای به یکی از فرمانداران خود می‌نویسد: «إنّی اقسّم صادقاً لئن بلغنی أنّک حُنت من فِی المسلمین شیئاً صغیراً او کبیراً، لا شدنّ علیک شده تدعک قلیل الوفّر»؛ به راستی به خدا سوگند یاد می‌کنم اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شوی.»

شهروندان در جامعه مدنی اسلامی صاحب حق در تعیین سرنوشت خود و نظارت بر اراده امور و بازخواست از متصدیان امر هستند و حکومت در این جامعه خدمتگزار مردم است و در همه حال باید در برابر مردمی که خداوند او را بر سرنوشت آنان حاکم کرده، پاسخگو باشد.

احترام به حقوق بشر و رعایت حدود و ضوابط آن سخنی نیست که اکنون بنا به مصلحت سیاسی و تنها به خاطر هم سخنی با دیگران به زبان آوریم؛ بلکه این امر نتیجه طبیعی تعالیم دینی و فرمان‌های مذهبی ما است. پاسخگو بودن مسوولان و فرمانداران در مقابل خداوند بزرگ و مردم بارها مورد تاکید

امیرمومنان (ع) قرار گرفته است. ایشان مسئولان را به عمل از روی تقوا و در جهت حفظ مصالح عمومی سفارش فرموده اند؛ از جمله در نامه‌ای به یکی از فرمانداران خود نوشته اند: «فقد بلغنی عنک امر إن كنت فعلته فقد اسخطت ربک و عصیت إمامک و اخزیت أمانتک. بلغنی أنك جرّدت الارض فأخذت ما تحت قدمیک و اکلت ما تحت یدیک فارع إلیّ حسابک و اعلم انّ الله اعظم من حسابِ الناس»؛ از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگارت را به خشم آورده‌ای و امام خود را نافرمانی و در امانت خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته‌ای و آن چه را که می‌توانستی گرفته، آن چه را در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است. (دستی، ۱۳۷۸، ن ۴۰)

یکی از حقوق شهروندان، رفتار درست و انسانی با ایشان است. در دیدگاه امیر مومنان علی (ع) فرمانروایان و حاکمان، خادمان مردم هستند؛ چنان چه به درستی امور مردم را به انجام رسانند، به وظیفه خویش عمل نموده اند و هیچ گونه منتهی بر شهروندان ندارند. به علاوه، حاکمان وظیفه دارند با شهروندان مدارا کرده، با ایشان نرم‌خو باشند و پیوسته در رفع حوایج آنها بکوشند.

مولای متقیان (ع) در جای جای فرموده‌های خود بر چگونگی رفتار درست و انسانی رهبران در قبال شهروندان تاکید دارند. افزون بر آن، مدارا با مردم، ساده‌زیستی و پیروی از سیره نبوی، از فرمان‌های آن حضرت به حاکمان است.

در آستانه جنگ صفین، بعضی از یاران حضرت علی (ع) مدارا کردن ایشان را دیده و علت را پرسیدند. آن حضرت در پاسخ فرمودند: «هر روزی که جنگ را به تاخیر می‌اندازم، برای آن است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند.» (دستی، ۱۳۷۸، خ ۵۵)

مدارا کردن، آسان‌گیری و گذشت از خطاها از سفارش‌های اکید حضرت علی (ع) به والیان است. در بخشی از نامه آن حضرت به محمد بن ابی بکر آمده است: «با مردم فروتن باش. نرم‌خو، مهربان، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه و نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مایوس نگردند.»

نزدیک به همین مضامین در نامه‌های دیگر آن حضرت به فرمانروایان دیده می‌شود.

برآوردن نیازهای به حق شهروندان از جمله دستورهای مولای متقیان (ع) به والیان است. ایشان در این مورد می‌فرمایند: «برآوردن نیازهای مردم پایدار نیست؛ مگر به سه چیز: کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود و شتاب در برآوردن آن تا گوارا باشد.»



با وجود سفارش بسیار بر انجام امور مردم و برآوردن حاجات آنها، بر عدم تکبر و خودخواهی فرمانروایان هم تاکید شده است.

از طرف دیگر، رفتار مردم در برابر مسئولان نیز نباید سبب خودخواهی گردد. ایشان در این مورد می‌فرمایند: «گاهی مردم ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دانند؛ اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود نستایید تا از عهده وظایفی که در برابر خدا و شما دارم، برآیم.»

در جای جای بیانات حضرت علی (ع) سفارش به تقوا دیده می‌شود. **ایشان به ویژه در مورد فرمانروایان تاکید بیشتری فرموده‌اند.**

از دیگر سفارش‌های آن حضرت خودسازی و رفتار نیکوست. در یکی از فرمایش‌های ایشان می‌خوانیم: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، به خود توجه نماید و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر از کسی است که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد.»

امیر مومنان در مورد خود می‌فرمایند: «ای مردم، سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم؛ مگر آن که پیش از آن، خود بدان عمل کرده باشم، و از معصیتی شما را باز ندارم؛ جز آن که خود آن را ترک گفته باشم.» (دشتی، ۱۳۷۸، خ ۱۵۷)

ایشان صداقت با مردم را در شمار دستوره‌های خود قرار داده‌اند.

### حق امنیت شهروندان

یکی از کارکردهای مهم هر دولتی فراهم آوردن امنیت برای شهروندان خویش است. امنیت اجتماعی از زمینه‌های اصلی اجرای عدالت و مناسب‌ترین بستر پدید آمدن تعادل در جامعه است. از مهم‌ترین حقوق شهروندان، داشتن امنیت در مقابل اشرار داخلی و حمله دشمنان خارجی است؛ زیرا بدون امنیت نمی‌توان به امور دیگر رسید. از این رو وجود سپاهی کارآموده، متخصص و متعهد لازم است که تحت فرماندهی فردی مقتدر و استوار قرار داشته باشد.

مولای متقیان، امیرمومنان (ع) در فرمایش‌های متعددی ضمن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه به تشکیل سپاهی منسجم، قوی و دارای تخصص‌های نظامی سفارش می‌فرمایند تا امنیت درون و برون کشوری فراهم گردد.

ایشان شخصا تاکتیک‌های نظامی را قبل از جنگ به امیران لشکر و سپاهیان ابلاغ می‌فرمودند. از جمله نامه ایشان به لشکری است که به شام می‌رفت: «هرگاه به دشمن رسیدید یا او به شما رسید، لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها یا دامنه کوه‌ها یا بین رودخانه‌ها قرار دهید تا پناهگاه شما و مانع هجوم

دشمن باشد ... و بر فراز تپه‌ها دیده‌بان بگمارید ... از پراکندگی بپرهیزید. هر جا فرود می‌آیید، با هم فرود بیایید و هر گاه کوچ می‌کنید، همه با هم کوچ کنید.» (دستی، ۱۳۷۸، ن ۱۱)

ایشان حاکم اسلامی را پاسبان خدا در زمین معرفی فرموده‌اند. به همین دلیل از نظر آن حضرت سزاوارترین اشخاص برای خلافت کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر کوشیده و در پیروی از فرمان خدا داناتر باشد.

وحدت و همبستگی آحاد ملت از دیگر امور مورد تاکید ایشان است: «فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتْنِ وَاعْلَامِ الْبِدْعِ، وَ الزَّمُوا مَا عُقِدَ عَلَيْهِ حَبْلِ الْجَمَاعَةِ وَ بَنِيَتْ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ» (همو، خ ۱۵۱)؛ سعی کنید که پرچم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت نباشید، و آن چه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه‌های طاعت بر آن پایدار است، بر خود لازم شمارید.

امیرمومنان(ع) علت سقوط جامعه و از بین رفتن امنیت داخلی را عدم همبستگی ملی دانسته‌اند.

ایشان در نامه‌ای به یکی از فرمانروایان خود می‌نویسند: «فَإِنْ عَادُوا إِلَى ظِلِّ الطَّاعَةِ فَذَاكَ الَّذِي نَحَبُّ وَ إِنْ تَوَافَتِ الْأُمُورُ بِالْقَوْمِ إِلَى الشَّقَاقِ وَ الْعِصْيَانِ فَانْهَدِ بِنِهَايَةِ مَنْعِكَ إِلَى مَنْ عَصَاكَ»؛ اگر دشمنان اسلام به سایه اطاعت بازگردند، همان است که دوست داریم. اگر کارشان به جدایی و نافرمانی کشید، با کمک فرمانبرداران با مخالفان نبرد کن.

مولای متقیان(ع) در سخنرانی خود در شهر کوفه خطاب به سربازان فرمودند: «الزَّمُوا الْأَرْضَ وَ اصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تَحْرُكُوا بَإِدْيِكُمْ وَ سِيُوفِكُمْ فِي هَوَى السَّنْتِكُمْ وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يُعْجَلْهُ اللَّهُ لَكُمْ»؛ سربازان بر جای خود محکم بایستید و در برابر بلاها و مشکلات استقامت نمایید؛ اما شمشیرها و دست‌ها را در هوای زبان‌های خویش به کار مگیرید و در آنچه خداوند شتاب در آن را لازم ندانسته، شتاب مکنید. (همو، خ ۱۹۰)

ایشان در جنگ و ستیز، حقوق سپاه مقابل را در نظر می‌گرفتند و لشکریان خویش را به عدم تجاوز از حقوق معین شده فرمان می‌دادند و در دعای خود می‌فرمودند: «خداایا، اگر ما را بر دشمن پیروز ساختی، از تجاوز بر کنارمان دار و بر راه حق استوارمان فرما.» (دستی، ۱۳۷۸، خ ۱۷۱)

حضرت حقوق کسی را که بر او شمشیر □ کشیده و به جنگ او آمده، حتی در حد آزار زبانی پاس می‌دارد و می‌فرماید: «خوش ندارم که شما دشنام‌دهنده باشید. خوب بود به جای دشنام، می‌گفتید "خداایا خون ما و آنها را حفظ کن. بین ما و آنان اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن" تا آنان که جاهلند حق را بشناسند و آنان که با حق می‌ستیزند پشیمان شده و به سوی حق بازگردند.» (همو، خ ۲۰۶)

این سخنان را تنها از کسی می‌توان شنید که از جنگ و صلح هدفی جز احقاق حق مردم ندارد و همچون پدری مهربان، خیرخواه و دلسوز مردم است.

## ب: حقوق شهروندی در غرب

آزادی‌های مشروع و اساسی در غرب، بر اساس مکتب لیبرالیسم تعریف شده است. از این منظر، مفهوم فلسفی آزادی با اصل حاکمیت اراده توجیه می‌شود. بر این مبنا، اروپائیان پس از گذراندن دوران فشارهای ناشی از دوران اختناق حاکمیت کلیساهای فاسد و حکومت‌های ظالم، با تاکید بر حقوق طبیعی، بنیان حقوقی را نهادند که از گزند حکومت‌ها در امان بماند. بر این اساس انسان‌ها بر اساس لیاقت‌ها و فضائی که دارند، از این حقوق متمتع می‌شوند. اما علی‌رغم این مبنای طبیعی و غیرقابل سلب، این حقوق در قانون تعریف می‌شوند و از این طریق قابل اجرا و دارای ضمانت خواهند بود.

دیدگاه دیگری که درباره‌ی حقوق وجود دارد، فرض وجود قرارداد است. در این مبنا، تشکیل حکومت نیاز به توافق اعضای بالغ جامعه دارد؛ اگرچه این قرارداد به صورت پیش فرض تصور شود و در عالم واقع رخ ندهد. حدود اختیار دولت و مردم بر اساس این توافق تنظیم می‌شود. از آن رو که مردم حقوق مطلق ندارند، نمی‌توانند حکومت مطلق نیز ایجاد کنند. بنابراین اگر دولتی از این توافق تخلف کند و حقوق مردم را نقص کند، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. ضمن این که این اندیشه در حقوق بین‌الملل وجود دارد. که مطابق آن، اسناد مربوط به حقوق بشر با پذیرش دولت‌ها تحقق پیدا کرده و الزام‌آور می‌شود وجود حقوق فرای حقوق ملی و اراده‌ی دولت‌ها در این اندیشه منتفی است.

آزادی‌های مشروع و اساسی در غرب، بر اساس مکتب لیبرالیسم تعریف شده است. از این منظر، مفهوم فلسفی آزادی با اصل حاکمیت اراده توجیه می‌شود. بر این مبنا، اروپاییان پس از گذراندن دوران فشارهای ناشی از حاکمیت کلیساهای فاسد و حکومت‌های ظالم، با تاکید بر حقوق طبیعی، بنیان حقوقی را بنا نهادند که از گزند حکومت‌ها در امان بمانند. بر این اساس انسان‌ها بر اساس لیاقت‌ها و فضایی که دارند، از این حقوق متمتع می‌شوند. اما به رغم این مبنای طبیعی و غیرقابل سلب، این حقوق در قانون تعریف می‌شوند و از این طریق قابل اجرا و دارای ضمانت خواهند بود. دیدگاه دیگری که درباره‌ی حقوق وجود دارد، فرض وجود قرارداد است. در این مبنا، تشکیل حکومت نیاز به توافق اعضای بالغ جامعه دارد؛ اگرچه این قرارداد به صورت پیش فرض تصور شود و در عالم واقع رخ ندهد. حدود اختیار دولت و مردم بر اساس این توافق تنظیم می‌شود. از آن رو که مردم حقوق مطلق ندارند، نمی‌توانند حکومت مطلق نیز ایجاد کنند بنابراین اگر دولتی از این توافق تخلف نموده و حقوق مردم را نقص کند، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ م و قانون اساسی ۱۷۹۱ م کشور فرانسه که جایگاه برجسته‌ای در تحولات قرن هیجدهم به خود اختصاص داده‌اند، در پی ریزی حاکمیت ملی و انتقال قدرت تصمیم‌گیری از «پادشاه» به «شهروندان» نقطه عطف و مهمی را در روند مطرح شدن حقوق شهروندی به حساب می‌آورند در حقیقت در پرتو نگاه جدید به مفهوم حاکمیت، «رعایا» به مقام «شهروندی» ارتقاء پیدا کرده و در کنار تعهدات و وظایف از حقوق اجتماعی قابل حمایت بهره‌مند شدند. از این رو **قرن هیجدهم میلادی نقش غیرقابل انکاری در عبور «جامعه اقتدارگرا» به «جامعه قانونگرا»** ایفا می‌کند که از درون آن **«جمهوری سوم فرانسه»** سر بیرون می‌آورد. از سوی دیگر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م اعلامیه

حقوق بشر را پذیرفت. اعضای شورای اروپا، چهارم نوامبر ۱۹۵۰ کنوانسیون حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را تصویب کردند. رفته رفته مفهوم «آزادی عمومی» هم به عنوان مطالبات شهروندان در برابر قوای عمومی قد علم کرده و با مجموعه «حقوق بشری» در هم آمیخت. از دل مفهوم «آزادی» عناصر کوچکتر و فرعی تری زاده شدند. از جمله آنها آزادی سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات، آزادی دینی، آزادی آموزش و ... می باشد. گرچه خود آزادی در این مقاطع تاریخی دست اندازهای مختلفی را تجربه کرد، لیکن «حقوق شهروندی» در اروپا بتدریج جای خود را پیدا کرده و وارد ادبیات حقوقی گردید. . از اواخر دهه ۱۹۸۰ م متفکران اروپایی (جناح چپ) «شهروندی» را به عنوان یک ایده بالقوه رادیکال پذیرفتند. در حالی که در گذشته نگرش کلی پیروان تفکرات چپ و مارکسیستی در مورد «شهروندی» باسوء ظن همراه بود. آن‌ها شهروندی را نه راه حل برای بی‌عدالتی‌های سرمایه‌داری بلکه بخشی از خود مشکل به حساب می‌آوردند. در واقع در نظر آنها «حقوق شهروندی» به یک منطق سرمایه‌داری آغشته شده است. باشکست کمونیزم و فهم این مطلب که در جوامع ناهمگون، نمی‌توان همه بی‌عدالتی‌ها را به اقتصاد نسبت داد، باعث شد تا بسیاری از سوسیالیست‌ها در انکار مفهوم «شهروندی» و به تبع آن «حقوق شهروندی» تجدید نظر کنند.

حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی و آمریکایی زیر مجموعه‌ی علوم سیاسی ( Political science) قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور کشور است و ابعاد متفاوت آن را در بر می‌گیرد و از این رو به حقوق سیاسی و حقوق عمومی (به معنای اخص) نزدیک می‌شود.

اما این معانی حقوق شهروندی را از حقوق بشر چندان جدا نمی‌کند و البته این دو مفهوم چندان مشابهت دارند که اشتراکاتشان، تمایز را مشکل می‌کند. برای تفکیک این دو، چند محور را می‌توان ذکر کرد:

۱. گیرنده یا دارنده‌ی آن: دارنده‌ی حقوق بشر، موجودی است که با عضویتش در جامعه‌ی انسانی به عنوان جهان‌وند از آن منتفع خواهد بود؛ در حالی که دارنده‌ی حقوق شهروندی، شهروند (به تعریفی که ذکر شد) است.

۲. مخاطب آن: حقوق بشر، هر انسان، نهاد و اجتماع انسانی را مخاطب خود قرار می‌دهد و توصیه و فرمان می‌دهد.

در حالی که حقوق شهروندی، اجتماع با افراد خاصی را در محدوده‌ی یک دولت-کشور خطاب می‌کند.

۳. موضوع آن: مفاهیم حقوق بشر عموماً ما بعدالطبیعه هستند و از این رو کلی و دارای ابهام‌های اساسی‌اند. اما حقوق شهروندی، از آن رو که مستقیماً با مردم و اجرا مواجه‌اند دارای ابهام نیستند و بر اساس همان مبانی حقوقی ایجاد می‌شوند.

بعضی از صاحب نظران اصول و مواد و اعلامیه حقوق بشر را در سه اصل کلی دسته بندی نموده‌اند:

- آزادی فکر، عقیده، بیان و اندیشه.

- مساوات همه انسان ها در حقوق و تکالیف.

- مشارکت همه انسان ها در ساختن زندگی اجتماعی.

## فصل دوم:

حقوق شهروندی از دیدگاه امام خمینی «ره» و رهبری

## فرمان ۸ ماده‌ای و حقوق شهروندی از دیدگاه امام خمینی (ره)

الف: دیدگاه های حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) درباره حقوق شهروندی

پیام هشت ماده ای به قوه قضاییه

با جرات می توان گفت که نخستین پیام حقوق بشر و شهروندی پس از انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) بود که در بیست و چهارم آذرماه ۱۳۶۱ صادر شد. این فرمان که ۲۴ سال پیش خطاب به قوه قضاییه و همه ارگان های اجرایی صادر شده است، تأکیدی قاطع بر اصول قانون اساسی و حفظ و رعایت حقوق شهروندی است. امام خمینی (رحمت الله علیه) در واکنش به گزارش‌هایی که در این موضوع به ایشان رسید، طی فرمانی که به "فرمان ۸ ماده‌ای" مشهور شد، نکاتی را به قوه قضاییه و همه ارگان های اجرایی متذکر شدند. امام خمینی (رحمت الله علیه) در ابتدای این فرمان فرموده اند: "در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگان های دولتی به ویژه دستگاه های قضایی و لزوم جانسین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق، تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده می شود. امید است انشاءالله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند." اموری را که حضرت امام در این فرمان مورد توجه قرار داده اند می توان به طور خلاصه به موارد زیر تقسیم کرد:

- ۱ - تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ آنها با دقت و سرعت لازم و در اولویت قرار دادن قوانین مربوط به مسایل قضایی که مورد ابتلای عموم است؛
- ۲ - رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان دادگاه هاوسایر مراجع قضایی؛
- ۳ - صدور احکام اسلامی توسط قضات واجد شرایط اسلامی با استقلال و قدرت و بدون ملاحظه از هیچ مقامی؛
- ۴ - تبعیت ماموران ابلاغ و اجرا و دیگر ضابطان امر قضا از احکام قضات اسلامی؛
- ۵ - عمل به عدل اسلامی در سایر ارگان های نظام جمهوری اسلامی از مجلس، دولت و متعلقات آن، قوای نظامی، انتظامی، سپاه پاسداران، کمیته ها، بسیج و دیگر متصدیان امور و ممنوعیت ارگان های حکومتی در رفتار غیراسلامی با مردم؛
- ۶ - ممنوعیت توقیف و احضار بدون حکم قاضی هرچند به مدت کوتاه؛ چنین عملی جرم و موجب تعزیر شرعی خواهد بود.

۷- ممنوعیت دخل و تصرف و توقیف و مصادره اموال منقول و غیرمنقول افراد بدون حکم حاکم شرع آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی؛

۸- ممنوعیت افعال ذیل که جرم بوده و مستحق تعزیر شرعی خواهد بود:

- وارد شدن به خانه یا مغازه یا محل کار اشخاص بدون اذن صاحب آنها؛
- جلب، تعقیب، مراقبت، اهانت و اعمال غیرانسانی- اسلامی نسبت به دیگری به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه؛
- گوش کردن به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه
- شنود گذاشتن و تجسس از گناهان و دنبال اسرار دیگران بودن برای کشف گناه و جرم، هرچند گناه بزرگ باشد؛
- فاش کردن اسرار دیگران حتی برای یک نفر؛ (در ذیل این بند اشاره شده که تمام این موارد جرم و گناه بوده و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان، از کبایر بسیار بزرگ است و مرتکبان هریک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می باشد)؛

۹ - ممنوعیت های فوق در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه گروهک های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است

۱۰- ممنوعیت افعال ذیل که جرم بوده و مستحق تعزیر شرعی خواهد بود.

۱۱- وارد شدن به خانه یا مغازه یا محل کار اشخاص بدون اذن صاحب آنها؛

ماموران نباید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه عملی انجام دهند؛

۱۲- ممنوعیت افشای آلات لهو و قمار و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر نزد دیگران در مواردی که این وسایل از روی ورود خطا و اشتباه در منزل یا محل کار کسی کشف شوند و ممنوعیت جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن؛

۱۳- ممنوعیت صدور حکم توسط قضات که به واسطه آن ماموران اجرا حق داشته باشند به منازل یا محل های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی و نه محل توطیه های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی است. صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است؛

بعد از برشمردن موارد فوق امام خمینی (رحمت الله علیه) درانتهای پیام خود بار دیگر به پشتیبانی بین ظییر ملت از نظام و حکومت اشاره می‌کنند که "قابل قبول نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریمه اسلامی از اشخاص متوجه به معنویات صادر شود." و در نهایت یادآور می‌شوند که ملت باید قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آرامش و امنیت خود و کشور خود بدانند و این امور بر عهده همگان است.

**امام و اقلیت‌ها**

**الف: نوع برخورد با اقلیت‌ها در اندیشه امام**



اساساً رفتار با اقلیت‌ها و به ویژه اهل کتاب در نظام سیاسی دینی، بر طبق قانون عدالت و انصاف است. ایشان در پاسخ به پرسشی راجع به اقلیت‌های مذهبی در آینده ایران و عصر حکومت دینی می‌گویند:

«اقلیت‌های مذهبی در آینده آزاد هستند و در ایران در رفاه زندگی خواهند کرد و ما با کمال انصاف و مطابق با قانون عمل خواهیم کرد. آنان برادران ایرانی ما هستند، آنان هم از شاه و دار و دسته اش به تنگ آمده‌اند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۰۱)

در باب اقلیت‌های مسلمان سنی نیز ایشان اظهار می‌دارند: که ما با آنان برادریم و پیوستگی خودمان را با آنان اعلام می‌کنیم: در اسلام بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست، بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد. باید وحدت کلمه را حفظ کنید... این مملکت مال همه ما هست... مال اقلیت‌های مذهبی، مال مذهبیون ما، مال برادران اهل سنت ما.» (صحیفه امام، ج ۶، صص ۸۴-۸۳)

درجایی دیگر می‌فرمایند:

«کردها و سایر دسته جاتی که هستند و زبان‌های مختلف دارند، این‌ها همه برادران ما هستند و ما با آن‌ها هستیم و آن‌ها با ما هستند و همه اهل یک ملت و اهل یک مذهب هستیم.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۲)

امام خمینی (ره) در خطاب به نمایندگان زردشتیان می‌فرماید:

«همه اقلیت‌ها مطمئن باشند که اسلام با اقلیت‌ها همیشه به طور انسانی، به طور عدالت رفتار کرده است و همه در رفاه هستند و این‌ها هم مثل سایر اقلیت‌ها جزیی از ملت ما هستند و ما و آن‌ها با هم در این مملکت زندگی می‌کنیم. ان شاء الله. و رفاه همه حاصل خواهد شد و رمز این پیروزی که وحدت کلمه است باید حفظ شود.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۹۲)

### **ب: اقلیت‌ها و حقوق اجتماعی**

امام خمینی (ره) در رابطه با حقوق اجتماعی اقلیت‌ها چنین می‌فرماید:

«اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند، بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند و دیگر این که هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان و... یا مذهب دیگر فرقی ندارد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۰۸) امام خمینی (ره) در این جا بر برابری حقوق اجتماعی مسلمانان و سایر اقلیت‌ها در حکومت دینی اشاره می‌کند. البته امام خمینی (ره) در پاسخ به این پرسش که: آیا دولت جدید مورد نظر شما صد درصد اسلامی است؟ به این معنا که حکومت آینده، محلی برای مسیحیان و سایر اقلیت‌های مذهبی خواهد بود یا نه؟ می‌فرماید:

« البته که در حکومت اسلامی ، محلی برای اقلیت های مذهبی و جود دارد آن ها الان هم وکیل دارند و در مجلس واردند، ما در حکومت اسلامی هم برای آن ها این حق را قا یلیم.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۴۱)

از فقره فوق این مفهوم استنباط می شود که امام خمینی (ره) معتقد است اقلیت ها در حکومت اسلامی از پاره ای حقوق سیاسی برخوردارند ، مانند نمایندگی مجلس شورای اسلامی . این مسئله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم انعکاس یافته است . در اصل شصت و چهارم آمده است : «زردشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.»

در اندیشه امام خمینی(ره) اقلیت ها در نظام جمهوری اسلامی همانند سایر افراد از حقوق برابر و احترام کامل برخوردارند: «آنها با سایر افراد در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می شود و در حکومت اسلامی آن ها در رفاه و آسایش هستند.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۹۰):

«ما مطمئناً نسبت به عقاید دیگران بیشترین احترام را قایل هستیم . پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد ، شرایط حیات برای اکثریت مسلمانان و اقلیت های مذهبی بسیار خوب خواهد شد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳)

«اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهب آزادی داده است، آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان ها قرار داده است، بهره مند شوند. ما به بهترین وجه از آنها نگهداری می کنیم. در جمهوری اسلامی کمونیست ها نیز در بیان عقاید خود آزادند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۳۶ و ۳۳۷)

در نظریه سیاسی امام خمینی (ره) ، عرصه های مختلفی از جمله : آزادی انجام مراسم و شعایر عبادی، آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان و حق اظهار نظر، آزادی سیاسی (حق رای دادن و حق انتخاب شدن به مقامات عمومی و سیاسی) آزادی های شخصی و خصوصی و... دیده شده و صراحت دارد.

### ج. مصونیت اقلیت ها

مساله امنیت از جمله بدیهی ترین حقوق درباره اقلیت هاست؛ زیرا پایه ای است برای سایر حقوق. اگر اقلیت ها در جان، مال، آبرو و ... دارای مصونیت و امنیت نباشند، سخن گفتن از سایر حقوق آن ها نیز میسر نیست. از این رو با توجه به آن چه در متون دینی آمده است، تعدی و تجاوز به شخصیت ، جان، آبرو و اموال غیر مسلمانان جایز نیست. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۲۴) امام خمینی(ره) در ضمن سخنان خود به این مسئله پرداخته است. از جمله در این باره می گوید:

«به این اقلیت های دینی ای که در ایران هستند کسی حق ندارد تعرض بکند، این ها در پناه اسلام و مسلمین هستند ... این هایی که مذهب رسمی دارند، حق ندارند تعرضی بکنند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۵۱)

امام خمینی (ره) در مباحث فقهی خود، آن جا که شرایط اهل ذمه را بر می شمرد به پاره ای موارد اشاره می کند که در صورت پایبندی اقلیت ها به آن قیدها، در امنیت کامل به سر می برند و هیچ شخصی نیز حق تعرض به آنان را ندارد. برخی از این شرایط عبارتند از: کاری که با امنیت منافات دارد، مانند تصمیم به جنگ با مسلمانان و یا کمک به مشرکان انجام ندهند. به آن چه نزد مسلمانان منکر و زشت است، مانند شراب خواری، زنا و خوردن گوشت خوک تظاهر نکنند. با محارم خود ازدواج نمایند. احکام مسلمانان مانند ادای حق و ترک حرام و نیز اجرای حدود الهی را بپذیرند. با سرقت و پناه دادن به جاسوس مشرکان و جاسوسی توسط خودشان، اسباب آزار و اذیت مسلمانان را فراهم نکنند. [۳] (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۴۵۷-۴۵۶)

### د. آزادی عقیده

در باره آزادی عقیده و اظهار نظر اقلیت ها نیز امام خمینی (ره) ضمن پذیرش آزادی برای اقلیت ها آنان را محق می داند که به اظهار نظر و عقیده خود بپردازند:

« دولت اسلامی، یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت های مذهبی آزادی به طور کامل هست و هر کسی می تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی، تمامی منطبق ها را با منطبق جواب خواهد داد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۰)

در موردی دیگر با صحه گذاشتن بر حقوق مشروع اقلیت ها، این اعتقاد را بیان می دارند که:

« اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت های مذهبی بوده و هست، آنان در جمهوری اسلامی آزاداند و آزادانه به مسایل خود می پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزادند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۸)

گر چه امام خمینی (ره) در جملات نقل شده به صراحت بر آزادی عقیده توسط اقلیت ها تاکید می نماید اما در بحث فقهی خویش بر حدود عقلی - شرعی آن اشاره دارند. ایشان در بیان شرایط کفار، خواه اهل ذمه باشند یا خیر می گوید: کفار ( غیر مسلمانان )، خواه ذمی یا غیر ذمی در جامعه و کشور اسلامی، حق ندارند به تبلیغ مذاهب فاسدشان و نشر کتاب های ضاله خود بپردازند و یا مسلمانان و فرزندان مسلمانان را به مذاهب باطل خود فراخوانند. در صورت انجام چنین کاری، واجب است تعزیر شوند و بر کارگزاران دولت های اسلامی است که به هر وسیله ممکن از این کار ممانعت به

عمل آورند . علاوه بر این‌ها بر مسلمانان نیز واجب است که از کتاب‌ها و مجالس آن‌ها اجتناب کنند و به فرزندان خود نیز اجازه ندهند که به چنین مجالسی رفت و آمد نمایند. در صورتی که از کتاب‌ها و سایر مکتوبات ضاله آن‌ها چیزی به دست مسلمانان برسد واجب است آن را از بین ببرند. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۴۶۲-۴۶۱)

در نصوص دینی البته بر آزادی عقیده و عدم تحمیل عقیده ای خاص ، توصیه‌های فراوانی شده است. اما از سوی دیگر اهل کتاب را به همبستگی با مسلمانان بر سر مسایل مشترکی چون توحید فراخوانده است.

« بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیاوریم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند ، به خدایی بر نگیرد و اگر رویگردان شدند، بگوئید شاهد باشید که ما فرمانبرداریم.» (آل عمران، آیه ۶۴)

### هـ: آزادی مذهبی

در باره اجرای شعائر دینی و اجتماعی و مصونیت در این باره ، امام خمینی (ره) اقلیت‌های مذهبی را در نظام سیاسی دینی در انجام کلیه فرایض عبادی ، مذهبی و اجتماعی، آزاد می‌داند و معتقد است. « تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۶۴۱)

امام خمینی (ره) در فقره آزادی شعایر و آداب دینی و اجتماعی برای اقلیت‌ها، می‌فرماید: «تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرایض مذهب خود آزادانه عمل نمایند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند.» (صحیفه نور، ج ۳، ص ۷۵)

هیچگونه تحمیلی برای پذیرش دین اسلام از سوی هیچ کس پذیرفتنی نیست. اساسا دینی که با اکراه و اجبار بر آدمیان تحمیل شود چه سودی خواهد داشت؟ علاوه بر این ، خداوند در قرآن کریم چنین شیوه‌هایی را مورد مذمت قرار داده است ؛ زیرا در قرآن صریحا می‌خوانیم:

«در کار دین اکراه روا نیست ، چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است.» (بقره، آیه ۲۵۶)

چنان که در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«و اگر پروردگارت [ به اراده حتمی ] می‌خواست، تمامی اهل زمین ایمان می‌آوردند، پس آیا تو مردم را به اکراه و میداری تا این که مومن شوند؟» (یونس، آیه ۹۹)

## ی. اهل ذمه، بحثی فقهی در حوزه عمومی

امام خمینی (ره) در مباحث فقهی خود به طور خلاصه به بحث درباره اهل ذمه پرداخته است. اهل ذمه در اصطلاح فقهی به غیر مسلمانانی اطلاق می شود که در پناه اسلام و حکومت اسلامی زیست می کنند. مقصود اصلی از تشریح پیمان ذمه، ایجاد محیط امن و مفاهمه در زندگی جمعی و هم زیستی مسالمت آمیز میان اقلیت های مختلف دینی و مذهبی در قلمرو حکومت اسلامی است در واقع قرارداد ذمه، به مثابه پیمانی ملی است که همه قشرهایی را که در گستره حکومت دینی زندگی می کنند به یکدیگر پیوند می دهد و از سویی نوع رابطه آن ها با یکدیگر را نیز تبیین می کند و همه موظف می شوند بر اساس این قانون به تعامل با همدیگر پردازند.

اهل ذمه تنها شامل اهل کتاب یعنی یهودی ها، مسیحی ها و زردشتی ها می شود و سایر ادیان، فرق و مذاهبی که خود را در شمار یکی از این سه قرار دهند نیز اهل کتاب شمرده می شوند اما دیگر آیین ها و مذاهب نظیر کفار حربی و مشرکان، بت پرستان، ستاره پرستان و ... خواه عرب یا عجم و خواه منتسب به پیروان صاحب کتاب باشند، یا کسانی که در اصل دارای یکی از این سه دین نبوده و بعد از اسلام و نسخ کتاب های آن ها به یکی از این سه مذهب در آیند پذیرفته نیست و در شمار گروه های حربی اند. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۳) باید توجه داشت که مذاهب چهار گانه اسلامی، یعنی اهل سنت، در شمار اهل ذمه به شمار نمی روند و طبیعی است که وضعیت آنان بسیار متفاوت از سایر اقلیت ها است. در همین زمینه امام خمینی (ره) معتقد است شیعیان و سنیان در جمهوری اسلامی دارای حقوق مساوی هستند:

« در جمهوری اسلامی، شیعه و سنی در کنار هم و با هم برادرند و در حقوق، مساوی هستند و هر کس خلاف آن را تبلیغ کند دشمن ایران و اسلام است و برادران اهل سنت باید این تبلیغات ضد اسلامی را در نطفه خفه کنند.»

چنان چه پیروان ادیان سه گانه به شرایط ذمه ملتزم و متعهد گردند، به رسمیت شناخته می شوند و در عوض مالیاتی که از آنان اخذ می شود در حکومت اسلامی به شرط پای بندی به شرایط ذمه، در امن و سلامت زندگی می کنند. از جمله شرایط ذمه این است که به انجام کاری که با امنیت جامعه اسلامی ارتباط دارد، مبادرت نورزند. همچنین آن چه در نزد مسلمانان ناپسند است مانند شرابخواری، زنا، خوردن گوشت خوک و ازدواج با محارم نباید انجام دهند. احداث کنیسه و نواختن ناقوس ممنوع است. و ... در هر صورت با ارتکاب هر یک از شرایط ممنوع و در واقع گسستن پیمان، حاکم اسلامی می تواند آنان را به وطنشان باز گرداند. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، صص ۴۵۸-۴۵۶)

از جمله شرایط دیگر ذمه که مجازات سختی را به دنبال دارد این است که هر اقلیت ذمی که از دین خود به دین دیگری که اهل دین سابق آن را به رسمیت نمی شناسند در آید پذیرفته نیست. به عنوان

مثال یهودی هایی که بهایی می‌شوند جز اسلام یا اعدام از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود. (امام خمینی، ۴۰۷ق، ص ۴۶۱)

در تبیین و تحلیل مطالب فوق گفتنی است با توجه به مباحثی که از سخنان شفاهی امام خمینی (ره) نقل گردید، اقلیت‌های دینی و به عبارتی اهل ذمه در نظام سیاسی اسلامی از حقوق شهروندی برخوردارند و با توجه به پیمانی که با آنان بسته می‌شود به تعامل با حکومت می‌پردازند و تزییع حقوق آنان روا نیست. در همین راستا است که ایشان می‌گویند در صورت تاسیس حکومت عادلانه در ایران، از یهودی‌هایی که ایران را ترک کرده‌اند نیز دعوت می‌کنیم که به کشور و موطن خود بازگردند و دولت اسلامی موظف است با آنان در کمال خوش رفتاری عمل نماید. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۰) علاوه بر این‌ها باید توجه داشت که آن‌چه تحت پیمان اهل ذمه با حکومت اسلامی مورد توجه امام خمینی (ره) در مباحث فقهی است، در نظام جمهوری اسلامی به طور عملی تحقق نیافته است. به این معنا که نظام جمهوری اسلامی به عقد قرارداد با اهل کتب مبادرت نورزیده است. از این رو آنان در کنار دیگر شهروندان از حقوق قانونی برخوردارند.

به هر حال از بندهای پیش گفته روشن می‌شود که اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی اسلامی در انجام اعمال عبادی خود آزادند. محدودیتی که امام خمینی (ره) در مباحث فقهی برای آنان قائل می‌شود عدم تبلیغ دین و عدم نشر کتاب در کشورهای اسلامی است. البته معنای بهتر و کامل‌تر این مطلب با نقل قول دیگری از ایشان مبنی بر این که دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی کلمه است و آزادی عقیده به طور کامل برای همه اقلیت‌ها به طور کامل وجود دارد و اسلام از پاسخ‌گویی به آنان بر می‌آید، (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۶۱) قابل فهم است. از آن‌جا که امام خمینی (ره) مطلب اخیر را سال‌ها پس از بحث‌های فقهی خود بر زبان آورده است، از این رو تفسیر و تبیین سخنان پیشین ایشان هم محسوب می‌گردد. بنا براین محدودیت نشر کتاب از سوی اهل کتاب در جمهوری اسلامی برای اهل کتاب تابع همان ضوابط کلی‌ای است که امام (ره) پیش از آن اشاره نموده‌اند

تاکید بیشتر امام خمینی (ره) مبنی بر این که غیر مسلمانان اعم از اهل کتاب یا غیر آن‌ها در نظام اسلامی از حقوق شهروندی برخوردارند و مال و جان‌شان محترم است در پاره‌ای از استفتائاتی که از ایشان شده به خوبی تبیین شده است و نشان می‌دهد که ایشان در این باره چگونه می‌اندیشند. در یک استفتاء که درباره اجرای احکام اسلام در مورد غیر مسلمانان از ایشان شده، می‌گویند: «کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آن‌ها جاری است و محقون الدم (و از ریختن خونشان جلوگیری شده) بوده و مالشان محترم است.»<sup>۱</sup>ها را اثبات می‌کند و از

سویی فرضیه رقیب را که معتقد به ناسازگاری مردم سالاری دینی با حقوق اقلیت هاست، ناکام می‌گذارد.

امام خمینی (س) همواره بر حفظ آزادی‌های فردی و اجتماعی در جامعه در چارچوب قوانین تاکید داشت، در ۲۱ اسفند سال ۱۳۵۳، پس از اعلام تاسیس حزب رستاخیز از سوی شاه، در پیامی با غیر قانونی اعلام کردن این حزب، بر ضرورت حفظ حقوق مردم تاکید کرد و یاد آور شد:

این عمل - با این شکل تحمیلی - مخالف قانون اساسی و موازین بین‌المللی است و در هیچ یک از کشورهای عالم نظیر ندارد. ایران تنها کشوری است که حزبی به امر «ملوکانه» تاسیس کرده و ملت مجبور است وارد آن شود، و هرکس از این امر تخلف کند، سرنوشت او یا حبس و شکنجه و تبعید و یا از حقوق اجتماعی محروم شدن است. مردم محروم این کشور مجبورند موافقت خود را با نظام شاهنشاهی اعلام کنند؛

"اجبار ملت به ورود در حزب نقض قانون اساسی است؛ اجبار مردم به تظاهر در موافقت و پایکوبی و جنجال در امری که مخالف خواسته آنهاست نقض قانون اساسی است؛ سلب آزادی مطبوعات و دستگاه‌های تبلیغاتی و اجبار آنها به تبلیغ برخلاف مصالح کشور نقض قانون اساسی است؛ تجاوز به حقوق مردم و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی نقض قانون اساسی است؛ انتخابات قلابی و تشکیل مجلس فرمایشی محو مشروطیت نقض قانون اساسی است؛ ایجاد پایگاه‌های نظامی و مخابراتی و جاسوسی برای اجانب مخالفت با مشروطیت است؛ مسلط نمودن اجانب و عمال کثیف آن‌ها از قبیل اسراییل بر بهترین اراضی مملکت و کوتاه کردن دست ملت را از آن نقض قانون اساسی و خیانت به کشور است؛ اجازه سرمایه‌گذاری به اجانب و مسلط کردن آنها بر تمام شئون مملکت و غارت ذخایر نفتی به اسم «حاکمیت ملی» و کوتاه کردن دست ملت از فعالیت‌های اقتصادی خیانت به ملت و نقض قانون اساسی است؛ مصونیت دادن به اجانب و عمال آن‌ها مخالفت با مشروطه و قانون اساسی است؛ و اصولاً دخالت شاه (که به حسب نص قانون اساسی مقام غیر مسوولی است) در امور کشور و قوای مملکت بازگشت به دوران سیاه استبداد و نقض قانون اساسی است."

همواره یکی از دغدغه‌های امام خمینی (س)، **حفظ حریم مردم و حقوق ملت بود** و آن چه ایشان را رنج می‌داد تجاوز به این حقوق مسلم و آشکار بود.

ایشان در بخشی از پیامی که در ۲۰ تیر ۱۳۵۴ خطاب به مردم ایران داده بود، اظهار داشت:

"اخبار واصله از ایران، دنبال شکست مفتضحانه شاه در حزب (۱) بازی جدید، با آنکه موجب کمال تاسف و تاثر است مایه امید و طلیعه درخشان آزادی است. تاسف از آنکه در عصری که ملت‌ها یکی پس از دیگری از زیر یوغ استعمار خارج می‌شوند و استقلال و آزادی خود را به دست می‌آورند، ملت

بزرگ مُسَلِّم ایران با گماشته شدن یکی از مرتجع ترین افراد و یکی از عمال بی‌چون و چرای استعمار و سایه افکندن وحشتناکترین استبداد وحشیانه بر سرتاسر کشور، از تمام شئون آزادی محروم و با جمیع مظاهر استبداد و ارتجاع دست به گریبان هستند. سازمان امنیت ایران به دستور شاه به صورت اداره تفتیش عقاید قرون وسطایی درآمد و با مخالفان حزب تحمیلی شاه، که اکثریت قاطع ملت متدین است، با انواع تهدیدها و اهانت‌ها و ضرب‌ها و شکنجه‌های وحشیانه رفتار می‌کنند. ملت ایران، از علمای دین تا دانشگاهی و از بازاری تا زارع و از کارگر تا اداری و کارمند جزء، باید معتقد به عقیده شاه باشند؛ گر چه برخلاف اسلام و مصالح مسلمین و ملت باشد، گر چه استقلال ملت و آزادی همه را برباد دهد! و در صورت تخلف، سرنوشت آنها ضرب‌ها و حبس‌ها و شکنجه‌ها و محرومیت‌ها از حقوق انسانی است و متخلفین «مرتجع سیاه» و «بی‌وطن سرخ» اند و باید سرکوب شوند. تاسف از سرکوب کردن ملت مظلوم، و هجوم به دانشگاه‌های سراسر کشور. تاسف از واقعه جانسوز هفده خرداد (۵۴) مدرسه فیضیه و دارالشفاء - که واقعه قتل عام ۱۵ خرداد ۴۲ را زنده کرد - و یورش بی‌رحمانه و مسلحانه عمال استعمار بر مدارس دینی که جز با علم و فقه اسلام و دفاع از قرآن کریم و احکام سازنده اسلام سر و کاری ندارند، و شکستن سر و دست‌ها و در و پنجره‌ها و کوبیدن تا سرحد مرگ و پرتاب کردن جوانان بی‌پناه را از پشت بام‌ها



## حقوق شهروندی در سند چشم انداز ۱۴۰۴

مطابق سند چشم انداز، جامعه در افق بیست ساله باید به سوی جامعه ای توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی حرکت کند و اتکا بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و با تاکید بر:

- مردم سالاری دینی
  - عدالت اجتماعی
  - آزادی‌های مشروع
  - حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها
  - بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی
- فرد ایرانی در سال ۱۴۰۴ باید فردی فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند و برخوردار از امکانات زیر باشد:

الف) رفاه ملی (که مصداق آن عبارت است از: سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تامین اجتماعی و فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب)

ب) امنیت ملی (امن، مستقر، مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت)

ج) تولید ملی (برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی)

فصل سوم

مبانی حقوق شهروندی در اسناد بین المللی

## حقوق شهروندی در اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره)

### **الف ( مبانی حقوق شهروندی در اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره)**

این اعلامیه ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری (مطابق با ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی و ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ شمسی) اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره می‌باشد که در ۲۴ ماده تصویب گردیده است. در ذیل به موادی از این اعلامیه که به عنوان مبانی حقوق شهروندی است اشاره می‌کنیم:

#### **ماده یک:**

بشر به طور کلی یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آن‌ها را گرد آورده و همه انسان‌ها در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسوولیت برابرند بدون هرگونه تبعیض از لحاظ نژاد، یا رنگ، یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره. ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد.

ب) همه مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوب‌ترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به هم‌نوع خود است و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوی و کار نیکو.

#### **ماده دوم:**

الف) زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب) استفاده از وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزئی گردد ممنوع است.

چ) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جایی که خداوند مشیت نماید، وظیفه شرعی می‌باشد.

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز نیست، کما این که جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی و بر دولت است حمایت از این امر.

#### **ماده چهارم:**

هر انسان حرمتی دارد و می‌تواند از آوازه خود در زندگی یا پس از مرگ پاسداری نماید و دولت و جامعه موظف است که از پیکر و مدفن او پاسداری کند.

#### ماده ششم:

الف) در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد از حقوقی نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق نام و نسب خویش را دارد. ب) بار نفقه خانواده و مسوولیت نگهداری آن، از وظایف مرد است.

#### ماده نهم:

الف) طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و دولت لازم است که راه‌ها و وسایل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را بگونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تامین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرد.

ب) حق هر انسانی است که موسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی و غیره، که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می‌نمایند، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند بگونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود.

#### ماده دوازدهم:

هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناهنده واجب است که با او مدارا کند تا این که پناهگاهی برای او فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق شرع نباشد.

#### ماده سیزدهم:

کار حقی است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کند و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته‌ای را دارد به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود. هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تضمین‌های اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد و او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره‌کشی کرد یا به او زیان رساند و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می‌کند سریعاً دریافت نماید و نیز حق استفاده از مرخصی‌ها و پاداش‌ها و ترفیعات استحقاقی را دارد و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درست‌کاری را داشته باشد و اگر کارگران

با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند، دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل بدون این که به نفع طرفی عدول کند، مداخله نماید.

#### **ماده چهاردهم:**

انسان حق دارد، کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب و زیان رساندن به خود یا دیگران. و ربا شدیداً ممنوع است.

#### **ماده پانزدهم:**

الف) هر انسانی مالک شدن از راه‌های شرعی را دارد و می‌تواند از حقوق مالکیت بگونه‌ای که خود و یار دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی‌تواند مالکیت را از کسی صلب کرد مگر بنا به ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.  
ب) مصادره اموال و ضبط آن‌ها ممنوع است، مگر بر طبق شرع.

#### **ماده شانزدهم:**

هر انسانی حق دارد از ثمره دستاوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد و حق دارد از از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید، مشروط به این که آن دستاورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.

#### **ماده هفدهم:**

الف) هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد و بیماری‌های اخلاقی به گونه‌ای که بتواند در آن از خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند. جامعه و دولت موظف‌اند این حق را برای او فراهم کنند.

ب) دولت و جامعه موظف‌اند که برای هر انسانی تامین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود، فراهم نمایند.

ج) دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده را برآورده سازد و شامل خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، درمان و سایر نیازهای اساسی می‌شود، تضمین نماید.

#### **ماده هجدهم:**

الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان، دین، خانواده، ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.

ب) هر انسانی حق دارد که در زندگی خصوصی خود (مسکن، خانواده، مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.

ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد و یا ساکنینش را آواره نمود.

#### ماده نوزدهم:

الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم باهم برابرند.

ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین شده است.

ج) مسوولیت دراصل شخصی است.

د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

ه) منمهم، بی گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌های، که همه تضمین ها برای دفاع از او فراهم باشد، ثابت گردد.

#### ماده بیستم:

دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید و مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او بگونه‌ای حقارت آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد. هم‌چنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست، مگر با رضایت وی و مشروط بر این که سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد. هم‌چنین تدوین قوانین استثنایی، که به قوه اجراییه چنین اجازه‌ای بدهد، نیز جایز نمی‌باشد.

#### ماده بیست و یکم:

گروگان‌گیری به هر شکلی و به خاطر هر هدفی ممنوع است.

#### ماده بیست و دوم:

الف) هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی، که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.

ب) هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر طبق ضوابط و شریعت اسلامی دعوت کند.

ج) تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا زبان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د) برانگیختن احساسات قومی و مذهبی یا هر چیزی که به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی منجر گردد، جایز نیست.

#### ماده بیست و سوم:

الف) ولایت امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع می‌باشد، زیرا که حقوق اساسی از این راه تضمین می‌شود.

ب) هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید. هم‌چنین او می‌تواند پست‌های عمومی را طبق احکام شریعت متصدی شود.

### حقوق شهروندی در اعلامیه جهانی حقوق بشر

#### ب: اعلامیه جهانی حقوق بشر

این اعلامیه مشتمل بر ۳۰ ماده و مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی (مطابق با ۱۳۲۷/۹/۱۹ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشد.

#### ماده ۱:

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

#### ماده ۲:

هر کس می تواند بدون هیچ تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم چنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمامی حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد. به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین‌المللی یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومیت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

#### ماده ۳:

هر کس حق زندگی و امنیت شخصی دارد.

#### ماده ۴:

احدی را نمی توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان، به هر شکلی که باشد، ممنوع است.

#### ماده ۵:

احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

#### ماده ۶:

هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او را در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود

#### ماده ۷:



همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند.

همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

#### ماده ۸:

در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه دارد.

#### ماده ۹:

احدی نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید بشود.

#### ماده ۱۰:

هر کس بامساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرفی، منصفانه و علنی رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشد، اتخاذ تصمیم بنماید.

#### ماده ۱۱:

۱. هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک محاکمه که در آن کلیه تضمین‌های لازم که برای دفاع او تامین شده باشد، تقصیر او قانوناً "محرز گردد.

۲. هیچ کس برای انجام عملی یا عدم انجام عملی، که در مورد ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آن چه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت در باره احادی اعمال نخواهد شد.

#### ماده ۱۲:

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

#### ماده ۱۳:

۱. هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

۲. هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

#### ماده ۱۴:

۱. هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

۲. در موردی که واقعا تعقیب مبتنی بر جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی توان از این حق استفاده نمود.

#### ماده ۱۵:

۱. هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد.

۲. احدی را نمی توان خود سرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

#### ماده ۱۶:

۱. هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب باهمدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حق مساوی می باشند.

۲. ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

۳. خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

#### ماده ۱۷:

۱. هر شخص، منفردا یا بطور اجتماعی حق مالکیت دارد.

۲. احدی را نمی توان خود سرانه از حق مالکیت محروم نمود.

#### ماده ۱۸:

هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود.

این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می تواند از این حقوق منفردا یا مجتمعا به طور عمومی برخوردار باشد.

#### ماده ۱۹:

هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظاتی مرزی، آزاد باشد.

#### ماده ۲۰:

۱. هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.
۲. هیچ کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

#### ماده ۲۱:

- ۱ - هرکس حق دارد که در اداره عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.
۲. هرکس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید.
۳. اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی برگزار گردد که از روی صداقت و به طوری ادواری صورت پذیرد. انتخابات عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید.

#### ماده ۲۲:

هرکس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمود آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.

#### ماده ۲۳:

۱. هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بی‌کاری مورد حمایت قرار گیرد.
۲. همه حق دارند که بدون تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.
۳. هرکس کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذی حق می‌شود که زندگی او و خانواده اش را موافق سئون انسانی تامین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی، تکمیل نماید.

۴. هرکس حق دارد که برای دفاع از منافع خود یا دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه نیز شرکت نماید.

#### ماده ۲۴:

هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های ادواری، با اخذ حقوق ذی‌حق می‌باشد.

#### ماده ۲۵:

۱. هرکس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوه‌گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.
۲. مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

#### ماده ۲۶:

۱. هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد و همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.
۲. آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هرکس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید با حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در حفظ صلح، تسهیل نماید.
۳. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

#### ماده ۲۷:

۱. هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

۲. هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

#### ماده ۲۸:

هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی، حقوق و آزادی‌هایی را، که در این اعلامیه ذکر گردیده است، تامین کند و آن‌ها را مورد عمل بگذارد.

#### ماده ۲۹:

۱. هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.
۲. هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های فرد، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون، منحصر به منظور تامین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.
۳. این حقوق و آزادی‌ها، در هیچ موردی نمی‌تواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

#### ماده ۳۰:

هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و در آن راه فعالیت بنماید.

### ج : میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

این میثاق در پنج بخش و مشتمل بر ۵۳ ماده و مصوب شانزدهم دسامبر ۱۹۶۶ میلادی (مطابق با ۱۳۴۷/۱/۲۵ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشد تاکنون بالغ بر صد کشور این میثاق را تصویب کرده‌اند و جمهوری اسلامی ایران نیز در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ آن را امضا و در اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ از تصویب مجلس گذرانده است و بنابر این لازم است به مفاد آن عمل نماید از جمله موادی که به عنوان مبانی حقوق شهروندی است و عبارتند از:

#### ماده ۶:

۱. حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خود سرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.
۲. در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است صدور حکم اعدام جایز نیست، مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جنایت که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌ها راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی صادره از دادگاه صالح.
۳. در مواقعی که سلب حیات تشکیل دهنده جرم کشتار جمعی باشد، چنین معهود است که هیچ یک از مقررات این ماده دولت‌های طرف این میثاق را مجاز نمی‌دارد که به هیچ نحو از هیچ یک از الزاماتی که به موجب مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) تقبل شده انحراف ورزند.
۴. هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید، عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمامی موارد ممکن است اعطا شود.
۵. حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از هجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.
۶. هیچ یک از مقررات این ماده برای تاخیر یا منع القای مجازات اعدام از طرف دولت‌های طرف این میثاق قابل استناد نیست.

#### ماده ۷:

هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار، شکنجه، مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تردیلی قرار داد. مخصوصاً  
قرار دادن یک شخص تحت آزمایش پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

#### ماده ۸:

۱. هیچ کس را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت. بردگی و خرید و فروش برده به هر نحوی از انحاء ممنوع است.
۲. هیچ کس را نمی‌توان در بندگی (غلامی) نگاه داشت.
۳. الف) هیچ کس به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار نخواهد شد. ب) شق(الف) بند ۳ را نمی‌توان چنین تفسیر کرد که در کشورهایی که بعضی از جنایات قابل مجازات با اعمال شاقه است، مانع اجرای مجازات اعمال شاقه مورد حکم صادره از دادگاه صالح بشود. ج) «اعمال شاقه یا کار اجباری» مذکور در این بند شامل امور زیر نیست:
- اول: هرگونه کار یا خدمت ذکر نشده در شق (ب) که متعارفاً به کسی که به موجب یک تصمیم قضایی قانونی زندانی است یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط باشد، تکلیف می‌گردد.
- دوم: هرگونه خدمت نظامی در کشورهایی که امتناع از خدمت وظیفه به سبب محظورات وجدانی به رسمیت شناخته شده است و هرگونه خدمت ملی که به موجب قانون به امتناع کنندگان وجدانی تکلیف می‌شود.
- سوم هرگونه خدمتی که در موارد قوه قهریه(فورس ماژور) یا بلایایی که حیات یا رفاه جامعه را تهدید می‌کند تکلیف بشود.
- چهارم: هر کار یا خدمتی که جزئی از الزامات مدنی(اجتماعی) متعارف باشد.

## ماده ۹ :

۱. هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه(بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد.
- از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون
۲. هرکس دستگیر می‌شود باید درموقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، دریافت دارد.
۳. هر که بر اثر جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقوله دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد، لیکن آزادی موقت ممکن است موقوف به اخذ تضمین‌هایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و دیگر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید.
۴. هر کس که بر اثر دستگیر یا بازداشت(زندانی) شدن از آزادی محروم می‌شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تاخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رای بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت، حکم آزادی او را صادر نماید.
۵. هرکس که به طور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت(زندانی) باشد، حق جبران خسارت خواهد داشت.

#### ماده ۱۰:

۱. درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.
۲. الف) متهمان جز در موارد استثنایی از محکومان جدا نگاه‌داری خواهند شد و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیر محکوم خواهند بود.  
ب) صغارمتهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن درمورد آنان اتخاذ تصمیم بشود.
۳. نظام زندان‌ها متضمن رفتار با محکومان خواهد بود که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده‌ی حیثیت اجتماع زندانیان باشد.  
صغار بزه‌کار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با سن و وضع قانونی شان باشند.

#### ماده ۱۱:

- هیچ کس را نمی‌توان تنها به این علت که قادر به اجرای کلیه تعهد قراردادی خود نیست زندانی کرد.

#### ماده ۱۲:

۱. هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.
۲. هرکس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند.
۳. حقوق مذکور فوق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نخواهد بود، مگر محدودیت‌هایی که به موجب قانون مقرر گردیده است و برای حفظ امنیت ملی - نظم عمومی - سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده‌ی در این ميثاق سازگار باشد.
۴. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از حق ورود به کشور خود محروم کرد.

#### ماده ۱۳:

بیگانه‌های که قانوناً در قلمرو یک دولت این میثاق باشد، فقط در اجرای تصمیمی که مطابق قانون اتخاذ شده باشد ممکن است از آن کشور اخراج بشود و جز در مواردی که جهات حتمی امنیت ملی طور دیگر اقتضا نماید باید امکان داشته باشد که علیه اخراج خود موج‌ها اعتراض کند و اعتراض او در مقام صالح یا نزد شخص یا اشخاص منصوبه خصوص از طرف مقام صالح با حضور نماینده‌ای که به این منظور تعیین می‌کند، رسیدگی شود.

#### ماده ۱۴:

۱. همه درمقابل دادگاه و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هرکس حق دارد به این که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در



امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید. تصمیم به سرّی بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهت اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوا اقتضا کند و هم چنین در مواردی که از لحاظ کیفیت خاص علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد، لیکن حکم صادره در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آن که مصلحت صغار طور دیگری اقتضا نماید یا دادرسی مربوط به اختلاف زناشویی یا ولایت اطفال باشد.

۲. هرکس متهم به ارتکاب جرمی شده باشد حق دارد بی گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او برطبق قانون محرز بشود.

۳. هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقفل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:  
الف) در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود.  
ب) وقت و تسهیلات کافی برای دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.  
ج) بدون تاخیر غیر موجه در باره او قضاوت بشود.

د) در محاکمه حاضر بشود و شخصا یا بوسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا نماید از طرف دادگاه راسا برای او وکیلی تعیین بشود، که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.

ه) از شهودی که علیه او شهادت می دهند سوالاتی بکند یا بخواهد که از آن‌ها سوالاتی بشود و شهودی که علیه او شهادت می دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آن‌ها سوالاتی بشود.

و) اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن تکلم کند، یک مترجم مجاناً به او کمک کند.

ز) مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد یا به مجرم بودن اعتراف نماید.

۴. آیین دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا هنوز بالغ نیستند باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت اعاده حیثیت آنان را بنماید.

۵. هرکس مرتکب جرمی اعلام بشود، حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالی‌تری طبق قانون مورد رسیدگی واقع بشود.

۶. هر گاه حکمی قطعی محکومیت جزایی کسی بعداً فسخ بشود یا یک امر حادث یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی باشد و در نتیجه مورد عفو قرار گیرد شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده است استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران بشود مگر این که ثابت شود که افشای به موقع حقیقت مکتوم کلا و جزاً به خود او منتسب بوده است.

۷. هیچ کس نمی‌تواند برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادره طبق قانون آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

## ماده ۱۵:

۱. هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده است، محکوم نمی‌شود و هم‌چنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آن‌چه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده است تعیین نخواهد شد. هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیف‌تری برای آن مقرر دارد، مرتکب از آن استفاده خواهد نمود.

۲. هیچ یک از مقررات این ماده با دادرسی و محکوم کردن هر شخصی که به علت فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب بر طبق اصول کلی حقوق شناخته شده در جامعه ملت‌ها مجرم بوده منافات نخواهد داشت.

## ماده ۱۶:

هرکس حق دارد به این که شخصیت حقوقی او همه جا شناخته شود.

## ماده ۱۷:

۱. هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و هم‌چنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.

۲. هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار گردد.

## ماده ۱۸:

۱. هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی - داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، هم‌چنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جماعت خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.

۲. هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.

۳. آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود، مگر آن‌چه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده است و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

۴. دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و بر حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تامین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

## ماده ۱۹:

۱. هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد.
۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه‌ی اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاه یا به صورت نوشته، چاپ یا به صورت هنری یا به وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.
۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسوولیت‌های خاص است، بنابر این ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده است و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف) احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛

ب) حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی؛

## ماده ۲۰:

۱. هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است.
۲. هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است.

## ماده ۲۱:

حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی‌تواند باشد، جز آن چه طبق قانون مقرر شده است و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

## ماده ۲۲:

۱. هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران را دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود
۲. اعمال این حق تابع هیچ محدودیتی نمی‌تواند باشد، مگر آن چه که به موجب قانون مقرر گردیده است و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی - نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع از آن نخواهد شد که اعضای نیروهای مصلح و پلیس در اعمال این حق تابع محدودیت‌های قانونی بشوند.

۳. هیچ یک از مقررات این ماده، دولت‌های طرف کنوانسیون تاریخ ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی (حق متشکل شدن) را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانون گذاری یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین های مقرر در آن کنوانسیون لطمه وارد آورند.

#### ماده ۲۳:

۱. خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد.
۲. حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته می‌شود.
۳. هیچ نکاهی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود.
۴. دولت‌های طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تامین تساوی حقوق و مسوولیت‌های زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج پیش‌بینی‌هایی برای تامین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد.

#### ماده ۲۴:

۱. هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشا ملی یا اجتماعی، مکننت یا نسب، حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده، او و جامعه و حکومت کشور او باید عمل آید برخوردار گردد.
۲. هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نام شود.
۳. هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد.

#### ماده ۲۵:

- هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیر معقول:
- الف) در اداره امور عمومی بالمباشره یا به واسطه نمایندگان که آزاد انتخاب شوند، شرکت نماید.
  - ب) در انتخابات ادواری که از روی صحت به آرای عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد، رای بدهد انتخاب بشود.
  - ج) باحق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نایل شود.

## ماده ۲۶:

کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیضی استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هر گونه تبعیضی را منع و برای تمامی اشخاص حمایت موثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشا ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نماید.

## ماده ۲۷:

در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارد، اشخاص متعلق به اقلت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعا با دیگر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.

# فصل چهارم

## انواع حقوق شهروندی

## حقوق شهروندی در منابع قانونی

بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی، حقوق شهروندی شامل سه گونه؛ حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی است.

### الف) حقوق مدنی

حقوق مدنی که در حقوق ایران با عنوان حقوق راجع به شخصیت نیز شناخته می‌شود، حقوق مربوط به حفظ ذات و عرض انسانی است. در یک اصطلاح دیگر به آن حقوق عمومی هم می‌گویند، زیرا پیش از هر چیز اعمال این حقوق به طرفیت دولت و نمایندگان دولت است تا افراد عادی.

حقوق مدنی خود شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می‌شود.

### حقوق مربوط به آزادی:

۱- آزادی عملکرد فردی مانند آزادی انتخاب مسکن و محل سکونت، آزادی مکاتبات و آزادی رفت و آمد.

۲- آزادی اندیشه مانند آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش و پرورش

۳- آزادی گردهمایی مانند آزادی تجمعات موقتی و آزادی سازمان پیوندی

۴- آزادی های اقتصادی و اجتماعی مانند آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی سندیکایی.

### حقوق مربوط به مساوات:

مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل دادگاه ها، مساوات در پرداخت مالیات، مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی و مساوات در خدمت نظام وظیفه است.

### ب) حقوق سیاسی

حقوق سیاسی گونه دوم حقوق شهروندی است. حقوق سیاسی حقوقی است که به موجب آن، شخص دارنده حق می تواند در حاکمیت ملی خود شرکت کند. مهم ترین حقوق سیاسی عبارتند از: حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی، حق دارا بودن تابعیت.

### ج) حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی سومین نوع حقوق شهروندی است. این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت، مربوط می شود. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می شود که شامل:

۱- حمایت های مادی و درآمدی مانند تامین مسکن، تامین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تامین اجتماعی (در صورت بیکاری، بیماری، از کار افتادگی، پیری، بی سرپرستی، حوادث و سوانح).

۲- برخورداری از آموزش و پرورش رایگان

۳- برخورداری از بهداشت و درمان، مانند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی و برخورداری از بیمه های درمانی همگانی

۴- حمایت های قضایی، مانند حق برخورداری از وکیل و حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه.

## حقوق شهروندی در قانون اساسی

حوزه حقوق مدنی (حقوق سیاسی):

اصل ۲۰: در برخورداری از حمایت قانونی

اصل ۱۹: در برخورداری از حقوق مساوی

اصول ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۱۵، بند ۷ اصل ۳: در مورد آزادی‌های عقیده، مطبوعات، مکالمات زبان و آزادی‌های سیاسی اجتماعی

اصول ۲۶ و ۲۷ و بند ۸ اصل ۳: در مورد آزادی فعالیت احزاب تشکیل اجتماعات، راهپیمایی‌ها و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خود

اصول ۳۳ و ۴۱: در حق تابعیت

در حوزه حقوق اجتماعی و اقتصادی:

مهم‌ترین اصولی که در قانون اساسی به این حقوق پرداخته عبارت است از اصول ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۶، ۴۷ و بند ۳ اصل ۳

## مجموع اصول قانون اساسی درباره حقوق شهروندی

بند ۳ اصل ۳: آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم، آموزش عالی

بند ۷ اصل ۳: تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون



- بند ۸ اصل ۳: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش
- بند ۱۴ اصل ۳: تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه تساوی عمومی در برابر قانون
- اصل ۱۵: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است، اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب رسمی باید به این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی مطبوعات و در رسانه های جمعی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.
- اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها امتیاز نخواهند بود.
- اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
- اصل ۲۲: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
- اصل ۲۳: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- اصل ۲۴: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند تفصیل آن را قانون مشخص می کند.
- اصل ۲۵: بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابره تلگرافی و تلکس، سانسور عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون
- اصل ۲۶: احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند. مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور کرد.
- اصل ۲۷: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلامی نباشد آزاد است.

اصل ۲۸: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است، که مخالفت اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل ۲۹: برخورداری از تامین اجتماعی، از نظر بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی همگانی است.

اصل ۳۰: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسط فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل ۳۱: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستاییان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل ۳۲: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصول طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل ۳۳: هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌ای ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل ۳۴: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کسی می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل ۳۵: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل ۳۶: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل ۳۷: اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل ۳۸: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل ۳۹: هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل ۴۰: هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل ۴۱: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل ۴۶: هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل ۴۷: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است، ضوابط آن را قانون معین می کند.

### قانون اساسی و مساله اقلیتها

با توجه به مطلب پیشین، برای ایضاح بیشتر بحث مردم سالاری دینی و حقوق اقلیت ها در نظریه سیاسی امام خمینی(ره) مناسب است مباحث قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گیرد. این توجه از جهاتی دارای اهمیت است: از سویی قانون اساسی مورد تایید امام خمینی (ره) و غالب شهروندان ایرانی که اکثریت آنان مسلمان هستند، قرار گرفته؛ و از سویی دیگر، قانون اساسی مبنای عمل و میثاق ملی و منشور هبستگی و انسجام اجتماعی است و همه خود را موظف به عمل بر طبق آن می دانند. در ادامه حقوق اقلیت ها در قانون اساسی کاویده می شود؛ زیرا در هر صورت با توجه به این که «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است»(اصل ۱۲) اما در قانون اساسی تمهیداتی برای مذاهب و ادیان دیگر، که در نظام جمهوری اسلامی زندگی می کنند، اندیشیده شده است که اتفاقا با مردم سالاری دینی نیز همگامی و همخوانی دارد. برای مثال درباره مذاهب دیگر می خوانیم:

« مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند.»

علاوه بر این در همین اصل پیش بینی شده است که «در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.» این بخش از اصل دوازدهم این حق را برای اقلیت های مذهبی به رسمیت شناخته که هر کدام در منطقه خود دارای اکثریت است، مقررات محلی در حدود اختیارات

شوراها بر طبق مذهب آنان خواهد بود. این اصل هم چنین مشارکت سیاسی را که لازمه مردم سالاری است در بین اقلیت‌ها افزایش می‌دهد.

درباره پیروان سایر ادیان الهی که در ایران زندگی می‌کنند می‌گوید: «ایرانیان زردشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.» (اصل ۱۳)

اصل چهاردهم، به تصریح آیات خداوند، غیر مسلمانان را به طور عام مورد توجه قرار داده و به رفتار انسانی، همزیستی مسالمت آمیز و رعایت حسن سلوک با اقلیت‌های غیر مسلمان توصیه و سفارش می‌کند:

« به حکم آیه شریفه: لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم آن تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین. (ممتحنه، آیه ۸) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفاند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

تاکید عمده اصل فوق بر رعایت حقوق انسانی اقلیت‌ها از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان است. این حقوق انسانی همچنین با تصریح به اخلاق حسنه و قسط و عدل در این اصل در هم آمیخته است. این تاکیدات و تصریحات از آن رو است که در واقع گوهر دین و دیانت، عدالت و عدالت گستری است و انبیای الهی نیز برای برقراری و تحقق عدالت تلاش کرده‌اند:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط؛ به راستی که پیامبرانمان را همراه با پدیده‌های روشنگر فرو فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و سنجه فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.» (حدید، آیه ۲۵)

بدیهی است که در پرتو حکومت دینی و اندیشه اسلامی نمی‌توان به تبعیض میان مسلمان و غیر مسلمان حکم نمود. بنابراین تحقق عدالت برای همه به یکسان می‌بایست انجام گیرد و زیبنده مدعیان حکومت دینی نیست که نابرابری و بی‌عدالتی میان شهروندان مسلمان و غیر مسلمان وجود داشته باشد. البته رعایت انصاف درباره کلیه شهروندان، در قانون اساسی نیز پذیرفته شده است. در واقع تاکیدات قانون اساسی بر «جامعه ایران» و «انسان» خود نشان دهنده وسعت دید شریعت اسلام و نیز اندیشمندان مسلمان به مساله عدالت و انصاف است. در همین زمینه اصل بیستم به برابری غیر مسلمانان با مسلمانان در همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکم می‌کند:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

اصل نوزدهم بر نفی هرگونه تعصب قومی و قبیله‌ای تاکید می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.»

بند هشتم از اصل سوم بر: «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» تاکید دارد. از این رو اقلیت‌ها به عنوان مصداق عامه مردم می‌توانند در تعیین سرنوشت خویش در ابعاد مذکور مشارکت نمایند. این مشارکت هنگامی عملی خواهد شد که زمینه تاثیرگذاری آن در امور مزبور مهیا شود. از این رو اصل شصت و چهارم به این تاثیر گذاری در امر قانون‌گذاری اشعار دارد و می‌گوید: «زردشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.» بنابراین زمینه تاثیرگذاری اقلیت‌های دینی در امر قانون‌گذاری فراهم شده است ضمن این که اقلیت‌های مذهبی همانند شیعیان می‌توانند در هر کجا که بخواهند نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شوند و بر روند قانون‌گذاری تاثیر بگذارند.

اما از سوی دیگر بر طبق اصل هشتاد و چهارم، این نمایندگان در برابر تمامی ملت مسئول شمرده می‌شوند: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسایل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.»

موارد دیگری نیز می‌توان به مطالب فوق افزود. اما در هر صورت روح کلی قانون اساسی در برخورد با اقلیت‌های دینی و حتی اقلیت‌های مذهبی، مبتنی بر عدالت و انصاف است. این عدالت و انصاف، البته زمینه‌های مشارکت عمومی اقلیت‌ها را در سطح جامعه فراهم می‌سازد و حتی بر آن تاکید و توصیه می‌کند و چنین مشارکتی را حق شهروندان می‌شمارد. نمونه‌های فوق در مقایسه با اندیشه امام خمینی (ره) و مردم سالاری دینی نیز نتایج معنا داری را نصیب پژوهشگر می‌سازد که به پاره‌ای از آن‌ها در ضمن بحث اشاره شد.

## حقوق شهروندی در قوانین توسعه پنج ساله جمهوری اسلامی ایران

الف : قانون برنامه اول توسعه

در قانون برنامه اول توسعه تنها در یک بند به صورت ضمنی به مشارکت شهروندان اشاره شده است.

در بند ۲-۲ از خط مشی‌های قانون برنامه اول توسعه بر بازسازی و یا نوسازی مرکز جمعیتی و خدماتی آسیب دیده ضمن جلب مشارکت‌های وسیع مردمی و استفاده از سیستم بانکی در چهارچوب سیاست‌های پولی هماهنگ با برنامه، بازسازی واحدهای اقتصادی مناطق آسیب دیده و استراتژی دفاعی کشور تاکید دارد. گروه هدف آن در مرحله اول، شهروندان هستند و به نظر می‌رسد نوع مشارکت بیشتر از نوع کمک‌های مالی و در سطح اجرایی است.

### ب : قانون برنامه دوم توسعه

بند هشت اهداف کلان قانون توسعه دوم بر تقویت مشارکت عامه مردم و اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه تاکید دارد. در این بند که یکی از شانزده مورد اهداف کلان کیفی قانون برنامه دوم توسعه است، زمینه مشارکت، نظارت بر برنامه‌های دولتی و گروه هدف مشارکت، شهروندان به صورت عام است.

بند نه از خط مشی‌های اساسی دوم بر واگذاری فعالیت‌های اجرایی، فرهنگی، هنری، ورزشی به مردم و تقویت مشارکت عمومی با توجه به سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و نظارت دولت تاکید دارد. در این بند مشارکت، در زمینه‌های فرهنگی و ورزشی است و سطح مشارکت، تصمیم‌گیری و نظارت است و گروه هدف مشارکت را شهروندان تشکیل می‌دهند.

در بند سیزده از خط مشی‌های اساسی دوم بر مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی تاکید شده است.

بند پانزده از خط مشی‌های اساسی سوم بر ایجاد زمینه‌های لازم جهت مشارکت فعال جوانان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تقویت روحیه تعاون و مسوولیت‌پذیری دلالت دارد. در این بند، زمینه مشارکت (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) و گروه هدف مشارکت (جوانان) مشخص شده است. نکته قابل توجه آن است که مشارکت در جهت تقویت روحیه تعاون و مسوولیت‌پذیری جوانان است و این نشان می‌دهد که مفهوم مشارکت با دقت نظر بیشتری مورد استفاده قرار گرفته است.

بندهای یک، دو و سه از خط مشی‌های اساسی هشتم بر نکات زیر تاکید دارد:

تشویق و حمایت از ایجاد تشکلهای تخصصی در زمینه‌های مختلف:

توسعه نقش مردم در امور فرهنگی از طریق اصلاح قوانین و مقررات و روش‌ها و حمایت‌های

مالی و اعتباری از فعالیت‌های فرهنگی

گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر. در بند اول به روشنی زمینه و گروه هدف مشخص

شده است.

بند یک از خط مشی‌های اساسی پانزدهم مبین افزایش حمایت‌های قانونی و ایجاد تسهیلات جهت مشارکت هرچه بیشتر مردم در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تاکید بر جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی است.

### ج : قانون برنامه سوم توسعه

ماده دو فصل اول: که به منظور کاهش تصدی‌ها و تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت و فراهم نمودن زمینه توسعه مشارکت موثر مردم، بخش خصوصی و بخش تعاونی در اداره امور، تبیین دقیق وظایف واحدهای ملی و استانی در برنامه‌ریزی و اجرا و فراهم نمودن زمینه تحقق مطلوب اهداف برنامه سوم، دولت موظف است در طول سال اول برنامه، اصلاحات ساختاری لازم را در تشکیلات دولت به عمل آورد.

در بند الف از ماده ۱۶۱ فصل بیست و یکم بر بازسازی و ساخت سینماها و مجتمع‌های فرهنگی و تالارهای نمایش در شهرهایی که بیش از پانزده هزار (۱۵۰۰۰) نفر جمعیت دارند تاکید شده است. شهرداری‌های کشور می‌توانند راسا یا با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی برای ساخت و بازسازی سینماهای موجود از تسهیلات بانکی استفاده کنند. به نظر می‌رسد مشارکت در این ماده، واگذاری امور به بخش خصوصی است و زمینه‌های آن بازسازی یا ساخت اماکن فرهنگی - هنری است.

در بند ب از ماده ۱۶۲ فصل بیست و یکم دولت موظف شده است تا پایان سال اول برنامه سوم اقدامات قانونی لازم را در خصوص نحوه انجام فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌های اجرایی متولی امور فرهنگی اعم از دولتی، نهادها و سازمان‌های عمومی غیر دولتی را با هدف شفاف سازی مسوولیت‌های دولت در قبال تحولات فرهنگی، افزایش کارایی، حذف فعالیت‌های موازی، برقراری انضباط مالی، تنوع بخشیدن به روش‌های تامین منابع، فراهم آوردن زمینه‌های بیشتر مشارکت مردم در امور فرهنگی را در قالب طرح ساماندهی امور فرهنگی به عمل آورد.

این ماده بر هموارسازی و کاهش موانع مشارکت مردم در امور فرهنگی تاکید دارد و دولت را مکلف به ساماندهی امور فرهنگی می‌نماید. شهرداری در جایگاه نهاد عمومی غیر دولتی که به امور فرهنگی نیز توجه دارد می‌تواند موضوع این ماده قرار گیرد.

### د : حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم توسعه

ماده ۱۰۰:

دولت موظف است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسوولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام

اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، منشور حقوق شهروندی را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذیربط برساند:

الف: پرورش عمومی قانون مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی

ب: تامین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی، در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن

ج: هدایت فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی به سمت فرآیندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت

فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی

د: تامین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان

و زنان

ه: ترویج مفاهیم وحدت آفرین و احترام آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در

فرهنگ ملی

و: حفظ صیانت از حریم خصوصی افراد

ز: ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم جامعه

ماده ۱۱۹:

دولت موظف است به منظور ارتقای امنیت عمومی و انضباط اجتماعی، اقدام‌های لازم را برای

تحقق موارد ذیل به عمل آورد:

الف: آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانون مداری، نظم، مدارا و زیست سالم

ب: توسعه خطوط مواصلاتی، راه‌های مرزی و ارتقای مراودات و تبادل اطلاعات با کشورهای منطقه و

همسایگان به منظور مهار جرایم، قاچاق کالا و مواد مخدر، تردد غیر مجاز و خرابکاری، در قالب

توافقنامه‌های دو جانبه و چند جانبه و ترتیبات امنیت جمعی

ج: توسعه مشارکت همه ایرانیان، براساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم سازی، تصمیم گیری و

مدیریت اجرایی کشور

د: تعمیق شناخت مولفه‌های قدرت ملی و ترویج روحیه دفاع از منابع ملی و مخالفت با ظلم و

سلطه‌گری

ه: ایمن سازی ساختار و پراکندگی جمعیت (به ویژه در مرزهای کشور) در پرتو مولفه‌ها و ملاحظات

امنیتی به منظور پرهیز از عدم تعادل جمعیت

و: تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه محوری، مشارکت همگانی و

جایگزینی ارزش‌ها و کنترل‌های درونی به جای رویکرد امنیتی و ارتقای احساس امنیت در جامعه

ز: مبارزه با زمینه‌های بروز بی‌هنجاری، ناسازگاری اجتماعی، خشونت سیاسی و خشونت شهری

ح: حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی گروه‌های مختلف مردم و پیشگیری از بحران‌های منزلتی

ط: تهیه ساز و کارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی، برای تامین نظم و امنیت عمومی

ی: تهیه ساز و کارهای لازم جهت تقویت نهادهای مدنی و احزاب در کشور



قوه قضائیه موظف است لوایح ذیل را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند:

الف: لایحه (جرم زدایی از قوانین کیفری) به منظور جلوگیری از آثار سوءناشی از جرم انگاری در مورد تخلفات کم اهمیت، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و جلوگیری از گسترش بی رویه قلمرو حقوق جزا و تضييع حقوق و آزادی‌های عمومی.

ب: لایحه (جایگزین‌های مجازات حبس) به منظور بهره‌گیری از روش‌های نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه و هم‌چنین ایجاد تناسب بیشتر میان جرم و مجازات و شخصیت مجرم

ج: لایحه (حمایت از حقوق شهود و متهمان)

د: لایحه (حمایت از بزه دیدگان اجتماعی)

ه: لایحه (حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد، در راستای اجرای اصل بیستم (۲۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

و: لایحه (تعریف جرم سیاسی و تفکیک آن از سایر جرایم)

استقرار نظام قضایی سریع، دقیق، بالسویه در دسترس، ارزان، قابل پیش‌بینی قانونی، منصفانه و قاطع

پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت خصوصی و معنوی، در قلمرو قضایی

رفع هرگونه تبعیض قومی و گروهی، در قلمرو حقوقی و قضایی

تمهید ساز و کارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم، براساس اصل یکصد و پنجاه و ششم (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات (M.I.S) عملیات و مدیریت قضایی به منظور سرعت بخشیدن به عملیات و مدیریت کارآمد، اصلاح فرآیندها و بهبود روش‌های انجام امور قضایی، تا پایان برنامه

چهارم

فراهم نمودن زمینه تشکیل نهادهای داوری غیر دولتی

به منظور اجرای اصل سی و پنجم (۳۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز به منظور

تامین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی هر یک از اصحاب دعوی، حق انتخاب، معرفی و

حضور وکیل، در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضایی را به

استثنای مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد و یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد

می شود، دارند.

ماده ۸۴:

دولت موظف است، به منظور نهادینه کردن مدیریت، سیاستگذاری، ارزشیابی و هماهنگی این

قلمرو از جمله: امنیت غذا و تغذیه در کشور، تامین سبد مطلوب غذایی و کاهش بیماری‌های ناشی از

سوء تغذیه و گسترش و سلامت همگانی در کشور، اقدام‌های ذیل را به عمل آورد:

الف: تشکیل عالی سلامت و امنیت غذایی با ادغام شورای غذا و تغذیه و شورای عالی سلامت پس از طی مراحل قانونی.

ب: تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی لازم به منظور ارتقای فرهنگ و سواد تغذیه‌ای جامعه. سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و دستگاه‌های اجرایی مکلف‌اند در تدوین و اجرای برنامه جامع یاد شده با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی همکاری و از تبلیغ کالاهای مضر به سلامتی خودداری نمایند.

ج: تخصیص منابع اعتباری، تسهیلات بانکی و یارانه‌های لازم برای تولید، تامین، توزیع و مصرف مواد غذایی، در جهت دستیابی به سبد مطلوب غذایی و اختصاص منابع لازم برای شروع و تدارک برای ترویج غذای سالم در قالب میان وعده غذایی دانش آموزان و هم‌چنین کمک غذایی برای اقشار نیازمند.

د: تهیه و اجرای برنامه‌های:

ایمنی غذا

کاهش ضایعات مواد غذایی از تولید به مصرف

دولت موظف است، به منظور نهادینه کردن مدیریت، سیاست‌گذاری، ارزشیابی و هماهنگی این قلمرو از جمله:

امنیت غذا و تغذیه در کشور تامین سبد مطلوب غذایی و کاهش بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه و گسترش سلامت همگانی در کشور اقدام‌های ذیل را به عمل آورد:

ماده ۸۶:

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دستگاه‌های ذی‌ربط مکلف‌اند، تا پایان سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اقدامات لازم را جهت کاهش خطرات و زیان‌های فردی و اجتماعی اعتیاد، پیش‌گیری و درمان ایدز و نیز کاهش بار بیماری‌های روانی معمول دارند.

ماده ۹۰:

به منظور ارتقای عدالت توزیعی در دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی و در جهت کاهش سهم خانوارهای کم درآمد و آسیب پذیر از هزینه‌های بهداشتی و درمانی آن‌ها توزیع منابع و امکانات بهداشتی و درمانی باید به نحوی صورت گیرد که (شاخص مشارکت عادلانه مالی مردم) به نود درصد (۹۰٪) ارتقاء یابد و سهم مردم از هزینه‌های سلامت حداکثر از سی درصد (۳۰٪) افزایش نیابد و میزان خانوارهای آسیب‌پذیر از هزینه‌های غیر قابل تحمل سلامت به یک درصد (۱٪) کاهش یابد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است، با مشارکت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آیین‌نامه چگونگی متعادل نمودن سهم مردم در تامین منابع بهداشت و

درمان برای تحقق اهداف مذکور را ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارایه نماید.

ماده ۹۸:

دولت مکلف است به منظور حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای رضایت‌مندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی طی سال اول برنامه چهارم، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:

الف: تهیه ساز و کارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی کشور.

ب: ارایه گزارش سالانه سرمایه اجتماعی کشور و احصای علل و عوامل تاثیر گذار بر آن.

ج: تصویب ساز و کارهای اجرایی لازم جهت افزایش سرمایه اجتماعی اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، قانون‌گرایی و وجدان فردی و اجتماعی.

د: ارزیابی رضایت‌مندی عمومی به صورت سالانه و انتشار تغییرات آن در اثر عملکرد عمومی حاکمیت.

ه: تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان، در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن در مراجع ذیربط.

و: تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمان‌ها، نهادهای غیر دولتی و شوراهای اسلامی، در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی، با اعمال سیاست‌های تشویقی.

ز: حقوق شهروندی در سیاست‌های کلی برنامه پنجم

تاکید بر رویکرد انسان سالم و سلامت همه جانبه با توجه به:

یکپارچگی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ارزشیابی، نظارت و تخصیص منابع عمومی.

ارتقاء شاخص‌های سلامت هوا، امنیت غذا، محیط و بهداشت جسمی و روحی.

کاهش مخاطرات و آلودگی‌های تهدید کننده سلامت.

اصلاح الگوی تغذیه جامعه با بهبود ترکیب و سلامت مواد غذایی.

توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت و کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت به ۳۰٪ تا پایان برنامه پنجم.

ارتقاء امنیت اجتماعی:

مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روانگردان و اهتمام به اجرای سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر.

سامان بخشی مناطق حاشیه نشین و پیش‌گیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن

استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیش‌گیری و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی.

تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

حمایت از آزادی‌های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت.

## ی - حقوق شهروندی در قانون برنامه پنجم توسعه

### فصل هشتم : حقوقی قضایی ماده ۲۱۱

الف: قوه قضاییه مکلف است به منظور کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، ایجاد پلیس قضایی، استانداردسازی ضمانت اجرای کیفری و جایگزین کردن ضمانت اجرای غیر کیفری موثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی حداکثر تا پایان سال اول برنامه لوایح قضایی مورد نیاز را تهیه نماید تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد.

ب: در اجرای بند ۱۲ سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی نیازهای قوه قضاییه در زمینه‌های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۸ قانون اساسی در طول برنامه به نحوی تامین گردد که سالانه ده درصد ۱۰٪ از پست‌های بلا تصدی مصوب موجود در پایان سال ۱۳۸۸ تکمیل گردد.

**تبصره:** سقف جذب قضات سالانه تا ۸۰۰ نفر است.

ج: در اجرای بندهای ۱۲، ۱۱، ۸، ۶، ۱ سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی، قوه قضاییه موظف است اقدامات زیر در جهت تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها را انجام دهد:

تقویت و سازماندهی نهادهای نظارتی از جمله دیوان عالی کشور بر عملکرد محاکم و کارکنان قضایی و اداری جهت افزایش دقت در انجام امور محوله

تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضایی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصصی آنان تا پایان سال اول برنامه

**تبصره:** کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی ضابط قوه قضاییه می‌باشند مکلفند با درخواست قوه قضاییه نسبت به اجرای آموزش‌های تخصصی مربوطه زیر نظر قوه قضاییه اقدام نمایند.

د: به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی اصلاح رفتار حقوقی و قضایی مردم، نهادینه سازی فرهنگ قانون مداری و نیز در راستای پیش‌گیری از وقوع جرایم و کاهش دعاوی حقوقی، اقدامات ذیل انجام می‌شود:

آموزش همگانی طبق برنامه مصوب قوه قضاییه از طریق صدا و سیما

آموزش همگانی حقوق شهروندی در خصوص امور مالیاتی، اداری، کار و تامین اجتماعی، محیط زیست، بانکی، بیمه‌ای و مشابه آن توسط دستگاه‌های ذیربط از طریق صدا و سیما

پیش بینی مواد درسی لازم برای آموزش‌های مذکور در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه

**تبصره:** سازمان و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است در اجرای اجزاء ۱ و ۲ زمان مناسب را برای پخش برنامه‌هایی که در این خصوص توسط قوه قضاییه، دستگاه‌های مربوطه یا ان سازمان تهیه می‌شود، اختصاص دهد.

قوه قضائیه مکلف است تا سال دوم برنامه ترتیبی اتخاذ نماید که ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص، آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط آنلاین در معرض تحلیل و نقد صاحب نظران و متخصصان قرار گیرد.

## فصل پنجم

# مبانی حقوق شهروندی در دولت جمهوری اسلامی ایران

## مسئولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی (حقوق شهروندی) اصل ۱۱۳ قانون اساسی

فصل دوم مواد ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ وظایف رییس جمهور در صیانت از قانون اساسی (حقوق شهروندی)

**ماده ۱۳:**

به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رییس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پی گیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می باشد.

**ماده ۱۴:**

در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی رییس جمهور در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون اساسی به نحو مقتضی اقدام می نماید و برای این منظور می تواند مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه برساند و علت توقف یا عدم اجرا را خواستار گردد. مقام مسئول موظف است پاسخ خود را مشروحا و با ذکر دلیل به اطلاع رییس جمهور برساند. در صورتی که پس از بررسی به دستور رییس جمهور توقف یا عدم اجرا ثابت گردد، نسبت به اجرای اصل یا اصول مربوطه و رفع عوارض ناشی از تخلف اقدام و در صورتی که تخلف مربوط به نخست وزیر و وزراء باشد به مجلس شورای اسلامی ارجاع می دهد و در غیر این صورت پرونده امر به مرجع صالح ارجاع خواهد شد.

**ماده ۱۵:**

به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رییس جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه گانه کشور را دارد.

**ماده ۱۶:**

رییس جمهور می تواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجرا، نقص و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذ تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند.

## منشور حقوق شهروندی

**حقوق شهروندی در قانون چهارم توسعه** (تهیه شده در کمیته حقوقی اداره صیانت از حقوق شهروندی)

مطابق ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است به منظور ارتقای حقوق انسانی استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسوولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، با انضباط، با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایران بودن، منشور حقوق شهروندی را تنظیم و به تصویب مراجع ذیربط برساند.

از این‌رو ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندان مرکز امور اجتماعی وزارت کشور بر مبنای ابلاغیه شماره ۱۶۹۴۲ تاریخ ۸۷/۹/۲۱ ریاست محترم جمهوری به وزیر کشور وقت و در راستای اجرایی نمودن اصول قانون اساسی در حوزه شهروندی و ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه مبادرت به تهیه و تدوین منشور حقوق شهروندی نموده است.

### ✻ منشور

- ۱- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا حفظ شود.
- ۲- برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، محیط با شرایط مساعد فراهم شود.
- ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه در تمام سطوح رایگان باشد و هم‌چنین تحصیلات در سطوح آموزش عالی، تسهیل و تعمیم یابد.
- ۴- آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون تامین شود.
- ۵- عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش مشارکت داشته باشند.

- ۶- تبعیضات ناروا رفع و امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی ایجاد گردد.
- ۷- رفاه ایجاد و فقر رفع گردد و هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت برطرف و بیمه تعمیم داده شود.
- ۸- حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد تامین شود و امنیت قضایی عادلانه برای همه ایجاد و عموم در برابر قانون مساوی باشند.
- ۹- هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی کشور کمترین خدشه ای وارد نماید.
- ۱۰- هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.
- ۱۱- قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط به آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن پیش بینی و تهیه و روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی استوار شود.
- ۱۲- حفظ حقوق اقلیت های دینی در حدود قانون فراهم و در انجام مراسم دینی خود آزاد باشند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل کنند.
- ۱۳- حقوق دیگر مذاهب مصرح در قانون اساسی در زمینه انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت دینی، احوال شخصیه و هم چنین دعاوی مربوط به آنها در دادگاه ها حفظ و محترم شمرده شود.
- ۱۴- مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود.
- ۱۵- همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
- ۱۶- حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین شود.
- ۱۷- زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او فراهم شود.
- ۱۸- مادران مورد حمایت قرار گیرند، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و از کودکان بی سرپرست نیز حمایت گردد.
- ۱۹- برای حفظ کیان و بقای خانواده دادگاه صالح ایجاد گردد.
- ۲۰- برای بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست بیمه خاص ایجاد گردد.
- ۲۱- به مادران شایسته حق قیومیت فرزندان در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی اعطاء گردد.
- ۲۲- حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
- ۲۳- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.
- ۲۴- نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.
- ۲۵- احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری



- اسلامی را نقص نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.
- ۲۶- تشکیل اجتماعات و راه پیمائی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبنای اسلام نباشد آزاد است.
- ۲۷- هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.
- ۲۸- با رعایت نیاز جامعه برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل وجود داشته باشد.
- ۲۹- برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.
- ۳۰- برای همه ملت وسایل آموزش و پرورش از دوره متوسطه تا تحصیلات عالی فراهم و گسترش یابد.
- ۳۱- داشتن مسکن متناسب نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است.
- ۳۲- هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.
- ۳۳- دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.
- ۳۴- در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.
- ۳۵- حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.
- ۳۶- اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.
- ۳۷- هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.
- ۳۸- هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.
- ۳۹- هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.
- ۴۰- تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.
- ۴۱- حق آزادی افراد در انتخاب شغل و عدم اجبار آن‌ها به کاری معین محترم و رعایت گردد و از بهره‌کشی از کار دیگری جلوگیری شود.
- ۴۲- هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

- ۴۳- مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند.
- ۴۴- آزادی و حرمت اشخاص و حقوق ملت محترم شمرده شود و مورد حمایت قرار گیرد.
- ۴۵- نباید از قانون استفاده ابزاری شود و قانون را باید بر اساس تفسیرهای سازگار با موازین حقوق بشر اسلامی به اجرا درآورد.
- ۴۶- با ایجاد نهاد های مناسب شرابطی فراهم شود تا قانون وسیله اعمال خشونت های ناروا و موهن قرار نگیرد.
- ۴۷- خشونت، بی عدالتی و تبعیض، شکل قانونی به خود نگیرد.
- ۴۸- حریم خصوصی افراد محترم شمرده شود.
- ۴۹- حق دسترسی آزاد به اطلاعات، حق مردم در تعیین سرنوشت خویش و نظارت و مشارکت سیاسی آنان باید از طریق، توسعه و تقویت جامعه مدنی، برگزاری انتخابات رقابتی، آزاد و منصفانه، حمایت از مطبوعات و رسانه های مستقل و جلوگیری از سانسور محقق و تضمین گردد.
- ۵۰- امنیت انسانی که شامل آحاد مردم است تا آزادانه و بدون ترس و رها از نیاز، تحت حمایت قانون فعالیت و زندگی کنند. امنیت شغلی آحاد مردم به ویژه برای هنرمندان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی، ورزشکاران، معلمان، اساتید دانشگاه و کارگران فراهم و تامین گردد.
- ۵۱- اقشار مختلف مردم بویژه زنان، کودکان، روستائیان، کشاورزان، کارگران و سالمندان از تامین اجتماعی مناسب و مطلوب برخوردار شوند.
- ۵۲- زمینه های مناسب برای ابراز شادی و تقویت و ارتقاء نشاط اجتماعی و امید به زندگی در جامعه فراهم شود.
- ۵۳- حقوق اقوام مختلف در کشور به رسمیت شناخته شود و آنها نیز در اداره امور خود سهیم باشند.
- ۵۴- حقوق اقلیت های دینی و کرامت انسانی آنها به رسمیت شناخته و محترم شمرده شود.

# منشور حقوق شهروندی

## مقدمه

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت ایران این حق را از طریق اصول قانون اساسی اعمال کرده؛ و به‌موجب اصول ۱۱۳ و ۱۲۱، مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را بر عهده رئیس‌جمهور نهاده است. رئیس‌جمهور که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پشتیبانی از حق، گسترش عدالت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی افراد و حقوق ملت در قانون اساسی به خداوند سوگند یاد کرده است، «منشور حقوق شهروندی» را به‌مثابه برنامه و خط‌مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران اعلام می‌کند.

این منشور با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط‌مشی دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آن‌ها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت. برای دستیابی به این هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکل‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی ضروری است.

مواد مختلف این منشور باید در هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود تفسیر و اجرا شود و نباید موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها که در قوانین و یا تعهدات بین‌المللی کشور شناسایی شده است، گردد.

## الف- حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی

ماده ۱- شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی‌توان از آن‌ها سلب کرد مگر به‌موجب قانون.

ماده ۲- شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند.

ماده ۳- حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به‌خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند.

ماده ۴- حق کودکان است که صرف‌نظر از جنسیت به‌طور خاص از هرگونه تبعیض، آزار و بهره‌کشی مصون و از حمایت‌های اجتماعی متناسب از جمله در حوزه سلامت، مراقبت در مقابل بیماری‌های روحی، روانی و جسمانی و خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند.

ماده ۵- حق توان‌خواهان (شهروندان دارای معلولیت) و سالمندان نیازمند است که از امکانات درمانی و توان‌بخشی برای بهبودی و یا توانمند شدن در جهت زندگی مستقل و مشارکت در جنبه‌های زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۶- شهروندان حق دارند از محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و دینی و تعالی معنوی برخوردار شوند. دولت همه امکانات خود را برای تأمین شرایط لازم جهت بهره‌مندی از این حق به کار می‌گیرد و با مفاسد اخلاقی از جمله دروغ، ریا، تملق، نابداری، بی‌تفاوتی، تنفر، بی‌اعتمادی، افراط‌گری و نفاق در جامعه مبارزه می‌کند.

## ب- حق کرامت و برابری انسانی

ماده ۷- شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی‌شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره‌مند هستند.

ماده ۸- اعمال هرگونه تبعیض ناروا به‌ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است. دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی، خودداری کند.

ماده ۹- حیثیت و اعتبار شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شخص، مقام یا رسانه‌ای به‌ویژه آن‌هایی که از بودجه و امکانات عمومی استفاده می‌کنند نباید با رفتار یا بیان اهانت‌آمیز نظیر هجو و افترا، حتی از طریق نقل قول، به اعتبار و حیثیت دیگران لطمه وارد کند.

ماده ۱۰- توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، ممنوع است.

ماده ۱۱- زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.

### پ- حق آزادی و امنیت شهروندی

ماده ۱۲- آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.

ماده ۱۳- هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به‌ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.

ماده ۱۴- شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و مأموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند.

### ت- حق مشارکت در تعیین سرنوشت

ماده ۱۵- شهروندان به شکل برابر از حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش برخوردارند و می‌توانند این حق را از طریق همه‌پرسی یا انتخابات آزاد و منصفانه اعمال کنند.

ماده ۱۶- شهروندان برای مشارکت و نظارت در فرآیند انتخابات، برخورداری از امکانات و امتیازات دولتی (از جمله یارانه، تبلیغات رادیویی، تلویزیونی و مانند این‌ها)، بهره‌مندی از کمک‌های مردمی و سایر روش‌های تأمین هزینه‌های انتخاباتی، شکایت و اعتراض به تخلفات انتخاباتی نزد مقامات صلاحیت‌دار، از حقوق برابر برخوردارند.

ماده ۱۷- تصمیمات، اقدامات یا اظهارات مقامات و مسئولان دولتی، عوامل اجرایی و نظارتی و مأمورین نظامی، انتظامی و امنیتی پیش از انتخابات، در جریان بررسی شرایط نامزدهای انتخاباتی و پس از انتخابات باید کاملاً شفاف، بی‌طرفانه و قانونمند باشد به‌گونه‌ای که حتی شائبه تقلب یا تخلف، یا حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

ماده ۱۸- صداوسیما و همه رسانه‌هایی که از بودجه یا اموال عمومی استفاده می‌کنند، باید بی‌طرفی کامل را در مراحل مختلف انتخابات رعایت کنند تا شائبه حمایت از نامزد یا نامزدهای خاص به وجود نیاید.

### ث- حق اداره شایسته و حسن تدبیر

ماده ۱۹- شهروندان از حق اداره شایسته امور کشور بر پایه‌ی قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف برخوردارند. رعایت این حق توسط همه مسئولین و کارکنان الزامی است.

ماده ۲۰- حق شهروندان است که امور اداری آن‌ها با رعایت قانون، بی‌طرفانه و به دور از هرگونه منفعت‌جویی یا غرض‌ورزی شخصی، رابطه خویشاوندی، گرایش‌های سیاسی و پیش‌داوری، در زمان معین و متناسب رسیدگی و انجام شود.

ماده ۲۱- حق شهروندان است که چنانچه تصمیمات نهادهای اداری و یا کارکنان را خلاف قوانین و مقررات بدانند، از طریق مراجعه به مراجع اداری و قضائی صالح، تقاضای احقاق حق کنند.

ماده ۲۲- حق شهروندان است که از تصمیمات و اقدامات اداری که به‌نوعی حقوق و منافع مشروع آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، آگاه شوند.

ماده ۲۳- مقامات و مأموران اداری باید در روابط خود با شهروندان پاسخگو و قابل‌دسترس باشند و چنانچه درخواستی را رد کنند باید حسب تقاضا، به‌صورت مکتوب پاسخ داده و حداکثر راهنمایی را در چارچوب صلاحیت‌های خود ارائه نمایند.

ماده ۲۴- حق شهروندان است که از دولتی برخوردار باشند که متعهد به رعایت اخلاق حسنه، راست‌گویی، درستکاری، امانت‌داری، مشورت، حفظ بیت‌المال، رعایت حق‌الناس، توجه به وجدان و افکار عمومی، اعتدال و تدبیر و پرهیز از تندروی، شتاب‌زدگی، خودسری، فریبکاری، مخفی‌کاری و دست‌کاری در اطلاعات و پذیرفتن مسئولیت تصمیمات و اقدامات خود، عذرخواهی از مردم در قبال خطاها، استقبال از نظرات مخالفین و منتقدین و نصب و عزل بر مبنای شایستگی و توانایی افراد باشد.

### ج- حق آزادی اندیشه و بیان

ماده ۲۵- شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد.

ماده ۲۶- هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه

جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قوانین تضمین کند.

ماده ۲۷- شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند.

ماده ۲۸- شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست.

ماده ۲۹- دولت از آزادی، استقلال، تکثر و تنوع رسانه‌ها در چارچوب قانون حمایت می‌کند. هیچ مقامی حق ندارد برخلاف موازین قانونی برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات یا مطالب درصدد اعمال فشار بر مطبوعات و سایر رسانه‌ها برآید یا به سانسور یا کنترل نشریات و سایر رسانه‌ها مبادرت نماید.

### چ- حق دسترسی به اطلاعات

ماده ۳۰- حق شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. همه دستگاه‌ها و نهادها موظف به انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی‌شده و موردنیاز جامعه می‌باشند.

ماده ۳۱- حق شهروندان است که به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات عمومی جمع‌آوری و نگهداری می‌شود دسترسی داشته باشند و در صورت مشاهده اشتباه، خواستار اصلاح این اطلاعات گردند. اطلاعات خصوصی مربوط به افراد را نمی‌توان در اختیار دیگران قرار داد، مگر به‌موجب قانون یا با رضایت خود افراد.

ماده ۳۲- کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب با سن خود دسترسی داشته باشند و نباید در معرض محتوای غیراخلاقی، خشونت‌آمیز یا هر نوع محتوایی قرار گیرند که موجب غلبه ترس یا بروز آسیب جسمی یا روانی شود.

### ح- حق دسترسی به فضای مجازی

ماده ۳۳- حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پارازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است.

ماده ۳۴- حق شهروندان است که از مزایای دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک، فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران به صورت غیر تبعیض‌آمیز برخوردار شوند.

ماده ۳۵- حق شهروندان است که از امنیت سایبری و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی برخوردار باشند.

#### خ- حق حریم خصوصی

ماده ۳۶- حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.

ماده ۳۷- تفتیش، گردآوری، پردازش، به‌کارگیری و افشای نامه‌ها اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی، اطلاعات و داده‌های شخصی و نیز سایر مراسلات پستی و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، نمابر، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی و مانند این‌ها ممنوع است مگر به موجب قانون.

ماده ۳۸- گردآوری و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان جز با رضایت آگاهانه یا به حکم قانون ممنوع است.

ماده ۳۹- حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آن‌ها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود. در اختیار قرار دادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهادهای قضایی و اداری صالح منحصرأ در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. هیچ مقام و مسئولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانونی، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آن‌ها را افشا کند.

ماده ۴۰- هرگونه بازرسی و تفتیش بدنی باید با رعایت قوانین، احترام لازم و با استفاده از روش‌ها و ابزار غیر اهانت‌آمیز و غیر آزاردهنده انجام شود. همچنین آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری بدون مجوز قانونی ممنوع است.

ماده ۴۱- کنترل‌های صوتی و تصویری خلاف قانون در محیط‌های کار، اماکن عمومی، فروشگاه‌ها و سایر محیط‌های ارائه خدمت به عموم، ممنوع است.

ماده ۴۲- حق شهروندان است که حرمت و حریم خصوصی آن‌ها در رسانه‌ها و تریبون‌ها رعایت شود. در صورت نقض حرمت افراد و ایجاد ضرر مادی یا معنوی، مرتکبین طبق مقررات قانونی مسئول و موظف به جبران خسارت می‌باشند.

#### د- حق تشکل، تجمع و راهپیمایی

ماده ۴۳- شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود.

ماده ۴۴- حق شهروندان است که در قالب اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و نظام‌های صنفی در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قانون مشارکت مؤثر داشته باشند.



ماده ۴۵- فعالیت‌های مدنی در حوزه‌های حقوق شهروندی حق هر شهروند است. سازمان‌های مردم‌نهاد باید حق دسترسی به اطلاعات و دادگاه صالح را برای دادخواهی در مورد نقض حقوق شهروندی داشته باشند.

ماده ۴۶- حق شهروندان است که آزادانه و با رعایت قانون نسبت به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و شرکت در آن‌ها اقدام کنند و از بی‌طرفی دستگاه‌های مسئول و حفاظت از امنیت اجتماعات برخوردار شوند.

### ذ- حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد

ماده ۴۷- حق مسلم هر فرد ایرانی است که از مزایای تابعیت ایران بهره‌مند شود و کسی نمی‌تواند مانع استیفای این حق شود.

ماده ۴۸- حق هر شهروند است که آزادانه در داخل کشور رفت‌وآمد کند و از ایران خارج و یا به ایران وارد شود، مگر این‌که به‌موجب قانون این حق محدود شده باشد.

ماده ۴۹- حق شهروندان است که در هر نقطه از سرزمین ایران، اقامت و سکونت کنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل موردعلاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

ماده ۵۰- اتباع ایرانی در هر نقطه از جهان حق دارند از خدمات و حمایت‌های حقوقی، کنسولی و سیاسی دولت ایران بهره‌مند شوند.

### ر- حق تشکیل و برخورداری از خانواده

ماده ۵۱- حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام نمایند.

ماده ۵۲- حق شهروندان است که از امکانات آموزشی، مشاوره‌ای و پزشکی لازم در امر ازدواج بهره‌مند باشند.

ماده ۵۳- حق شهروندان است که از تدابیر و حمایت‌های لازم برای تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده، تسهیل ازدواج مبتنی بر ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی برخوردار شوند.

ماده ۵۴- حق همه شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.

ماده ۵۵- حق کودکان است که از والدین و سرپرستان صلاحیت‌دار بهره‌مند باشند. جدا کردن کودکان از والدین و سرپرستان قانونی آن‌ها، صرفاً بر اساس قانون خواهد بود.

### ز- حق برخورداری از دادخواهی عادلانه

- ماده ۵۶- حق شهروندان است که به منظور دادخواهی آزادانه و با سهولت به مراجع صالح و بی طرف قضایی، انتظامی، اداری و نظارتی، دسترسی داشته باشند. هیچ کس را نمی توان از این حق محروم کرد.
- ماده ۵۷- اصل بر برائت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی شود مگر این که اتهام او در دادگاه های صالح و با رعایت اصول دادرسی عادلانه از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات، استقلال و بی طرفی مرجع قضایی و قضات، حق دفاع، شخصی بودن مسئولیت جزایی، رسیدگی در مدت زمان معقول و بدون اطاله دادرسی و با حضور وکیل، اثبات شود. احکام باید مستدل و مستند به قوانین و اصول مربوط صادر شود.
- ماده ۵۸- حق شهروندان است که از بدو تا ختم فرایند دادرسی در مراجع قضایی، انتظامی و اداری به صورت آزادانه وکیل انتخاب نمایند. اگر افراد توانایی انتخاب وکیل در مراجع قضایی را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. در راستای استیفای خدشه ناپذیر حق دفاع، از استقلال حرفه ای و کلا حمایت خواهد شد.
- ماده ۵۹- اصل، برگزاری علنی محاکمات است و شهروندان حق دارند در صورت تمایل در جلسات رسیدگی حضور یابند. موارد استثناً صرفاً به حکم قانون می باشد.
- ماده ۶۰- شهروندان (اعم از متهم، محکوم و قربانی جرم) از حق امنیت و حفظ مشخصات هویتی شان در برابر مراجع قضایی، انتظامی و اداری برخوردارند و نباید کمترین خدشه ای به شأن، حرمت و کرامت انسانی آنها وارد شود. هرگونه رفتار غیرقانونی مانند شکنجه جسمی یا روانی، اجبار به ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و توهین به متهم یا محکوم، نقض حقوق شهروندی است و علاوه بر این که موجب پیگرد قانونی است، نتایج حاصل از این رفتارها نیز قابل استناد علیه افراد نیست.
- ماده ۶۱- محاکمه شهروندانی که با اتهامات سیاسی یا مطبوعاتی مواجه می باشند صرفاً در دادگاه های دادگستری، به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه انجام می شود. انتخاب اعضای هیئت منصفه باید تجلی وجدان عمومی و برآیند افکار و نظرات گروه های اجتماعی مختلف باشد.
- ماده ۶۲- حق شهروندان است که از بازداشت خودسرانه و بازرسی فاقد مجوز مصون باشند. هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خانواده و بستگان افراد در معرض اتهام و بازداشت ممنوع است.
- ماده ۶۳- حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل آگاهی داشته باشند و از فرصت مناسب برای ارائه شکایت یا دفاعیات خود، ثبت دقیق مطالب ارائه شده در همه مراحل دادرسی، نگهداری در بازداشتگاه ها یا زندان های قانونی و اطلاع خانواده از بازداشت بهره مند شوند.
- ماده ۶۴- بازداشت شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند که از حقوق شهروندی مربوط به خود از قبیل تغذیه مناسب، پوشاک، مراقبت های بهداشتی و درمانی، ارتباط و اطلاع از خانواده، خدمات آموزشی و فرهنگی، انجام عبادات و احکام دینی بهره مند باشند.
- ماده ۶۵- تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه های کیفری، حقوقی، اداری و مراجع شبه قضایی بر اساس معیارهای قانونی، حق شهروندان است.

ماده ۶۶- حق همه بازداشت‌شدگان موقت و محکومان است که پس از پایان بازداشت یا اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود بازگردند و از همه حقوق شهروندی به ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند. محرومیت اجتماعی هر محکوم جز در موارد مصرح قانونی و در حدود و زمان تعیین شده ممنوع است.

ماده ۶۷- دولت با همکاری سایر قوا و مراجع حاکمیتی برای ارتقای نظام حقوقی ایران و ایجاد الگوی کارآمد، با تأکید بر رعایت حقوق دادخواهی، اقدامات لازم را معمول خواهد داشت.

## ژ- حق اقتصاد شفاف و رقابتی

ماده ۶۸- شهروندان در حق دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و امکانات و خدمات عمومی و دولتی برابرند. انعقاد قراردادهای و پیمان‌های بخش عمومی و دولتی با بخش خصوصی و اعطای هر نوع مجوز در حوزه اقتصادی به شهروندان باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط و رقابت منصفانه در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات انجام شود.

ماده ۶۹- حق شهروندان است که از فرایند وضع، تغییر و اجرای سیاست‌ها، قوانین و مقررات اقتصادی اطلاع داشته باشند و نظرات خود را به اطلاع مرجع تصویب‌کننده برسانند و با فاصله زمانی مناسب از اتخاذ تصمیمات متفاوت با سیاست‌ها و رویه‌های پیشین مطلع شوند تا بتوانند خود را برای وقوع تغییرات آماده کنند و پس از اتخاذ تصمیم و برای رعایت اصل شفافیت، شهروندان حق دارند با اطلاع‌رسانی عمومی از تصمیمات آگاهی یابند.

ماده ۷۰- حق شهروندان است که به صورت برابر و با شفافیت کامل از اطلاعات اقتصادی و از جمله اطلاعات مربوط به برگزاری مزایده‌ها و مناقصه‌ها مطلع شوند.

ماده ۷۱- دولت فضای قانونمند، شفاف و رقابتی منصفانه را برای انجام انواع فعالیت‌های اقتصادی شهروندان و امنیت سرمایه‌گذاری آن‌ها تضمین می‌کند.

ماده ۷۲- دولت به منظور تأمین حقوق اقتصادی شهروندان و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، شرایط لازم در خصوص تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، ساده‌سازی، صراحت و ثبات در تصمیمات اقتصادی، گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای، ایجاد تمهیدات لازم را برای حضور فعالان اقتصادی ایران در بازارهای جهانی، حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش روز، تنظیم هدفمند صادرات و واردات، مقابله با جرائم سازمان‌یافته اقتصادی، پول‌شویی و قاچاق کالا و ارز فراهم می‌کند.

## س- حق مسکن

ماده ۷۳- حق شهروندان است که از مسکن ایمن و متناسب با نیاز خود و خانواده‌شان بهره‌مند شوند. دولت بر اساس نیاز و با رعایت اولویت و امکانات زمینه استیفای این حق را فراهم می‌نماید.

ماده ۷۴- دولت با اتخاذ تدابیر و وضع مقررات لازم، زمینه تأمین و بهبود وضعیت مسکن متناسب با ویژگی‌های بومی و ارزش‌های فرهنگی، اجرای مقررات ملی ساختمان و طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراهم می‌نماید.

## ش - حق مالکیت

ماده ۷۵- حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است. هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب، یا اموال او را مصادره یا ضبط یا توقیف کند یا نسبت به حقوق مالی یا مالکیت او ممانعت، مزاحمت یا محدودیت ایجاد کند، مگر به موجب قانون.

ماده ۷۶- انواع مالکیت‌های فکری از جمله مالکیت ادبی، هنری و صنعتی با رعایت قانون، محترم و مورد حمایت است و شهروندان حق دارند که در چهارچوب قانون از حمایت‌های لازم برای خلق و عرضه آثار هنری و انتفاع از حقوق مادی و معنوی ناشی از آن‌ها در داخل و خارج از کشور برخوردار شوند.

## ص - حق اشتغال و کار شایسته

ماده ۷۷- حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ‌کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی و یا اختلاف‌نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند.

ماده ۷۸- شهروندان از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه موردنظر خود طبق موازین قانونی به‌گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به‌صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید.

ماده ۷۹- حق شهروندان است که از آموزش‌های لازم درباره مشاغل بهره‌مند شوند.

ماده ۸۰- حق شهروندان است که از بهداشت محیطی و کاری سالم و ایمن و تدابیر ضروری برای پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روحی در محیط‌های کار بهره‌مند باشند.

ماده ۸۱- شهروندان از حیث نقض قوانین و مقررات کار، حق دادخواهی در برابر مراجع قانونی را دارند.

ماده ۸۲- به‌کارگیری، ارتقا و اعطای امتیازات به کارکنان باید مبتنی بر تخصص، شایستگی و توانمندی‌های متناسب با شغل باشد و رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی و تبعیض‌آمیز و استفاده از روش‌های ناقض حریم خصوصی در فرایند گزینش ممنوع است.

ماده ۸۳- حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

ماده ۸۴- اشتغال اجباری کودکان به کار ممنوع است. موارد استثنا که در جهت منافع و مصالح آنان باشد صرفاً به حکم قانون مجاز می‌باشد.

## ض - حق رفاه و تأمین اجتماعی

ماده ۸۵- آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است.

ماده ۸۶- حق هر شهروند است که از رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی بهره‌مند شود.

ماده ۸۷- حق شهروندان است که در صورت بیکاری ناخواسته، طبق قانون از حقوق بیمه بیکاری برخوردار شوند.

ماده ۸۸- حق شهروندان روستائین و عشایر است که حسب مورد از حقوقی چون توسعه روستایی، بیمه و تأمین اجتماعی و ایمن‌سازی محیط زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۸۹- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی - ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند.

ماده ۹۰- حق زنان است که از تغذیه سالم در دوران بارداری، زایمان سالم، مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان، مرخصی زایمان و درمان بیماری‌های شایع زنان بهره‌مند شوند.

ماده ۹۱- حق شهروندان است که از محیط زندگی عاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی از جمله مواد مخدر و روان‌گردان برخوردار باشند. گروه‌های آسیب‌پذیر و مددجویان از اقدامات مؤثر دولت در زمینه توانمندسازی، امید به زندگی و اعمال سیاست‌های تأمینی برخوردار می‌شوند.

ماده ۹۲- حق جامعه ایثارگران و خانواده‌های معظم آنان است که به‌طور خاص از تمهیدات ضروری برای توانمندسازی فردی و جمعی برای حضور و مشارکت مؤثر در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند.

ماده ۹۳- دولت از حقوق بیمه‌شدگان حمایت می‌کند و این حمایت شامل تضمین فضای رقابتی، نظارت بر فعالیت بیمه‌گران و نهادهای بیمه‌ای، تنظیم روابط بیمه‌گر و بیمه‌گزار و بهبود سازوکارهای رسیدگی به دادخواهی بیمه‌شدگان و سایر ذی‌نفعان می‌باشد.

ماده ۹۴- شهروندان حق دسترسی به کالاها و خدمات استاندارد را دارند به‌گونه‌ای که بهداشت یا سلامت آن‌ها را با مخاطره مواجه نکند.

## ط- حق دسترسی و مشارکت فرهنگی

ماده ۹۵- برخورداری از آثار و فواید توسعه فرهنگی و پیشرفت‌های علمی، مشارکت در حیات فرهنگی و حمایت متوازن از جنبه‌های مختلف فرهنگ حق شهروندان است.

ماده ۹۶- تنوع و تفاوت‌های فرهنگی مردم ایران به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی در چارچوب هویت ملی مورد احترام است.

ماده ۹۷- شهروندان فارغ از تفاوت‌های قومی و مذهبی از حق ارتباطات بین فرهنگی برخوردارند.

ماده ۹۸- دولت مکلف به حفظ و حراست از میراث تمدنی و فرهنگی و حفظ آثار، بناها و یادبودهای تاریخی صرف نظر از تعلق آن‌ها به گروه‌های مختلف فرهنگی است.

ماده ۹۹- شهروندان حق دارند از امکانات لازم برای مشارکت در حیات فرهنگی خود و همراهی با دیگر شهروندان از جمله در تأسیس تشکل‌ها، انجمن‌ها، برپایی آیین‌های دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی با رعایت قوانین برخوردار باشند.

ماده ۱۰۰- فعالان عرصه‌های هنری حق دارند در فضای غیرانحصاری آزادانه فعالیت کنند. دولت موظف است تدابیر لازم برای جلب مشارکت رقابتی بخش خصوصی در مراحل تولید و عرضه آثار هنری را فراهم کند.

ماده ۱۰۱- شهروندان از حق یادگیری و استفاده و تدریس زبان و گویش محلی خود برخوردارند.

ماده ۱۰۲- شهروندان در انتخاب نوع پوشش خود متناسب با عرف و فرهنگ اجتماعی و در چارچوب موازین قانونی آزاد هستند.

ماده ۱۰۳- حق همه شهروندان به ویژه زنان است که ضمن برخورداری از مشارکت و حضور در فضاها و مراکز عمومی، تشکل‌ها و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری مخصوص خود را تشکیل دهند.

## ظ- حق آموزش و پژوهش

ماده ۱۰۴- شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به‌طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد.

ماده ۱۰۵- همه استادان و دانشجویان حق بهره‌مندی از مزایای آموزشی و پژوهشی از جمله ارتقا را دارند. اعطای تسهیلات و حمایت‌های علمی از جمله فرصت مطالعاتی، بورسیه و غیره صرفاً باید بر اساس توانمندی‌های علمی، شایستگی، فارغ از گرایش‌های جناحی و حزبی و مانند این‌ها باشد.

ماده ۱۰۶- جوامع علمی، حوزوی و دانشگاهی از آزادی و استقلال علمی برخوردارند، استادان، طلاب و دانشجویان در اظهارنظر آزادند و آن‌ها را نمی‌توان به‌صرف داشتن یا ابراز عقیده در محیط‌های علمی مورد تعرض و مواخذه قرار داد یا از تدریس و تحصیل محروم کرد. اساتید و دانشجویان حق دارند نسبت به تأسیس تشکل‌های صنفی، سیاسی، اجتماعی، علمی و غیره و فعالیت در آن‌ها اقدام کنند.

ماده ۱۰۷- دانشگاه باید مکانی امن برای استادان و دانشجویان باشد. مسئولان دانشگاه باید برای تضمین امنیت دانشجویان اهتمام جدی ورزند. رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان باید با رعایت حق دادخواهی، اصول دادرسی منصفانه و دسترسی به مراجع صالح مستقل و بی‌طرف و با رعایت حق دفاع و تجدیدنظرخواهی، در حداقل زمان و بدون تأخیر، مطابق با مقررات انجام شود.

ماده ۱۰۸- حق دانش‌آموزان است که از آموزش و پرورش برخوردار باشند که منجر به شکوفایی شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی و احترام به والدین و حقوق دیگران، هویت فرهنگی، ارزش‌های دینی و ملی شود و آن‌ها را برای داشتن زندگی اخلاقی و مسئولانه توأم با تفاهم، مسالمت، مدارا و مروت، انصاف، نظم و انضباط، برابری و دوستی بین مردم و احترام به محیط‌زیست و میراث فرهنگی آماده کند.

ماده ۱۰۹- حق دانش‌آموزان است که شخصیت و کرامت آنان مورد احترام قرار گیرد. نظرات کودکان در مسائل مربوط به زندگی‌شان باید شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد.

ماده ۱۱۰- هیچ‌کس حق ندارد موجب شکل‌گیری تنفرهای قومی، مذهبی و سیاسی در ذهن کودکان شود یا خشونت نسبت به یک نژاد یا مذهب خاص را از طریق آموزش یا تربیت یا رسانه‌های جمعی در ذهن کودکان ایجاد کند.

ماده ۱۱۱- توان خواهان باید به تناسب توانایی از فرصت و امکان تحصیل و کسب مهارت برخوردار باشند و معلولیت نباید موجب محرومیت از حق تحصیل دانش و مهارت‌های شغلی شود.

### ع- حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار

ماده ۱۱۲- حفاظت از محیط‌زیست - که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند - وظیفه‌ای همگانی است. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل‌جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، بهسازی و زیباسازی محیط‌زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط‌زیست حق شهروندان است و دولت این حق را در برنامه‌ها، تصمیمات و اقدام‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می‌دهد و با آلودگی و تخریب محیط‌زیست مقابله می‌کند.

ماده ۱۱۳- هر شهروند حق بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم، پاک و عاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و آگاهی از میزان و تبعات آلاینده‌های محیط‌زیست را دارد. دستگاه‌های اجرایی برای کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی به‌ویژه در شهرهای بزرگ تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند.

ماده ۱۱۴- هرگونه اقدام به‌منظور توسعه زیربنایی و صنعتی مانند احداث سدها و راه‌ها و صنایع استخراجی، پتروشیمی یا هسته‌ای و مانند آن باید پس از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی انجام شود. اجرای طرح‌های توسعه‌ای منوط به رعایت دقیق ملاحظات زیست‌محیطی خواهد بود.

ماده ۱۱۵- دولت با ایفای نقش بین‌المللی مؤثر از طریق همکاری‌های اقتصادی، تبادل اطلاعات، انتقال دانش فنی و مبادله فرهنگی برای تحقق توسعه پایدار همه‌جانبه و متوازن و رفع موانع بین‌المللی اقدام خواهد نمود. حق شهروندان است که از مزایا و منافع فن‌آوری‌های نو در کلیه زمینه‌ها از جمله بهداشتی، پزشکی، دارویی، غذایی، اقتصادی و تجاری بهره‌مند شوند.

## غ- حق صلح، امنیت و اقتدار ملی

ماده ۱۱۶- حق شهروندان است که از سیاست خارجی شفاف و صلح‌طلبانه در چارچوب منافع و امنیت ملی، برخوردار باشند. دولت با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت، برقراری، حفظ و ارتقای روابط و مناسبات پایدار با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را دنبال می‌کند و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و روش‌های خردمندانه برای ترویج و تقویت گفت‌وگو، صلح، صیانت از حقوق بشر و کرامت انسان‌ها، مبارزه با خشونت و افراطی‌گری و دفاع از حقوق مظلومان تلاش می‌کند.

ماده ۱۱۷- دولت برای حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و بهبود وجهه بین‌المللی ایران، برنامه‌ریزی و اقدام خواهد نمود.

ماده ۱۱۸- شهروندان حق دارند از امنیت، استقلال، وحدت، تمامیت ارضی و اقتدار ملی برخوردار باشند.

ماده ۱۱۹- دولت موظف است با برنامه‌ریزی‌های لازم و تخصیص منابع کافی در جهت بازدارندگی راهبردی و ارتقای توانمندی دفاعی کشور اقدامات لازم به ویژه تجهیز و تقویت نیروهای مسلح را به عمل آورد.

ماده ۱۲۰- شهروندان حق دارند از آموزش دفاعی لازم برخوردار باشند. دولت با برنامه‌ریزی و تخصیص امکانات لازم نسبت به تقویت بنیه دفاعی و بسیج عمومی اقدام می‌نماید.

### ارجاعات قانونی مواد منشور حقوق شهروندی

ماده ۱- اصول بیست و دوم، سی و ششم و سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ - قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ - قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳.

ماده ۲- بند ۱۲ اصل سوم، اصل بیست و نهم، بند ۲ اصل چهارم و سوم، اصل پنجاهم قانون اساسی، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - مصوب ۱۳۶۷ - قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۷۲، بند ۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۳- اصول ده و بیست و یکم قانون اساسی، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی - سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان - مصوب ۱۳۸۶ - شورای انقلاب فرهنگی.

ماده ۴- اصل بیست و یکم قانون اساسی - قانون حمایت از کودکان و نوجوانان - مصوب ۱۳۸۱ - قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست - مصوب ۱۳۹۲، قانون الحاق به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲.

ماده ۵- قانون الحاق به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت - مصوب ۱۳۸۷ - قانون جامع حمایت از حقوق معلولان - مصوب ۱۳۸۳.



ماده ۶- بند ۱ اصل سوم، اصل بیست و سوم، بند ۱ اصل ۲۱ و اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی، بندهای ۲۱ و ۴۴ اقدامات ملی، بندهای ۱۷ و ۱۹ راهبردهای ملی مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور - مصوب ۱۳۹۱ - شورای عالی انقلاب فرهنگی، قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - مصوب ۱۳۶۵، بند ۱ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور - مصوب ۱۳۹۲ و بند ۱ سیاست‌های کلی نظام اداری - مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۷- اصل بیست و دوم قانون اساسی، بند ۶ اصل دوم قانون اساسی و اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی.

ماده ۸- اصول سوم، سیزدهم، نوزدهم، بیستم و سی‌ام قانون اساسی - قانون نحوه اجرای اصل ۴۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۰- سیاست‌های کلی آمایش سرزمین - مصوب ۱۳۹۰، قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶ و بند ۱ اصل چهل و سوم قانون اساسی.

ماده ۹- اصول سوم، بیست و دوم و بیست و سوم قانون اساسی.

ماده ۱۰- اصول دوازدهم، چهاردهم، نوزدهم، بیست و دوم و بیست و چهارم قانون اساسی، قانون مطبوعات - مصوب ۱۳۷۹- جزء (۴) بند الف سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر تبلیغات محیطی - مصوب ۱۳۸۸- شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۱۱- بندهای ۸، ۹ و ۱۴ اصل سوم و اصول بیستم و یکم قانون اساسی، بندهای ۱۵ و ۵۱ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی. بند ۱۲ سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان - مصوب ۱۳۸۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۱۲- اصول نهم، بیست و دوم، سی و ششم، سی و هفتم و پنجاه و یکم قانون اساسی و بند ۷ اصل سوم قانون اساسی.

ماده ۱۳- اصول سوم، نهم، بیست و دوم، بیست و سوم و پنجم قانون اساسی- قانون تشکیل وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی - مصوب ۱۳۶۲.

ماده ۱۴- اصول سی و چهارم، صد و پنجاه و ششم، صد و پنجاه و نهم و یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی، قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶، قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۹.

ماده ۱۵- اصول سوم، ششم و پنجاه و هفتم، پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم قانون اساسی و بند ۳ اصل چهل و سوم قانون اساسی.

ماده ۱۶- اصل سوم و اصل نوزدهم قانون اساسی، قانون انتخابات ریاست جمهوری - مصوب ۱۳۷۹ و اصلاحات بعدی آن، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحات بعدی آن.

ماده ۱۷- اصل سوم قانون اساسی، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - مصوب ۱۳۷۸ - و اصلاحات بعدی آن.

ماده ۱۸- بندهای ۸ و ۹ اصل سوم و اصل ۱۷۵ قانون اساسی.

ماده ۱۹- بندهای ۶، ۸، ۹ و ۱۰ اصل سوم و اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام اداری - مصوب ۱۳۸۹- قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد - مصوب ۱۳۹۰- قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶.

ماده ۲۰- بندهای ۶، ۹ و ۱۰ اصل سوم قانون اساسی، ماده ۲۸ قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶.

ماده ۲۱- اصول سی و چهارم، یکصد و هفتادم، یکصد و هفتاد و سوم و یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی، قانون تشکیل سازمان بازرسی کشور - مصوب ۱۳۶۰، قانون دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۲۲- اصل سوم قانون اساسی - قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار - مصوب ۱۳۹۰ و بند ۱۸ سیاست‌های کلی نظام اداری - مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۲۳- قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶- قانون رسیدگی به تخلفات اداری - مصوب ۱۳۷۲- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸ و بند ۲۰ سیاست‌های کلی نظام اداری - مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۲۴- بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، مواد ۲۵ الی ۲۸ و ۴۱، ۵۳ و ۱۱۴ قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶ و مواد مختلف سیاست‌های کلی نظام اداری - مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۲۵- اصل بیست و سوم قانون اساسی - قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳.

ماده ۲۶- بند ۲ اصل سوم و اصول بیست و چهارم و یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، قانون مطبوعات - مصوب ۱۳۶۴- و اصلاحات بعدی آن.

ماده ۲۷- بند ۴ اصل سوم و اصل بیست و چهارم و یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - مصوب ۱۳۶۵.

ماده ۲۸- اصول هشتم و قانون اساسی، ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر- مصوب ۱۳۹۳ - ماده ۳ قانون مطبوعات - مصوب ۱۳۶۴ - و اصلاحات بعدی آن، بند ۴ سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات - مصوب ۱۳۸۰ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۲۹- بند ۲ اصل سوم و اصل نهم قانون اساسی - ماده ۳ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸- ماده ۴ قانون مطبوعات - مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن.

ماده ۳۰- بند ۲ اصل سوم قانون اساسی، مواد ۲ و ۱۰ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۸ - بند (الف) ماده ۳ قانون ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد- مصوب ۱۳۹۰، قانون بهبود مستمر محیط

- کسب و کار - مصوب ۱۳۹۰ و ماده ۱۰ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد - مصوب ۱۳۸۷.
- ماده ۳۱- اصل ۲۲ قانون اساسی، ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸.
- ماده ۳۲- قانون الحاق به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب- مصوب ۱۳۸۹ و ماده ۱۷ قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲.
- ماده ۳۳- بند (ب) اصل دوم و بند ۱ اصل سوم و اصل بیست و چهارم قانون اساسی، قانون تجارت الکترونیک - مصوب ۱۳۸۲ و ماده ۲۱ قانون جرائم رایانه‌ای - مصوب ۱۳۸۸.
- ماده ۳۴- بند (ب) اصل دوم قانون اساسی، قانون تجارت الکترونیک - مصوب ۱۳۸۲، ماده ۳۸ قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶، قانون جرائم رایانه‌ای- مصوب ۱۳۸۸ و بند ۱۵ سیاست‌های کلی نظام اداری - مصوب ۱۳۸۹.
- ماده ۳۵- فرمان مقام معظم رهبری بر تشکیل شورای عالی مجازی و تعیین اعضای حقیقی و حقوقی آن - ۱۳۹۰، مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸ و ماده ۱ قانون جرائم رایانه‌ای - مصوب ۱۳۸۸.
- ماده ۳۶- اصول بیست و دوم و بیست و پنجم قانون اساسی، مواد ۴ و ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند - مصوب ۱۳۸۶، مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸، ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف - مصوب ۱۳۹۴ و بند ۱ سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات - مصوب ۱۳۸۹.
- ماده ۳۷- اصل بیست و پنجم قانون اساسی، ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند - مصوب ۱۳۸۶، مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸ و بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳.
- ماده ۳۸- اصل بیست و پنجم قانون اساسی، ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند - مصوب ۱۳۸۶ و مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸.
- ماده ۳۹- اصل بیست و پنجم قانون اساسی، مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸.
- ماده ۴۰- اصل بیست و پنجم قانون اساسی، ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۴۱- اصل بیست و پنجم قانون اساسی، قانون مطبوعات - مصوب ۱۳۶۴ - و اصلاحات بعدی آن و قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند - مصوب ۱۳۸۶، ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۴۲- اصل بیست و پنجم قانون اساسی، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند - مصوب ۱۳۸۶، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات).

ماده ۴۳- اصل بیست و ششم قانون اساسی، قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده - مصوب ۱۳۶۰.

ماده ۴۴- اصول بیست و ششم و بیست و هفتم قانون اساسی، قانون نظام صنفی کشور - مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحات بعدی، آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد - مصوب ۱۳۹۵.

ماده ۴۵- اصول بیست و ششم و بیست و هفتم قانون اساسی، قانون نظام صنفی کشور - مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحات بعدی، آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد - مصوب ۱۳۹۵، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۸، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۴۶- اصل بیست و هفتم قانون اساسی، ماده ۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده - مصوب ۱۳۶۰، آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی - مصوب ۱۳۸۱.

ماده ۴۷- اصل چهل و یکم قانون اساسی، مواد ۹۷۶ و ۹۹۱ قانون مدنی - مصوب ۱۳۰۷ - قانون ثبت‌احوال - مصوب ۱۳۵۵.

ماده ۴۸- قانون گذرنامه - مصوب ۱۳۴۳ و اصل سی و سوم قانون اساسی.

ماده ۴۹- اصل سی و سوم قانون اساسی، ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۵۰- بند ۶ ماده ۲ قانون وظایف وزارت امور خارجه - مصوب ۱۳۶۴ و قانون الزام دولت به پیگیری و استیفای حقوق اتباع و دیپلمات‌های ایرانی آسیب‌دیده از اقدامات دولت‌های خارجی - مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۵۱- اصول دهم و بیست و یکم و بند ۱ اصل چهل و نهم قانون اساسی، اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن مصوب ۱۳۸۴ - شورای عالی انقلاب فرهنگی، مواد ۴۳ و ۲۳۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹ و بند ۲ سیاست‌های کلی جمعیت - مصوب ۱۳۹۳.

ماده ۵۲- بند ۵۶ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۵۳- اصل دهم قانون اساسی، اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن - مصوب ۱۳۸۴ - شورای عالی انقلاب فرهنگی و بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت - مصوب ۱۳۹۳.

ماده ۵۴- اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن - مصوب ۱۳۸۴ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۵۵- مواد ۱۱۶۸ الی ۱۱۷۹ قانون مدنی - مصوب ۱۳۰۷ و قانون حمایت از خانواده - مصوب ۱۳۹۱.

ماده ۵۶- اصول سی و چهارم، شصت و یکم، نودم، یکصد و پنجاه و نهم، یکصد و هفتاد و سوم و یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی - قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ - قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی - مصوب ۱۳۷۹ - قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری - مصوب ۱۳۹۲ - قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور - مصوب ۱۳۶۰، قانون رسیدگی به تخلفات اداری - مصوب ۱۳۷۲ - قانون شوراهای حل اختلاف - مصوب ۱۳۸۷ و اصلاحی ۱۳۹۴.

ماده ۵۷- اصول سی و هفتم و یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ - بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳.

ماده ۵۸- اصل سی و پنجم قانون اساسی، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی - مصوب ۱۳۷۰ - بند ۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳، ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۵۹- اصول سی و نهم و یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی، بندهای ۴، ۶ و ۷ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳ - مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی - مصوب ۱۳۷۰، مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۶۰- اصول بیست دوم و سی و هشتم و یکصد و شصت و ششم و یکصد و هشتاد و هشتم قانون اساسی، ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲، ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۶۱- اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی، ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۶۲- اصل سی و دوم قانون اساسی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳ - فصل دوم قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۶۳- اصول سوم و سی و دوم قانون اساسی، مواد ۵ و ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۶۴- اصل سی و نهم قانون اساسی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی - مصوب ۱۳۸۳، مواد ۴۹، ۵۰ و ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۶۵- قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ - قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی - مصوب ۱۳۷۹ - قانون تخلفات اداری - مصوب ۱۳۷۲.

ماده ۶۶- اصول سی و ششم و سی و هفتم قانون اساسی، مواد ۴، ۷، ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۶۷- بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی.

ماده ۶۸- بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۶۹- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات - مصوب ۱۳۸۶- قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار - مصوب ۱۳۹۰- سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت اقتصادی - مصوب ۱۳۷۹، بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۷۰- بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، بند ۵ سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری - مصوب ۱۳۸۹، بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۷۱- بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، بند ۲ سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری - مصوب ۱۳۹۰، بندهای ۱۹ و ۲۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۷۲- بندهای ۸ و ۱۲ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی، قانون تشویق سرمایه‌گذاری خارجی - مصوب ۱۳۸۰- سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری - مصوب ۱۳۸۹- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز. مصوب ۱۳۹۲- بند ۲۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۷۳- اصل سی و یکم قانون اساسی، بندهای ۳ و ۴ سیاست‌های کلی مسکن - مصوب ۱۳۸۹- قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن- مصوب ۱۳۸۷.

ماده ۷۴- قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن- مصوب ۱۳۸۷

ماده ۷۵- اصول بیست و دوم و چهل و ششم و هفتم قانون اساسی، مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی - مصوب ۱۳۰۷.

ماده ۷۶- اصول چهل و ششم و چهل و هفتم قانون اساسی، قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان- مصوب ۱۳۴۸- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری - مصوب ۱۳۸۶.

ماده ۷۷- اصول نوزدهم، بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی.

ماده ۷۸- بند ۱۲ اصل سوم و بند ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی، ماده ۳۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه - مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۷۹- اصل بیست و هشتم قانون اساسی، مواد ۴۱، ۴۴ و ۵۴ قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶- بندهای ۲ و ۶ سیاست‌های کلی نظام اداری- مصوب ۱۳۸۹- ماده ۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان - مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۸۰- بند ۱ اصل چهل و سوم قانون اساسی، بند ۱۲ سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه انسانی، مصوب ۱۳۹۱- ماده ۵۸ قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶.

- ماده ۸۱- اصل سی و چهارم قانون اساسی، ماده ۱۵۷ قانون کار-مصوب ۱۳۶۹، بند ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری- مصوب ۱۳۸۵.
- ماده ۸۲- بندهای ۹ و ۱۰ اصل سوم قانون اساسی، مواد ۴۱ و ۵۳ قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶- بندهای ۲، ۴ و ۶ سیاست‌های کلی نظام اداری- مصوب ۱۳۸۹.
- ماده ۸۳- بند ۱۴ اصل سوم و اصول بیستم، بیست و یکم و بیست و هشتم قانون اساسی، سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران- مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، بندهای ۱۰۱ و ۱۰۲ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ماده ۸۴- بند چهار اصل چهل و سوم و بند شش اصل دوم و اصول نوزدهم، بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی و ماده ۷۹ قانون کار.
- ماده ۸۵- بند ۱ اصل سوم و اصل چهل و سوم قانون اساسی، بندهای ۲۱ و ۴۴ اقدامات ملی، بندهای ۱۷ و ۱۹ راهبردهای ملی مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور - مصوب ۱۳۹۱ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ماده ۸۶- بند ۱۲ اصل سوم، بند ۱ اصل چهل و سوم و اصل بیست و نهم قانون اساسی، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳.
- ماده ۸۷- بند ۲ اصل سوم، اصل بیست و نهم قانون اساسی، قانون بیمه بیکاری - مصوب ۱۳۶۹- ماده ۷۳ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹.
- ماده ۸۸- اصول بیست و نهم و سی و یکم قانون اساسی، بخش توسعه روستایی قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹.
- ماده ۸۹- بند ۳ اصل سوم و اصل ۲۱ قانون اساسی، بندهای ۵۳ و ۵۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران- مصوب ۱۳۸۳- شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیاست‌ها و اولویت‌های فرهنگی سازمان تربیت‌بدنی - مصوب ۱۳۸۴ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ماده ۹۰- اصول ده و بیست و یکم و بیست و نهم قانون اساسی، بندهای ۱۵ و ۵۱ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی بند ۱۲ سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان - مصوب ۱۳۸۶ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ماده ۹۱- بندهای ۱ و ۲ اصل سوم و اصل ۲۲ قانون اساسی، قانون مبارزه با مواد مخدر - مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹- سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر - مصوب ۱۳۸۵- مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور- مصوب ۱۳۹۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ماده ۹۲- قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران - مصوب ۱۳۹۱ - قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۹۳- بند ۱۲ اصل سوم، اصول بیست و یکم و سی و چهارم قانون اساسی، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی - مصوب ۱۳۸۳- قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث - مصوب ۱۳۹۲.

ماده ۹۴- بند ۱۲ اصل سوم و بند ۱ اصل چهارم و سوم قانون اساسی، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان - مصوب ۱۳۸۸.

ماده ۹۵- اصل نوزدهم قانون اساسی، مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور- مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۹۶- اصول چهاردهم، پانزدهم، نوزدهم و بیستم قانون اساسی، مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور- مصوب ۱۳۹۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۹۷- اصول چهاردهم، پانزدهم، نوزدهم، بیستم و ششم و هشتاد و سوم قانون اساسی.

ماده ۹۸- اصول نوزدهم و چهارم و پنجم و چهارم و هشتم قانون اساسی، قانون نحوه اجرای اصل ۴۸ قانون اساسی- مصوب ۱۳۸۰.

ماده ۹۹- اصول دوازدهم، چهاردهم، نوزدهم و بیست و ششم قانون اساسی.

ماده ۱۰۰- بند ۴ اصل سوم، اصول بیست و ششم و هشتم و بند ۲ اصل چهارم و سوم قانون اساسی، سیاست‌های حمایت از اشتغال هنرمندان - مصوب ۱۳۸۲ - شورای عالی انقلاب فرهنگی قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - مصوب ۱۳۶۵- مواد ۱۰۲ و ۱۵۳ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹.

ماده ۱۰۱- اصل پانزدهم قانون اساسی، مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۱۰۲- اصول و مبانی روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف - مصوب ۱۳۷۶ - شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۱۰۳- اصول نوزدهم و بیست و ششم قانون اساسی، بند ۱۱۵ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۱۰۴- بند ۳ اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش - مصوب ۱۳۶۶- اساسنامه نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۳ - قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - مصوب ۱۳۸۳.

ماده ۱۰۵- اصل نوزدهم قانون اساسی، سند نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۸۹ - شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند راهبردی کشور در امور نخبگان - مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.



- ماده ۱۰۶- اصول بیست و سوم و بیست و ششم قانون اساسی. سند نقشه جامع علمی کشور - مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۲.
- ماده ۱۰۷- بندهای ۶ و ۷ اصل سوم، اصل بیست و سوم و سی و پنجم قانون اساسی، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - مصوب ۱۳۸۳.
- ماده ۱۰۸- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش - مصوب ۱۳۹۰- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ماده ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲.
- ماده ۱۰۹- جزء ۹-۳ راهبردهای ملی مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مواد ۱۲ و ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک - مصوب ۱۳۷۲.
- ماده ۱۱۰- ماده ۶ قانون مطبوعات- مصوب ۱۳۶۴، ماده ۸ قانون خطمشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۱، مواد ۲۸ و ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک - بند (ج) مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص اصلاح «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب»- مصوب ۱۳۸۹.
- ماده ۱۱۱- اصول یازدهم، بیستم و بیست و نهم قانون اساسی، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان - مصوب ۱۳۸۷ - قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت - مصوب ۱۳۸۷.
- ماده ۱۱۲- اصل پنجاهم قانون اساسی، سیاست‌های کلی محیط زیست - مصوب ۱۳۹۴ - قانون بهسازی و حفاظت از محیط زیست - مصوب ۱۳۵۳، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب ۱۳۷۴، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲.
- ماده ۱۱۳- اصل پنجاهم قانون اساسی، بند ۷ فصل اول سند نقشه جامع علمی کشور - مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مواد ۱۸۴ و ۱۹۳ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹، بند ۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - مصوب ۱۳۹۲.
- ماده ۱۱۴- اصول بیست و ششم و سی و چهارم قانون اساسی، بند ۴ جزء (ز) سیاست‌های کلی آمایش سرزمین - مصوب ۱۳۹۰.
- ماده ۱۱۵- بندهای ۲ و ۳ و ۴ اصل سوم و بند ۱ اصل چهل و سوم قانون اساسی، سند نقشه جامع علمی کشور - مصوب ۱۳۸۹ - شورای عالی انقلاب فرهنگی - قانون دستیابی به فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز - مصوب ۱۳۸۴.
- ماده ۱۱۶- بند ۱۶ اصل سوم، اصول یازدهم، یکصد و پنجاه دوم و یکصد و پنجاه چهارم قانون اساسی، قانون وظایف وزارت امور خارجه - مصوب ۱۳۶۴- ماده ۲۱۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹.
- ماده ۱۱۷- اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی.

ماده ۱۱۸- ماده ۲۱۰ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۹- قانون وظایف وزارت امور خارجه - مصوب ۱۳۶۴.

ماده ۱۱۹- بند (ج) اصل دوم قانون اساسی، بند ۱۱ اصل سوم قانون اساسی، اصل یکصد و چهل و سوم قانون اساسی، اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی.

ماده ۱۲۰- بند ۱۱ اصل سوم و اصول یکصد و چهل و چهارم و یکصد و پنجاه و یکم قانون اساسی.

یادداشت: